



دفاع مقدس

پیشخوان شماره ۱۹۵

در کلام حضرت آیت الله خامنه ای



KHAMENEI.IR

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

- ۷/ دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر
- ۷۹/ بازخوانی معجزه فتح خرمشهر
- ۱۱/ دفاع مقدس، دوره ذخیره نیروی محرکه تاریخ و الهام‌بخش امت‌ها
- ۸۷/ تأثیرات معجز‌آسای بسیج در دوران دفاع مقدس
- ۹۳/ هرچه برای دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست
- ۱۰۱/ نقش هموطنان عرب زبان در دفاع مقدس
- ۱۰۵/ تفاوت دفاع مقدس با بقیه‌ی جنگ‌های دنیا
- ۱۱۱/ تشکیل و نقش آفرینی بسیج در دفاع مقدس
- ۱۱۷/ کار هنری در زمینه دفاع مقدس، یکی از برترین کارهای هنری
- ۱۲۳/ فراموش نکردن مقطع حساس و پرافتخار دفاع مقدس توسط جوانان
- ۱۲۹/ شهید چمران، الگوی استاد دانشمند بسیجی
- ۱۳۷/ ضرورت حفظ عنصر اتقان در تبیین کار بزرگ شهدا
- ۱۴۱/ شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است!
- ۱۴۵/ نگذازید یاد دوران دفاع مقدس از یادها برود
- ۱۷/ ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر
- ۱۹/ موقعیت و جایگاه رزمندگان بعد از دفاع مقدس
- ۲۳/ تفسیر آیات الهی در دفاع مقدس
- ۳۱/ دفاع مقدس عرصه بروز روحیه اسلامی، انقلابی و خصلتهای مسلمانان
- ۳۷/ سه سؤال مهم راجع به جنگ تحمیلی
- ۴۳/ کشف و حفظ آثار جنگ، تا جایی که می‌توانیم
- ۴۷/ تأثیر ایمان و معنویت در پیروزی‌های دفاع مقدس
- ۵۳/ واقعیت سازمان ملل
- ۵۹/ عوامل پیروزی در عملیات بیت المقدس
- ۶۵/ احساس عزت، استقلال و خودباوری ملی، برکات جنگ برای امروز و فردا
- ۷۳/ ثمرات بسیج





«معرفتهاتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه‌زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)

اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بُروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.



دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر

- ❖ جنگ ما از ابتدا دفاعی بود
- ❖ منطق انسانی و احکام اسلامی در بر خورد با دشمن
- ❖ دوحقی که باید از متجاوز گرفت
- ❖ دو نوع وارد شدن به خاک دیگران
- ❖ علت ادامه جنگ و ورود به خاک عراق

دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر*

سوال: آقای خامنه‌ای سؤالی که می‌شود مطرح کرد مسأله‌ی دفاعی بودن جنگ است. ما از ابتدای جنگ و شروع تجاوز عراق اعلام کردیم که در حال دفاع هستیم و بعد از این که وارد خاک عراق هم شدیم این مسأله را عنوان می‌کنیم که باز جنگ ما یک جنگ دفاعی است. شما این مسأله را چگونه تعبیر می‌کنید؟

جنگ ما از ابتدا دفاعی بود

بسم الله الرحمن الرحيم

جنگ ما از آغاز به صورت دفاع شروع شد و تا این ساعت هم ما در حال دفاع هستیم. علت هم این است که حتی ورود ما به خاک عراق، در ادامه‌ی دفاع مقدس ماست. البته دشمن طبعاً مایل است که هنگامی که می‌تواند و احساس قدرت می‌کند، وارد مرزهای ما بشود، تا هر وقتی که می‌تواند در آن جا بماند، ویرانگری بکند، تخریب بکند، افراد نظامی و غیرنظامی را به قتل برساند، زندگی را ناامن بکند، هر وقت هم که تاب نیاورد و نتوانست بماند، برگردد و داخل مرزهای خودش بشود و ما هم با فداکاری و با توانائی مردم، وقتی که توانستیم او را از مرزها بیرون برانیم، لب مرز بایستیم که نبادا وارد خاک دشمن بشویم و به حریم دشمن نبادا که قدم بگذاریم، این میل دشمن است.

منطق انسانی و احکام اسلامی در برخورد با دشمن

اما عقل و منطق انسانی، همچنین احکام اسلامی به ما اجازه‌ی این را نمی‌دهند. ما دشمن را باید ببینیم که چگونه دشمنی است. یک وقت دشمنی است که آمده برای گرفتن یک تپه، تصرف یک رودخانه، یک مودی‌گری مرزی، بعد هم سرکوب می‌شود برمی‌گردد سرجایش و قضیه تمام می‌شود. این جا البته بعد از آنی که دشمن را ما راندیم مسأله تمام شده است. لکن یک وقت دشمن بنای بر قلدری و زورگوئی دارد. مسأله‌ی او با بیرون رفتن از مرزها، آن هم با قدرت‌نمایی نیروهای اسلامی و فداکاریهای فراوان حل شده و تمام شده نیست. دشمن خیلی این را مغتنم می‌شمارد که وقتی قصد تجاوز دارد و وارد خاک می‌شود، تا جایی که می‌تواند بماند، بعد هم که رفت بیرون، مالب مرزها بایستیم او تجدید قوای خودش بکند و هنگامی که باز لازم دانست و مصلحت دانست برگردد، تجاوز خودش را آغاز کند.

دو حقی که باید از متجاوز گرفت

من یک وقتی یک مثالی زدم، گفتم که دزدی، متجاوزی، وارد خانه‌ی شما می‌شود، وارد مزرعه‌ی شما می‌شود و ویران می‌کند، نابود می‌کند، می‌دزدد، می‌کشد. اگر تحمل کردید که می‌ماند، اگر تحمل نکردید و با فشار و زور و قدرت‌نمایی او را بیرون کردید، هیچکس به شما نمی‌گوید که شما از خانه‌ات دیگر پا بیرون نگذار، پا توی مزرعه‌ی او یا خانه‌ی او نگذار که این تجاوز به حریم اوست. نه، عقل به شما حکم می‌کند که بروید گریبان این دشمن را بگیرید، گلوی او را بفشارید و اولاً: از او بپرسید چرا این کار را کرده و مجازاتش کنید به این کار و ثانیاً: حقتان را بگیرید، آنچه که تضییع شده از او باز پس بگیرید. این یک حکم عقلی است. این چیزی نیست که این را ما ابداع کرده باشیم. همه‌ی انسانها و همه‌ی فطرت‌های سالم همین جور فکر می‌کنند.

دو نوع وارد شدن به خاک دیگران

اصولاً وارد شدن به حریم خاک دیگران دو نوع است: یک نوع این است که از روی تجاوز، به قصد تصرف و برای زورگوئی است؛ این تهاجم است، این تجاوز است. همان طور که عراق وارد خاک ما شد. دلیلی برای این کار نداشت. یک بهانه‌هایی همان اول ذکر کردند، اما حتی خودشان هم کاملاً واقف بودند و می‌دانستند که اینها بهانه است. دنیا هم این را فهمید. لذا بود که همه‌ی کسانی که توی مسأله جنگ وارد شدند، تا امروز هم بما می‌گویند، از اوائل هم به ما گفتند که ما می‌دانیم متجاوز کی است، این تجاوز است. یکجور وارد شدن به خاک دشمن هست که برای استنقاذ حق است، برای گوشمال دادن به متجاوز است، برای حفظ امنیت است. برای تأمین مرزها از حوادث مشابه بعدی از سوی همین دشمن هست، این را نمی‌شود گفت تجاوز.

علت ادامه جنگ و ورود به خاک عراق

بنابراین ما، تا وقتی که در پشت مرزهای خودمان می‌جنگیدیم که روشن بود داشتیم دفاع می‌کردیم از خاک خودمان. آن وقتی هم که وارد خاک عراق شدیم، باز به دنباله‌ی همین مسأله است. ما مجازات متجاوز و گوشمال دادن به متجاوز را یکی از هدفهای ادامه‌ی جنگ ذکر کردیم و همین هم هست. البته این را هم باید بگوییم که هنوز در مرزهای ما، همه‌ی مناطق از دشمن پاکسازی نشده است. ما هنوز مناطقی را داریم که از جمله نفت‌شهر و بخشی از مراکز دیگر مرزی ما که هنوز در اختیار دشمن هست و ما ادامه‌ی جنگمان ولو برای پس گرفتن اینها هم که باشد، یک عمل دفاعی است. اما وقتی اینها را هم پس بگیریم، ما دنبال کردن دشمن و رفتن داخل اعماق خاک او برای گوشمال دادن او، این را همه، دفاع از خود و مجازات متجاوز می‌شناسند. بنابراین دفاعی بودن این جنگ یک چیز واضحی است.

البته ما این را گفتیم بارها و همه هم این را قبول کردند از ما که ما قصد ماندن در این مناطق تصرف شده‌ی از عراق را نداریم. نه فدا، نه جزیره و نه هیچ نقطه‌ی دیگر، نقاطی نیست که ما اینها را برای خودمان و جزء خاک خودمان دانسته باشیم. نه اینها مال عراق است، مال مردم عراق است، مال هر رژیم صالحی است که بعدها بر سر کار بیاید در عراق. فعلاً حرکت ما، حرکتی است که در دفاع از امنیت ما و در دفاع از آرامش و صلحی است که برای زندگی دو همسایه که ما و عراق باشیم، ضروری و لازم است.



دفاع مقدس، دوره ذخیره نیروی محرکه تاریخ و الهام بخش امت‌ها



- ❖ فضل و عنایات دایمی خداوند به ملت مجاهد ایران
- ❖ رهاشدن ملت از دامهای حيله و توطئه دشمن
- ❖ جنگ تحمیلی، از وحشیانه‌ترین حلقه‌های توطئه‌ی دشمن
- ❖ ناکامی دشمن از تجاوز و دفاع ملت
- ❖ وحشیانه‌ترین و نامردمی‌ترین اعمال خصمانه از سوی عراق و حامیانش
- ❖ غفلت نکردن از ثبت و ضبط جزئیات دفاع مقدس
- ❖ برملا کردن حقایق برای ملت ایران بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸
- ❖ قرار گرفتن دشمن در دوراهی شکست با قبول قطعنامه
- ❖ عجز حکام سبکسر عراق از تشخیص مصالح
- ❖ مسئولیت تعلل پذیرش قطعنامه بر دوش رژیم عراق و صدام
- ❖ و...



دفاع مقدس، دوره ذخیره نیروی محرکه تاریخ و الهام بخش امتها *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام و رحمت خدا بر ارواح طیبه‌ی شهدا، از صدر تاریخ تا امروز، خصوصاً شهیدان جنگ تحمیلی که با نثار خون خود، شجره‌ی مبارکه‌ی اسلام را آبیاری کرده و به برگ و بار نشانند. عزت را برای مؤمنان به ارمغان آورده و خذلان و ذلت را نصیب معاندان کردند.

صلوات و سلام خدا بر شاهد شهیدان و امام مجاهدان و اسوه و مقتدای صالحان و رفعت بخش کلمه‌ی پیامبران - حضرت امام خمینی (قدس الله سرّه و اعلی الله کلمته) - که آتش خشم مستضعفان را بر هیمه‌ی فسق و فساد و کفر و الحاد و ظلم و استکبار جهانی افکند و ارکان سلطه‌ی مستکبران را متزلزل ساخت.

🌟 فضل و عنایات دایمی خداوند به ملت مجاهد ایران

خداوند تعالی را سپاس که خلعت اکرام خود را بر قامت امت اسلامی ایران پوشانید و او را به صراط مستقیم خود رهنمون شد و از آن هنگام که قیام این ملت، بر اقامه‌ی قسط و وفای به عهد او آغاز شد، تا امروز لحظه‌ی فضل و عنایت خود را از او دریغ نداشت و مجد و عظمت و عزت و شوکت اسلام را با عطایای دایمی خود روزافزون ساخت و دشمنان اسلام را منکوب و مقهور ساخت. هر آن حیل‌ی که اندیشیدند، در اراده‌ی خیرش مستحیل گردانید و هر آن مکرری که ورزیدند و هر آن کیدی که به کار زدند، به آنان برگردانید و تیرهای بلای رها شده‌ی آنان را به سینه‌ی خودشان نشانید و بنیانهای برافراشته از توطئه‌ی آنان را منهدم ساخت و آنان را اسیر مکاید خود ساخت. سلسله‌ی خصومتی که جنابانیدند، بر جوهر انقلاب خدشه‌ی

وارد نساخت؛ بلکه هر حلقه‌ی آن، زنجیری بر پای استکبار شد.

رهاشدن ملت از دامهای حيله و توطئه دشمن

ملتی که به راه رضای خدا می‌رفت و به تکلیف خود می‌اندیشید، به فضل خدا از حلقه‌های دام بلار هید و ابزارهای شیطان، یکی پس از دیگری، فاقد کارایی شد و نور الهی انقلاب، سینه‌ی سیاهیها را با گذر از میدانهای حيله و توطئه‌ی دشمن شکافت و به سرزمینهای حاصلخیز اندیشه و امید مستضعفان در بند، نور امید افشاند و بذر انقلاب پاشید.

جنگ تحمیلی، از وحشیانه‌ترین حلقه‌های توطئه‌ی دشمن

از وحشیانه‌ترین حلقه‌های توطئه‌ی دشمن که بر اساس نقشه‌های شیطانی و شوم، برای هدم اساس اسلام طراحی شده بود، هجوم وسیع نظامی و شروع جنگی بود که دشمن با استفاده از جاه‌طلبی و غرور حکام عراق طراحی کرد و به راه انداخت. این جنگ که با شعارهای قومی و با هدف تجزیه‌ی ایران و به امید فتح سه روزه‌ی تهران و سقوط نظام اسلامی آغاز شد، خرابیهایی در دو کشور و در منطقه به بار آورد که کم‌نظیر بود و جنایتهایی در دفتر تاریخ به ثبت رساند که تا کنون نظیر آن مشاهده نشده بود.

ناکامی دشمن از تجاوز و دفاع ملت

ملت رشید ایران به دفع تجاوز برخاست و با دفاع مقدس از کیان اسلام و میهن اسلامی، سیلی محکمی بر دشمن نواخت و با سلاح و صلاح و در سایه‌ی رهبری ولی‌خدا، آن چنان حماسه‌ی استقامت و رشادت مظلومانه و سرسختانه‌ی سرود که در تاریخ، به مثابه‌ی درس بزرگی باقی خواهد ماند و صراط مستقیم مبارزان و آزادیخواهان را ترسیم خواهد کرد. عنایت خدا در نصرت مظلومان و غلبه‌ی لشکر یانش، بر همه ظاهر شد و این مرحله از توطئه‌ی دشمن ناکام ماند و دلیل و شکست خورده و نادم و خسارت دیده، با پرونده‌ی ملامال از جنایت، به تغییر حيله پرداخت.

وحشیانه‌ترین و نامردمی‌ترین اعمال خصمانه از سوی عراق و حامیانش

در طول جنگ، دشمن به جای تسلیم شدن در برابر حق و تن دادن به عدالت، پیوسته به لجاج و عناد خود افزود و با طرحهای پیچیده و لشکرکشی به خلیج فارس و ایجاد فشار اقتصادی و تجهیز عراق برای حمله به مراکز صنعتی و اقتصادی و مسکونی، کمک در تهیه‌ی سلاح شیمیایی، آخرین تلاشهای خود را به کار برد؛ ولی در آن مقطع نیز جز رسوایی بیشتر، چیزی نصیب آنان نشد. در این مقطع، با حيله و فریب، شعار جنگ به شعار صلح تبدیل شد و این در حالی بود که وحشیانه‌ترین و نامردمی‌ترین اعمال خصمانه از سوی عراق و حامیانش، در جنگ و حواشی آن به وقوع می‌پیوست.

🌸 غفلت نکردن از ثبت و ضبط جزئیات دفاع مقدس

آنچه از حماسه و شجاعت و قدرت و صلابت و فتح رزمندگان اسلام در این مدت گذشت و آنچه از ایثار و قدرت روحی و توکل به خدا و اعتماد به نفس که ملت بزرگ ما از خود نشان دادند، با هیچ بیان قابل توصیف نیست. آری، صحیفه‌ی دل و لوح ذهن پُر خاطره‌ی آزاد مردان و شیرزنان و غیور رزمندگان و دلیر بسیجیان ملت ما را که مدرنترین سلاحهای ابرقدرتها در برابر اراده‌ی پولادین آنان خنثی گردیده است، به آسانی نمی‌توان در هیچ گزارشی ترسیم کرد؛ مگر آن که همه‌ی کسانی که توانایی نگارش و سرایش، ترسیم و تجسم دارند، دیده‌ها و یافته‌های خود و دیگران را هنرمندانه به نظم و نثر و تصویر در آورند. در این جا، از همه‌ی نگارندگان حوادث جنگ و همه‌ی کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه‌ی تمام نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند. این دوره، دوره‌ی ذخیره‌ی نیروی محرکه‌ی تاریخ و الهامبخش امم است. وعده‌ی ظهور قومی را که «اذلّة علی المؤمنین اعزّة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لایخافون لومة لائم»^۱ باشند، در سیمای پارسایان شب و شیران روز می‌توان مشاهده کرد که در این دوران، معرکه‌ی جنگی نابرابر را میداندار بودند و قدرت الهی را در فتوحات فجر و ظفر و کربلا و خیبر نمودند و ثبات قدمشان، آیات فتح را تفسیری روشن بود و همت بلند و عزم راسخشان، اراده‌ی الهی را مظهری آشکار.

🌸 تأمین شعار دفاع مقدس در قطعنامه‌ی ۵۹۸

اما آنچه از این مرحله باقی ماند، جز خسران و شکست برای دشمن و سربلندی و افتخار برای ایران اسلامی نبود. صدور قطعنامه‌ی ۵۹۸ در سال ۱۳۶۶، عکس‌العمل ناگزیری بود که در برابر شکستهای رژیم متجاوز عراق، از سوی قدرتهای حمایت کننده‌ی او زمینه‌سازی شد و از شورای امنیت صادر گشت. این قطعنامه که زیر فشار سهمگین رزمندگان اسلام بر پیکر دشمن صادر شد، سندی است که شعار دفاع مقدس ما در آن تأمین گردیده بود و اجرای کامل آن، دشمن را به شکست قطعی می‌رسانید و لذا هرگز جمهوری اسلامی آن را رد نکرد. آنچه برای ایران اسلامی مطرح و موجب عدم شتاب در قبول آن می‌شد، اصرار بر تنبیه متجاوز به قدر کافی در میدانهای نبرد و نیز بی‌اعتمادی در اجرای میثاقهای بین‌المللی توسط قدرتهای بزرگ بود.

🌸 بر ملا کردن حقایق برای ملت ایران بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸

از صدور قطعنامه تا قبول رسمی آن از سوی جمهوری اسلامی، دنیا شاهد سنگینترین ضربات نیروهای اسلام بر دشمن و فتوحات بزرگ رزمندگان ما بر دشمن در جبهه‌های جنگ از سوئی و فشارهای همه جانبه از سوی حامیان رژیم عراق علیه ایران اسلامی از سوی دیگر بود. حصر اقتصادی، حمله به تأسیسات مادر خلیج فارس و تمرکز بی‌سابقه‌ی نیروهای نظامی امریکا و ناتو در اطراف مرزهای آبی و هوایی و حتی

تجاوز به آنها، بخشی از این فشارها بود؛ به طوری که تقریباً هیچ فشار ممکن باقی نماند، مگر آن که بر ملت ایران وارد شد و رژیم امریکا تقریباً به طور مستقیم وارد صحنه شد. تهدیدها، بمبارانهای وسیع شیمیایی و جنایت حمله به شهرها و هواپیمای مسافربری و کشتی غیرنظامی و اثبات این که استکبار در حمایت از عراق آمادگی برای دست یازیدن به هر جنایتی دارد، بخشی از حوادث این دوران است و جا دارد در موقع مقتضی، این حقایق هشداردهنده برای ملت ایران شکافته و برملا گردد.

قرار گرفتن دشمن در دوراهی شکست با قبول قطعنامه

قبول قطعنامه‌ی ۱۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی و رهبر عظیم‌الشان فقید آن، توطئه‌ی وسیع دشمن را بار دیگر با هدایت الهی به خود او برگرداند و دشمن را که تحت شعار صلح‌طلبی، به هر جنایتی دست می‌زد، خلع شعار کرد. شاید مشیت الهی بر این بود که با قبول قطعنامه، حقانیت جمهوری اسلامی بیش از پیش در جهان آشکار شود و ملت ایران به هدفهای اساسی خود در سطح بین‌المللی نزدیکتر گردد. با این ابتکار جمهوری اسلامی، دشمن در دوراهی شکست قرار گرفت: اگر اجرا شود، ایران اسلامی به خواسته‌های خود رسیده است و اگر اجرا نشود، داعیه‌ی همیشگی جمهوری اسلامی مبنی بر لزوم قطع ریشه‌ی تجاوز و رابطه‌ی میان تجاوز عراق و حاکمیت سلطه در جهان و این که رژیم عراق در ادعای صلح‌طلبی صداقت نداشته است، به اثبات می‌رسد و بی‌اعتمادی به قرارهای ساخته‌ی قدرتها که جمهوری اسلامی همواره مدعی آن بوده است، در میان ملت‌ها رایج خواهد شد و آنها را بر تکیه‌ی فقط به نیروی خویش، تشویق خواهد کرد.

عجز حکام سبکسر عراق از تشخیص مصالح

حکام سبکسر عراق که در طول جنگ عملاً نشان داده‌اند از تشخیص مصالح عاجزند، این بار نیز زیانبارترین راه را گزیدند؛ یعنی ابتدا با حمله به ایران و ندیده گرفتن شعارهای خود در قبول قطعنامه، بی‌اعتباری سخن و عمل خود را به دیرباورترین اشخاص هم ثابت کردند و البته وقتی با حضور بی‌نظیر رزمندگان در جبهه، مجبور به عقب‌نشینی در بخش عظیمی از مرزها شدند، یک بار دیگر آزموده را آزمودند. با تعلق در اجرای قطعنامه، باز هم اقدامی دیگر در جهت عکس منافع سیاسی و اقتصادی و نظامی و حیثیتی خود انجام دادند و جهالت و آزمندی خود را به اثبات رساندند.

مسئولیت تعلق پذیرش قطعنامه بر دوش رژیم عراق و صدام

نگهداشتن بخشی از اراضی ایران اسلامی که عمدتاً دزدانه و پس از آتش‌بس تصرف شده، به قیمت تعطیل قطعنامه‌ی که مدتها دم از اجرای آن می‌زده‌اند، جز نکبت و پشیمانی، چیزی برای آنها به ارمغان نخواهد آورد و این حيله‌ی شیطانی نیز به خود آنان بر خواهد گشت: «ولایحیق المکر السیئی الابهله»^۲. آنان

دیر یا زود، مجبور به تخلیه‌ی این اراضی خواهند شد و همه می‌دانند که ایران انقلابی، حضور متجاوز غاصب پلید را در مرزهای خود، زمان درازی تحمل نخواهد کرد و به طور حتم خسارتی که در این مرحله نصیب متجاوز و منطقه خواهد شد، مانند گذشته خسارتی سنگین خواهد بود. اگر یک سال پیش، صدام به اجرای قطعنامه تن داده بود، اینک اسرا برگشته، ارنود لایروبی شده و صلح مستقر گردیده و پیشرفت بازسازیها چشمگیر بود. آنچه از تعلل رژیم عراق در عمل به قطعنامه، تا کنون بر دو کشور وارد شده، و آنچه از این پس وارد شود، مسؤولیتش بر دوش رژیم عراق و شخص صدام است.

🕌 مردم عراق به فکر دشمن مشترکمان باشند

ما همیشه و حتی در طول جنگ، مردم عراق را برادران مسلمان خود می‌دانسته‌ایم و هیچ‌گاه جز خیر برای آنان در دل نداشته‌ایم و حتی در اوج شرارت‌های دشمن، بر خوردهای اسلامی و انسانی ما با مردم عراق - که ذکر آن خارج از مقال است - گواه صادق ما بر این مدعا بوده است. قاطعانه اعلام می‌کنم که ملت عراق از وضع فعلی و پیامدهای آن سودی نخواهد برد و ما نه تنها به خاطر منافع خود، بلکه به دلیل آنچه بر منطقه و جهان اسلام می‌گذرد، این وضع را رد می‌کنیم و حکام عراق را به قبول حق و دوری از لجاجت فرا می‌خوانیم.

اگر امروز دولتهایی که این منطقه را دچار تشنجهای سیاسی و نظامی میان برادران کرده و مجری سیاستهای امریکا شده‌اند، به خود آیند و به جای برادرآزاری، به فکر دشمنان مشترک باشند و خصوصاً علیه صهیونیسم که جنایتهای بی‌شمارانه‌اش قلب هر آزاده‌یی را به درد می‌آورد، اقدام کنند، ریشه‌ی این غده‌ی سرطانی و بیشتر نابسامانیهای این منطقه خواهد خشکید و اگر دیر به فکر افتند، کار مشکلتر خواهد شد. به همین دلیل است که ما همواره دست خود را برای دوستی با همه‌ی کشورهای اسلامی دراز کرده و برای میثاق بر مبارزه با صهیونیسم غاصب و حامیان زورگوی آن، اعلام آمادگی کرده‌ایم.

🕌 سر بلندی ملت ایران در همه آزمونها

اینک، بار دیگر خداوند را سپاس می‌گوییم که شما ملت بزرگ را از همه‌ی آزمونهای گذشته، سر بلند و موفق خارج ساخت. در فتنه‌ها نلغزیدید و از توطئه‌ها بر خود نلرزیدید و صبر و مقاومت در بلا و حق طلبی و اطاعت از امر خدا را در هر حال از خود نشان دادید و امید است که خدای مقتدر به فضل و عنایت خود، شما را تا رسیدن به قیل مرتفع اهداف خود یاری کند. «أَنَّهُ وَلِيَ النَّعْمِ فَلَهُ الْحَمْدُ مَنْ مَقْتَدِرُ لَا يَغْلِبُ وَ ذِي أَنْاءٍ لَا يَعْجَلُ»^۳.

این جانب، با حمد بی‌پایان خداوند، از همه‌ی اقشار مختلف مردم رشید و عزیز ایران اسلامی، غیور مردان بسیجی، ارتش پیروز اسلام، سپاه پاسداران افتخار آفرین، امدادگران، جهادگران، نیروهای پزشکی و درمانی و خدماتی و همه‌ی اقشار مختلف که جبهه‌ی اسلام را در برابر کفر تقویت و یاری کردند، صمیمانه

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۱

۳. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۲۲

تشکر می‌کنم. و نیز با طلب علو درجات برای شهیدان عزیز، از خانواده‌های معظم و گرانمایه‌ی شهیدان و از جانبازان عزیز - این شهدای زنده - از آسیب‌دیدگان جنگ، مهاجرین مظلوم، اسرا و مفقودین و خانواده‌های مکرم آنان و نیز آحاد ملت شریف ایران تقدیر و تشکر می‌کنم و تذکراتی چند را از باب «فان الذکری تنفع المؤمنین»^۴ تقدیم می‌دارم.

🕌 تذکراتی از باب تنفع المؤمنین به ملت ایران:

🕌 ۱- قوی شدن برای جلوگیری از تهاجم دوباره

۱- دشمن سبکسر و جاهل، ما را ضعیف پنداشت و به مرزهای ما حمله کرد و آتش جنگی هشت‌ساله و پر خسارت را برافروخت. ما باید آن چنان قوی باشیم که چنین پندار غلطی، دیگر در فکر هیچ جاهل قدره‌بندی نیاید و فکر تجاوز به ایران، برای همیشه دفن شود.

🕌 ۲- تقویت بنیه دفاعی کشور

۲- تقویت بنیه‌ی دفاعی، در وهله‌ی اول به تقویت نیروهای مسلح - اعم از سپاه و ارتش - است که باید از طریق بالابردن آموزش‌شها، سازماندهی و نظم، تدوین تاکتیکها و انتقال تجارب جنگ و تمرینها و مانورها و نیز مجهز شدن به سلاحهای لازم و مدرن تأمین شود. اما پشتوانه‌ی زوال ناپذیر دفاع، عبارت است از سازماندهی عمومی بسیج و نیروهای رزم دیده و تکمیل ارتش عظیم بیست میلیونی که آحاد مردم، سازمان یافته و آماده‌ی دفاع از انقلاب و میهن و نظام اسلامی خود آن را تشکیل خواهند داد. لازم است برنامه‌یی ریخته شود که طبق آن، همه‌ی افرادی که به سن مشمولیت می‌رسند؛ بدون استثنا (جز بیماران و اشخاص ناتوان) آموزش نظامی ببینند و آمادگی لازم را بیابند.

🕌 ۳- خدمت نیروهای مسلح در دوران صلح به آبادانی کشور

۳- ارتش و سپاه و نیروهای مشمول، ضمن آن که آمادگیهای رزمی را حفظ می‌کنند، در شرایط صلح کامل، باید در خدمت آبادانی و بازسازی کشور باشند. بنابراین، خدمت وظیفه‌ی عمومی، خدمت واقعاً مقدسی است که در جنگ و صلح، در صف اول نیازهای ملت و کشور قرار دارند. همه‌ی خانواده‌ها و همه‌ی آحاد جوانان، باید اهمیت آن را درک کنند و با شوق و علاقه به آن بشتابند. معافیت از این خدمت - جز در مواردی که باید مشخصاً تعیین شود - کاری بر خلاف قاعده و ضد ارزش است.

🕌 ۴- آمادگی همیشگی برای دفاع و مجاهدت

۴- دفاع از اسلام، به دفاع از میهن اسلامی ختم نمی‌شود. ما در همه‌ی مرزهای اسلام با کفر، آماده‌ی



دفاع و مجاهدتیم. البته، میدان چنین جهادی، وسیعتر و میدانداران آن، رجال سیاسی و علمی و فرهنگی و هنریند که همواره باید آماده‌ی دفاع از اسلام باشند.

۵- غفلت نکردن نیروهای مسلح از حراست کشور در دوران صلح

۵- نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در شرایط فعلی که هنوز صلح کامل استقرار نیافته است، باید هوشیاری و آمادگی کامل خود را حفظ کرده، لحظه‌یی از آموزش و تمرین و -فوریتراز همه- حفظ و حراست از سنگرهای خطوط مقدم غفلت نورزند و فرماندهان ارتش و سپاه موظفند مراقبت و برنامه‌ریزی در این موارد را در صدر اولویتهای قرار دهند.

۶- حفظ آثار جنگ و یادگاری های دوران دفاع مقدس

۶- همان گونه که امام عزیز فرمودند، حفظ آثار جنگ در بعضی از شهرها و مناطق جنگی، در شمار وظایف مهم کنونی است. این کار و بازسازی یادگارهای دوران مقاومت پیروز و تشکیل موزه‌ی جنگ، باید در برنامه‌های دولت و سازمانهای نظامی قرار گیرد.

۷- رسیدگی به نیروهای مسلح، ایثارگران و خانواده شهدا

۷- از دست‌اندرکاران اجرایی کشور می‌خواهم که به وضع نیروهای مسلح رسیدگی، مشکلات این عزیزان را به شکل مناسب برطرف کنند. همچنین بازماندگان شهدا که برترین ایثارگراند، معزز باشند و همه‌ی مسؤولان، در هر چه بیشتر خدمت کردن به آنها بکوشند و در این کار، رضای خدا را طلب کنند. بار دیگر از همه‌ی مردم عزیز ایران تشکر می‌کنم و از آنها می‌خواهم که با حفظ وحدت و هوشیاری و قدردانی از زحمات آنان که عزت و سربلندی و افتخار و آزادی را به ایران اسلامی بخشیدند، مهمترین وظیفه‌ی این دوران را انجام دهند.

از خداوند متعال می‌خواهم که امام عزیز را با محبوب و مقتدایش پیامبر عظیم‌الشأن (صلوات‌الله‌علیه‌واله) و ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) محشور فرماید و شهدای ما را در زمره‌ی شهدای کربلا قرار دهد و به خانواده‌های آنان صبر و اجر و همه‌ی جانبازان را شفا و عافیت و همه‌ی آسیب‌دیدگان را جبران دنیوی و اخروی عنایت فرماید. اسرا و مفقودین را به خانواده‌های خود برگرداند و مهاجرین جنگ را سلامت به خانه‌های خود برساند و اعمال و گفتار ما را مورد رضای حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنافداه) و ما را مشمول دعای آن حضرت قرار دهد. «آته قریب مجیب».

موقعیت و جایگاه رزمندگان بعد از دفاع مقدس

دفاع از جامعه‌ی انقلابی، یک واجب ضروری و

همیشگی

جامعه‌ای که قادر به دفاع از خود نیست

علت موفقیت، مقاومت و ایستادگی ملت در

برابر دشمن

آمادگی و حضور بسیج با همان روحیه و شور و

قدرت دوران جنگ

سفارش مؤکد به برادران پاسدار

موقعیت و جایگاه رزمندگان بعد از دفاع مقدس *

باید به این سؤال پاسخ گفت که بعد از آن که جنگ تحمیلی، با گذشت قریب هشت سال به پایان رسید، نیروهای بسیجی و رزمندگان جوان و پرشور، چه موقعیت و جایگاهی در جامعه‌ی ما دارند؟ شاید این هم یکی از شگردهای دشمن باشد که وانمود کند بعد از پایان جنگ، رزمندگان - چه آنهایی که در میدان جنگ امتحان دادند و توفیق یافتند که مجاهدت و فداکاری کنند و چه جوانان پرشوری که قدرت و روح دفاع را در خود می‌یابند، ولی از این که در میدانهای جنگ حضور زیادی داشته باشند، ناامیدند - نسبت به نقش دفاع از انقلاب، دلسرد و نومید شده‌اند.

دفاع از جامعه‌ی انقلابی، یک واجب ضروری و همیشگی

ما می‌گوییم که دفاع از جامعه‌ی انقلابی، همیشه یک واجب‌اهم و ضروری است؛ چون تهدید علیه جامعه‌ی انقلابی، موضوعی تقریباً دایمی است. نمی‌گوییم جنگ دایمی است. تهدید وجود دارد؛ اما بسته به این است که ملت ما چگونه در مقابل تهدید، خود را نشان بدهد و آمادگی خود را در چه حدی حفظ کند. اگر ملت انقلابی، همیشه آمادگی خود را حفظ کرد، یعنی جوانها عضویت در بسیج و کار در میدان تمرین و آموزش را همیشه برای خودشان نگه داشتند و اگر مردم، روحیه‌ی دفاع را برای خودشان حفظ کردند و اگر چهره و قیافه‌ی جامعه‌ی طوری بود که هر کس به آن نگاه کرد، احساس کند ملت آماده و مستعد دفاع از کشور است، در این صورت تهدیدها عملی نخواهد شد و نیت دشمن به تحقق نخواهد پیوست.

جامعه‌ای که قادر به دفاع از خود نیست

از رفتار یک جامعه می‌شود فهمید که آیا این جامعه، قادر به دفاع از هویت و حیثیت خود هست یا نه. جامعه‌یی که مردم آن به مسایل شخصی بیشتر اهمیت بدهند تا مسایل کشور و مسایل جمعی، جامعه‌یی که در آن جوانان رو به فساد روند، جامعه‌یی که افراد مؤثر آن نسبت به مصالح انقلاب و کشور بی تفاوت و بی‌اعتنا شوند، جامعه‌یی که در آن اختلاف‌های سیاسی و مذهبی و گروهی و صنفی و قومی اوج بگیرد و رشد کند، جامعه‌یی که زن و مرد آن به عشرت و زندگی مرفه و توأم با فساد گرایش پیدا کنند، بدانید که این جامعه قادر به دفاع از خود نیست. چنین جامعه‌یی از مصالح و شرف و حیثیت خود نمی‌تواند دفاع کند.

این که شما مشاهده کردید و افراد مسن خودشان دیدند و افراد جوان خبرش را شنیدند که در صد و پنجاه سال اخیر، استعمار روی فرهنگ کشور و جوانان و آموزش و پرورش ما اعمال نفوذ کرد و مردم را به بیکارگی و فساد و تباهی و اختلاف سوق داد، بدین علت بود که می‌خواستند ملت ما از منافع و شخصیت و مصلحت و آینده‌ی خود نتواند دفاع کند. اگر دشمن به این نتیجه رسید که جامعه دیگر نمی‌تواند از خودش دفاع کند، بدانید که تهدید جدی است و نیت دشمن عملی خواهد شد و ضربه‌اش را وارد خواهد کرد.

علت موفقیت، مقاومت و ایستادگی ملت در برابر دشمن

علت این که ما ملت ایران، در ده سال بعد از انقلاب توانستیم در مقابل تهاجم گوناگون دشمن - با همه‌ی مشکلات آن - بایستیم و مقاومت کنیم و ضرر بیشتری متوجه آنان نکنیم، این است که به برکت دین و ایمان و انقلاب و اسلام و آموزش قرآنی و اسلامی شخصیت عظیم‌الشان‌ی که بیان و سخن و کلامش، مفاد و مضمون قرآن و اسلام بود، در میان مردم ما روحیه‌ی انقلابی و پارسایی انقلابی و وحدت کلمه‌ی بیشتر حکم فرما بود.

دشمنان ما - عراق و امریکا و شرق و غرب - از اتحاد خود و حمله و فشار به نظام جمهوری اسلامی، طرفی نیستند. علت موفقیت ما این بود که شما جوانان در صحنه بودید، ملت آماده بود و روحیه‌ی انقلابی بر جریانهای غیرانقلابی و ضد انقلابی غلبه داشت. تا وقتی این گونه باشد، تهدیدهای دشمن عملی نخواهد شد. تهدید و سوء نیت دشمن و خطر وجود دارد؛ اما تا شما در صحنه هستید، این خطر تحقق پیدا نخواهد کرد.

آمادگی و حضور بسیج با همان روحیه و شور و قدرت دوران جنگ

نقش جوانان بسیجی و بسیج، در این آمادگی عمومی کاملاً روشن است. من در جواب آن سؤال آغازین که جایگاه بسیج در کشور ما بعد از دوران جنگ کجاست؟ می‌گویم که بسیج باید با همان

روحیه و شور و قدرتِ دوران جنگ باقی بماند و جوانان آموزش ببینند و سازماندهی شوند و آمادگی و حضور پیدا کنند.

بسیج، یکی از نیروهای مسلح نیست. بسیج، متن ملتی است که در مراکز نظامی و صنعتی و اجتماعی و دینی و آموزشی حضور دارد. این طور نیست که ما ارتش و سپاه داریم و یک نیروی مسلح دیگر هم به نام بسیج داریم. خیر، بسیج متن ملتی است که در سایه‌ی آموزش، سلاح به دست گرفته و در وقت نیاز کشور، همراه نیروهای مسلح، بیشترین و سنگینترین بار را به دوش می‌گیرد؛ چنان که در جنگ دیده شد. البته، سازماندهی و نظم و ترتیب و ادب و برخورد اسلامی، اساس قضیه است.

🏠 سفارش مؤکد به برادران پاسدار

من، به برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سفارش مؤکد کرده‌ام که مسأله‌ی بسیج را جدی بگیرند. اداره و ترتیب بسیج، در حدود نیمی از مأموریت و مسؤولیت سپاه پاسداران است. در کنار این موضوع، باید بگویم که رفتار و ادب و نظم و انضباط افراد بسیج باید از دیگران به رفتار اسلامی نزدیکتر باشد و روحیه‌ی آمادگی بسیجی در تمام دستگاهها و سازمانهای کشور، باید ان شاء الله حکم فرما شود.

تفسیر آیات الهی در دفاع مقدس

- ❖ ۱- ولینصرنَّ الله من ینصره
- ❖ ۲- ان الله مع الصّابرين
- ❖ ۳- و من جاهد فانما یجاهد لنفسه
- ❖ محقق شدن تحلیل‌های درست بر اساس قرآن
- ❖ پشتیبانی از عراق به دلیل دشمنی با ایران
- ❖ عذرخواهی دولت‌ها از جمهوری اسلامی بعد از جنگ
- ❖ تفاوت ما و دشمن در نگهداری از اسرا
- ❖ هفته دفاع مقدس، عبارةً اخراى یک جشن پیروزی برای ملت
- ❖ تحقق وعده الهی به مادر موسی
- ❖ کمال پیروزی برای ملتی انقلابی
- ❖ نشانه‌های پیروزی و قدرت ملت ایران
- ❖ بعضی مصادیق نصرت خدا در نظام اسلامی
- ❖ تحمل موشکباران چند ساله
- ❖ تحقق وعده اول الهی
- ❖ و...

تفسیر آیات الهی در دفاع مقدس *

بعضی از آیات کریمه‌ی الهی، گویی در طول قرنهای متمادی، یا به معنای واقعی تفسیر نشده بود و یا به وسیله‌ی ما و نسلهای معمولی بشر فهمیده نشده بود. این آیات، در دوران انقلاب ما و در طول این ده، یازده سال پُر حادثه و پُر ماجرا معنا شد. حق هم همین است. حوادث و شرایط خاص است که می‌تواند حقایق الهی را که در قالب الفاظ است، درست معنا کند. مثلاً آیات نازل شده در جنگ اُحد را نمی‌شود در یک زندگی عافیت‌آلود و عافیت‌آمیز، درست فهمید. آیات نازل شده در غربت نبی اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) و اصحاب آن بزرگوار در شعب ابی طالب یا در راه مکه را نمی‌شود در شرایط معمولی زندگی، در خانه و در بازار و در محیط مأنوس خانوادگی، درست درک کرد؛ چیز دیگری لازم است. شرایط خاصی لازم است که بسیاری از آیات معنا بشود و اگر بخواهیم درست نظر بدهیم، باید بگوییم که مجموعه‌ی آیات الهی، با تفاسیر ائمه‌ی معصومین (علیهم الصلوة والسلام) که در ظرف انقلاب و دوران بعثت و هجرت و جهاد و شهادت - دوران برانگیختگی و زحمت و تلاش - نازل شده بود، بهتر از همیشه‌ی تاریخ فهمیده می‌شود، یا قابل فهمیده شدن است.

❏ ۱- ولینصرن الله من ینصره

یکی از آیات الهی این است که اگر برای خدا کار کنید، خدا به شما کمک خواهد کرد: «ولینصرن الله من ینصره»^۱.

۲- ان الله مع الصّابرين

یکی از آیات الهی این است که اگر صبر و استقامت کنید، خدا را با خود خواهید یافت: «ان الله مع الصّابرين»^۲. نمی شود این آیات را همین طور خواند و رد شد. هر کلمه‌یی از کلمات این آیات، یک تجربه‌ی زندگی و یک درس حکمت است. همین طوری نیست که بخوانیم و عبور کنیم و فکر کنیم که فهمیده ایم.

۳- و من جاهد فانما يجاهد لنفسه

در قرآن کریم هست که هر کس در راه خدا تلاش کند، هر کس برای خدا مجاهدت کند، در حقیقت برای خود تلاش و مجاهدت کرده است: «و من جاهد فانما يجاهد لنفسه»^۳. اینها آیات الهی است. ما همه‌ی اینها را قبول داشتیم؛ اما قبول داشتن، یک مسأله است؛ لمس کردن، یک مسأله‌ی دیگر است. ما حالا این آیات را لمس می‌کنیم. در طول دوران نهضت و انقلاب، بعد از پیروزی انقلاب، در هشت سال جنگ، در این دو سال بعد از جنگ، مجموعاً در این یازده، دوازده سال بعد از بیست و دوم بهمن ۵۷ تا امروز، اینها را یکی یکی تجربه و لمس می‌کنیم و قدم به قدم درک می‌نماییم؛ یعنی ملت ما اینها را درک می‌کند.

محقق شدن تحلیل‌های درست بر اساس قرآن

تا این جا هر چه وعده‌ی الهی بود، درست بود و عمل شد. هر چه تحلیل بر اساس آیات محکمت قرآن بود، درست از آب درآمد و محقق شد. تا این جا ما بوضوح و عیان دیدیم که یک ملت مؤمن و با خدا، وقتی همه‌ی دنیا هم در مقابل او قرار بگیرند، اگر بایستد و صبر کند، شکست نخواهد خورد؛ این را تجربه کردیم. همیشه می‌گفتیم، قبل از انقلاب و اوایل انقلاب می‌گفتیم، در طول این ده سال بارها و بارها می‌گفتیم؛ اما حوادث، این گفته را برای ما عینی و ملموس کرد.

پشتیبانی از عراق به دلیل دشمنی با ایران

در برهه‌ی طولانی‌یی از زمان، دو ابر قدرت و همپیمانها و دنباله‌روهایشان - کسانی که منافعشان با آنها یکی است، کسانی که با آنها بدند، اما از آنها می‌ترسند - یعنی تقریباً همه‌ی دنیا در مقابل ما ایستادند و آن دشمن حقیر را تقویت و پشتیبانی کردند. امروز، خود آنها اعتراف می‌کنند که اگر ما از عراق پشتیبانی کردیم، به خاطر دشمنی با ایران بود.

برادران ما در دولت سفارش کردند، در این زمینه کلیه‌ی اعترافات را که مقامات رسمی و خبرگزاریها و گویندگان و سخنگویان در دنیا دارند و بر زبان جاری می‌کنند، جمع کنند. اگر چنین شود، یک کتاب قطور می‌شود. شاید هم تا حالا شده باشد. همه می‌گویند ما رژیم عراق را قبول نداشتیم، جنایاتشان را هم می‌دیدیم، خلافتکاریه‌ی ایشان را هم می‌دانستیم؛ اما برای خاطر جمهوری اسلامی ایران، برای خاطر

این که اسلام قد علم نکند، به آن رژیم کمک کردیم! در آن روز، همه‌ی دنیا در مقابل جمهوری اسلامی ایستادند.

عذر خواهی دولتها از جمهوری اسلامی بعد از جنگ

امروز شما به دنیا نگاه کنید. امروز به اطراف خودتان، به افکار عمومی عالم، به مطبوعات جهان، به دولتهایی که در صف ایستاده‌اند، تا با جمهوری اسلامی رابطه‌ی دوستانه برقرار کنند، به آن کسانی که با صد زبان از گذشته عذر خواهی می‌کنند، نگاه کنید، ببینید جمهوری اسلامی در چه وضعیتی است؛ «ولینصرن الله من ينصره»^۴. خدای متعال، حتماً و محققاً کسانی که او را یاری کردند، یاری می‌کند و نصرت می‌دهد.

تفاوت ما و دشمن در نگهداری از اسرا

بعضی از شما ده سال، بعضی از شما هشت سال، بعضی از شما هفت سال، بعضی از شما پنج سال و بعضی از شما دو سال زجر کشیدید. یک روز اسارت هم بسیار است. یک ساعت اسارت در دست دشمن غدار جبار بی‌دین دست‌شسته‌ی از انسانیت هم سخت است. این هم یکی از نمایشهای اسلام بود. ما هم اسیران را نگهداشتیم، ما هم در میان اسرا محکوم داشتیم که محاکمه‌شان کردیم و مثلاً به زندان محکوم شدند. امروز اسرایی که از ایران می‌روند، چه بخواهند و چه نخواهند، چه رؤسایشان اجازه بدهند و چه اجازه ندهند، تصویری که از اسلام و رأفت و اخلاق اسلامی در ذهن آنهاست، تصویری است که ما می‌خواهیم؛ نه آن که دشمن خواسته است.

اسرایی که تا گلوله‌ی آخرشان را مصرف کرده بودند، بعد دستشان را بالا کرده بودند، از ساعت اول، این بچه‌های جوان مادر جبهه، آب قمقمه‌ی خودشان را به آنها دادند. بعد که به این جا آمدند و داخل سربازخانه‌ها و اردوگاهها مستقر شدند، غذا و بازی و تفریح و کار یاد گرفتن و عزاداری و جلساتشان برقرار بود و کارهای فراوانی می‌کردند که شماها غالباً خبر ندارید. اگر یک وقت تلویزیون را - که مکرر این فیلمها را در این جا پخش کرده است - ببینید و دو وضعیت را با هم مقایسه کنید، خیلی تعجب خواهید کرد. آنها هم اگر وضعیت شما را بدانند، حقایقی را خواهند فهمید.

اسلام به ما راست گفت. اسلام به وعده‌هایی که به ما داده بود، عمل کرد. شما با عزت و سربلندی برگشتید. میان شماها افرادی هستند که کسان و دوستان آنها، باور نمی‌کردند که دیگر چشمشان به دیدار عزیزانشان روشن بشود؛ ولی خدا خواست و شد. البته ملت ما، ملتی عجیبند. دیدید که چه استقبال‌هایی از شما کردند. مخصوصاً در روزهای اول دیدید که این ملت، یکپارچه چه شور و شوقی شد. این لحظات استقبال مردم، لحظاتی فراموش نشدنی است. مردم اصلاً در دنیای دیگری بودند. ماها با این که در جریان بودیم و قضایا را می‌دانستیم و از پیش انتظار داشتیم، در آن روزهایی که شماها شروع به

آمدن کردید، حال ما قابل توصیف نبود و نیست. و عده‌ی الهی را در مقابلمان می‌دیدیم که تحقق پیدا می‌کند. بحمدالله با سربلندی و عزت برگشتید، خانواده‌ها خوشحال شدند و ملت جشن گرفت.

🌟 هفته دفاع مقدس، عبارةً اخرای یک جشن پیروزی برای ملت

در سالگرد جنگ تحمیلی، هر سال ما هفته‌یی به عنوان هفته‌ی دفاع مقدس داشتیم و امسال هم خواهیم داشت. این هفته، تقریباً عبارةً اخرای یک جشن پیروزی برای ملت ما خواهد بود. این هفته را امسال هم می‌گیریم، تا ملت ما ضمن این که یاد مفقودان عزیز و شهدای گرانقدرمان و همزمان شماها را - که شهید شدند و خون و جانشان را در راه خدا دادند و در حقیقت پیروزیها را تضمین کردند - گرامی و بزرگ می‌دارد و برای آنها عزاداری می‌کند، در ایام دیگر هفته‌ی دفاع مقدس، ان شاءالله جشن پیروزی خواهد گرفت. این، وعده الهی بود که تحقق پیدا کرد؛ اما این جا نیمه‌ی راه است. حرف اصلی من این است.

🌟 تحقق وعده الهی به مادر موسی

عزیزان من! آن روزی که خدای متعال، موسی را که بچه‌ی یکروزه یا چندساعته‌یی بود و مادرش او را به آب انداخته بود و به خدا سپرده بود، به او برگرداند، به وعده‌ی خود عمل کرد: «آنا راڈوه الیک». خدای متعال در این جا، دو وعده به مادر موسی کرد: یک وعده این بود که «آنا راڈوه الیک»؛ ما او را به تو برمی‌گردانیم. مادر هم دلش به همین وعده‌ی اول بیشتر بند بود؛ بچهاش است دیگر. بچه‌ی چندساعته را داخل جعبه گذاشته و به آب داده و خدا هم گفته که او را بر می‌گردانیم. وعده‌ی دومی هم بود که برای مادر موسی، خیلی باور کردنی نبود و آن، این بود: «و جاعلوه من المرسلین»؛ نه فقط ما او را برمی‌گردانیم، که پیامبر مرسل خودمان هم خواهیم کرد. اولی برای مادر موسی قابل فهم بود؛ یکی داخل آب می‌رود و موسی را می‌گیرد و به مادرش برمی‌گرداند - اگرچه خیلی دشوار بود - اما همین بچه را «جاعلوه من المرسلین»؟! آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «فرددناه الی امه»؛ او را به مادرش برگردانیم، «کی تقرّ عینها»: تا چشمش روشن شود، «و لتعلم ان وعدالله حق»؟ تا بداند که وعده‌ی خدا درست است؛ یعنی آن وعده‌ی دوم هم عملی خواهد شد. دیدی وعده‌ی اول چه‌طور زود عملی شد؟ دیدی بچه‌یی که در راه خدا داده بودی، چه‌طور زود به تو برگشت؟ آن وعده هم به همین شیرینی تحقق پیدا خواهد کرد.

🌟 کمال پیروزی برای ملتی انقلابی

عزیزان من، آزادگان، رزمندگان، خانواده‌ها، هجران کشیده‌ها، دل‌دادگان به اسلام و انقلاب و حاکمیت جهانی اسلام و همه‌ی ملت! یازده سال گذشت. یعنی در مقیاس تاریخ، یک چشم برهم زدن است؛ بیشتر که نیست. شما اگر تاریخ را نگاه کنید و بخوانید، می‌بینید که ده سال و یازده سال و پانزده سال و بیست سال، در طول تاریخ هیچ است؛ یک چشم به هم زدن است. در یک چشم برهم زدن، وعده‌ی اول الهی

تحقق پیدا کرد. آن، چه بود؟ آن، این بود که ما شما را نصرت خواهیم داد و پیروز خواهیم کرد. پیروز شدیم دیگر. پیروزی از این بهتر؟ هیچ پیروزی‌یی برای ملتی که انقلابی است و مثل ماست، به این بزرگی و به این کمال و به این شیرینی نیست.

همه‌ی دنیا در مقابل شما آمدند، تا شما را از مرزهایتان یک قدم عقب بنشانند. میلیاردها صرف کردند، مجهزترین وسایل جنگی را آوردند، قدرتمندترین قدرتها با هم همدست شدند، از شرق و غرب کمک گرفتند، وسایل تبلیغاتی را با قوت هر چه تمامتر وارد کردند، هشت سال هم جنگیدند، بعدش دو سال هم چک و چانه زدند، آخرش نشد.

🔷 نشانه‌های پیروزی و قدرت ملت ایران

کدام کشور و ملتی، برای قدرت و پیروزی خود، نشانه‌یی بالاتر از این می‌تواند داشته باشد؟ جنگهای دنیا، دوروزه و پنج‌روزه و ده‌روزه است. جنگ بین‌الملل، چهارساله و پنجساله است. تازه، تمام نقشه‌ی جغرافیای عالم، در جنگهای بین‌الملل تغییر و تبدیل پیدا می‌کند. در آن قسمت خلیج فارس، چند ساعت زدو خورد شد، نقشه‌ی جغرافیای دنیا الان تغییر پیدا کرده و همه‌ی دنیا به خلیج فارس لشکر کشیده‌اند. اینها را با هشت سال جنگ همه‌جانبه با کشور ما مقایسه کنید. بعد از آن که همه‌ی زورهایشان را زدند، تازه ملت ایران از آنها با نشاطتر، شادابتر، کشور دست‌نخورده‌تر است و نیروهای نظامی منظمتری دارد.

شما حالا به ارتش و سپاه می‌روید و می‌بینید که ارتش و سپاه امروز، با ارتش و سپاه ده سال قبل که شماها رفتید، قابل مقایسه نیست. ارتش امروز، یک ارتش منظم، محکم، منضبط و با تجهیزات عالی است. سپاه امروز، یک سازمان بی‌نظیر و یک نیروی انقلابی زنده است. ملت را هم که می‌بینید چگونه ملتی است. پیروزی، یعنی این.

🔷 بعضی مصادیق نصرت خدا در نظام اسلامی

آن دشمنی هم که وجه‌المصالحه‌ی خُرده‌حسابهای قدرتها با ما شده بود، حالا می‌بینید در چه روز و چه وضعی است. دنیا هم نسبت به همه‌ی ما، با کمال احترام و تعظیم و تجلیل برخورد می‌کند. این، وعده‌ی اول بود؛ «ولینصرن الله من ینصره»^۷: هر که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت می‌کند. شماها نصرت کردید دیگر. در میدان جنگ، خدا را نصرت کردید. در سلول، با صبرتان نصرت کردید. در اردوگاه، با ایستادگیتان نصرت کردید. در مراجعت، با روحیه‌ی خوبتان نصرت کردید. ملتتان هم، با آن صبر فوق‌العاده و حضور در همه‌ی میدانهای خطر، نصرت کردند.

🔷 تحمل موشکباران چند ساله

شماها خبر ندارید که در این دهساله، چه گذشته است. حالا به مرور ان شاء الله به شما گفته خواهد شد.



همین شهر تهران، بارها مورد تهاجم موشکهای دوربرد قرار گرفت که یکبار آن دو ماه طول کشید. دو ماه، شب و روز، نصف شب، صبح، به تهران موشک خورد. در هر شبانه‌روزی، ده، پانزده موشک به شهر تهران می‌خورد و مردم هم زندگی می‌کردند. یک روز زیر همین موشکها، مردم ما روز قدس را گرامی داشتند. اجتماع عظیمی در تهران و همه‌ی شهرهای کشور شد که باید بگوییم مخصوص شماها، فیلمهای آن روزها را بگذارند، تا شما ببینید که در این کشور، چه گذشته است. شهرهایی مثل دزفول و دیگر شهرهای خوزستان و بسیاری از شهرها - شاید پنجاه، شصت شهر - در طول چند سال، به طور دایم زیر موشکباران دشمن بود. مگر تحمل چهار، پنج سال شوخی بود؟

تحقق وعده اول الهی

در عین حال، امام بزرگوار این ملت - آن نسخه‌ی انبیا (نمی‌گوییم نسخه‌ی کامل؛ امام شاگرد آنها بود و خودش می‌گفت من خاک پای اولیا و انبیا هستم. اگر آدم بخواهد قدری چهره و روش و اخلاق و نفوذ کلمه‌ی پیامبران را بفهمد، باید به زندگی امام نگاه می‌کرد) - یک اشاره می‌کرد، این ملت «من کَلَّ فحج عمیق»^۸ بیرون می‌ریختند و سپاهها و جمعیتها تشکیل می‌دادند. ارتشی یک‌طور، سپاهی یک‌طور، بسیجی یک‌طور، نیروهای انتظامی یک‌طور، کسانی که تفنگ به دست نگرفته بودند، طور دیگر بیرون می‌ریختند و به جبهه‌ها می‌رفتند. اینها، نصرت الهی است؛ «ولینصرن الله من ينصره»^۹. خدا این وعده‌ی اول الهی را به خاطر نصرت تحقق بخشید؛ اما وعده‌ی دوم هنوز باقی است.

وعده دوم الهی، اهتزاز پرچم استقلال ملتها در مقابل قدرتهای زورگوی عالم

وعده‌ی دوم این است: «ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر ان الارض يرثها عبادی الصالحون»^{۱۰}. در یک آیه‌ی دیگر: «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده»^{۱۱}. در یک آیه‌ی دیگر: «لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون»^{۱۲}. یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هر کس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملتها در مقابل قدرتهای زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه‌ی مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید.

ملتها امید بسته‌اند و بیدار شده‌اند. مسلمانان، امروز به اسلام خودشان افتخار می‌کنند و احساس عزت می‌نمایند. امروز ترس قدرتمندان و زورگویان عالم، فقط از اسلام و قرآن و مسلمانان واقعی است. امروز واهمه‌ی مرتجعان و پیروان و علمداران اسلام امریکایی، از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. همه فهمیدند و دانستند که اسلام از جا برخاسته و حرکت را آغاز کرده و بازوان خود را باز کرده است و به مسلمانان امید و به مستضعفان نوید می‌دهد؛ و این هم خواهد شد. اگر مشکلاتی بر اثر نفوذ ابرقدرتهاست، برطرف می‌شود.



🏠 شرط تحقق وعده دوم الهی

جامعه‌ی ما که ام‌القرای اسلامی و مرکز توجهات جهانی اسلام است، ان شاء الله طبق وعده‌ی الهی، با همان شکلی که اسلام خواسته، به صورت کامل - که ما از آن صورت کامل هنوز خیلی فاصله داریم - ساخته خواهد شد و به آن جا خواهیم رسید. اینها، وعده‌ی الهی است. وقتی این وعده‌ی اول تحقق پیدا کرد، شما باید دل‌هایتان را محکم و یقین‌هایتان را کامل کنید که وعده‌های بعدی و بزرگتر هم - که مضمون آیات کریمه‌ی قرآن است - تحقق پیدا خواهد کرد. راهش این است که ما مجاهدت را از دست ندهیم. همه‌ی جهاد، به جبهه رفتن نیست. هر جا هستید، می‌توانید مجاهد فی سبیل الله باشید.

🏠 ماندن در صفوف مقدم بعد از جنگ

شما با ذخیره‌ی گرانبهایی برگشته‌اید و تجربه‌ها و آگاهیها و تواناییهایی کسب کرده‌اید. این تجربه‌ها باید در خدمت سازندگی کشور به کار گرفته بشود. شما ارتشیها در ارتش، شما سپاهیها در سپاه، شما بسیجیها در همه جای کشور هستید، که باید از این تجربه‌ها و آگاهیها استفاده بشود. خودتان را به عنوان کسانی بدانید که خدای متعال بر شما منت گذاشت، شما را زنده نگهداشت، شما را با انواع و اقسام تجربه‌ها و روحیاتی که ناشی از دوران اسارت است و صبر و استقامت و حلمی که نتیجه‌ی آن دوران و آن روزهاست، به دامن و آغوش ملتتان برگردانده است. باید تلاش کنید، کار کنید و در صفوف مقدم باشید.

🏠 رمز پیروزی‌ها، وحدت کلمه

اگر ما وحدت کلمه نداشتیم، هیچیک از این پیروزیها را به دست نمی‌آوردیم. امام بزرگوار راحل ما، بیشترین توصیه‌ی دوران ده، یازده سال زندگی مبارک خودش را درباره‌ی وحدت کلمه‌ی بین قشرهای امت کرد. ما امروز این وحدت کلمه را داریم؛ باید آن را حفظ کنیم. مبدا گروه‌گراییها، جناح‌گراییها، سازمان‌گراییها، خطرگراییها، حب به نفسها، افرادی را به این طرف یا آن طرف بکشاند. البته آن بدنه‌ی ملت و آن بخش اصلی امت بزرگوار ما، محکم، با صلابت، یکپارچه و دست‌نخورده بوده و هست. ممکن است در گوشه و کنار، آدم بداخلاق و بی‌توجهی، چیزی بگوید و حرفی بزند؛ باید آن را در امواج خروشان احساسات و امید ملت گم کرد. نباید بگذارید اختلاف، دودستگی و چنددستگی، این یکپارچگی را از بین ببرد. به خدا توکل کنید. هر چه دارید و داریم، از خداست. هر چه می‌گوییم، متعلق به خدا و ان شاء الله برای خداست. این راه باید راه خدا باشد و خدا در ذهنها و نظرهای ما دایماً باشد و او هم به ما ان شاء الله کمک خواهد کرد.

دفاع مقدس عرصه بروز
روحیه اسلامی، انقلابی و خصلتهای مسلمانی

- صفا و درخشندگی در کارهای با اخلاص
- برکت و تأثیر حادثه عاشورا در تاریخ
- خودجوش بودن حادثه‌ی پانزده خرداد
- هنر استخراج گنج حادثه عاشورا
- استخراج کلمات و فرمایشهای امام حسین (ع)
- نقش برجسته هنرمند مسلمان در نمایش
- شکوه دفاع مقدس
- یکی از معجزات انقلاب، پرورش هنرمندان و
- روایتگران تاریخ انقلاب

دفاع مقدس عرصه بروز روحیه اسلامی، انقلابی و خصلتهای مسلمانی *

اعتقاد این است که اگر چه جنگ به خودی خود موضوعیتی ندارد، اما عرصه‌ی بسیار مهمی برای بروز روحیه‌ی اسلامی و انقلابی و خصلتهای مسلمانی درست است؛ از این جهت بسیار ارزشمند است. از بودن آن چنان زمان و محیطی بایستی شکرگزار بود؛ از نبودنش باید آدم واقعاً متأسف باشد و غصه بخورد. اگر چه کسی از جنگ - از حیث جنگ - خوشش نمی‌آید، اما این روی دیگر سکه، چیز بسیار عظیمی برای ماست. ما حالا که دیگر جنگ نداریم و نمی‌خواهیم هم به دست خودمان یک جنگ درست کنیم که عرصه‌ی انقلاب بشود، لیکن آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه کند. ما باید از آنچه که در این هشت سال جنگ اتفاق افتاده، آن روحیه‌ی مقاومت، آن روحیه‌ی فداکاری همراه با اخلاص - همانی که حقیقتاً در عرصه‌های جنگ ما وجود داشت - استفاده کنیم.

صفا و درخشندگی در کارهای با اخلاص

آن جایی که نوشته‌های شما حاکی از اخلاص است، آن نقطه انسان را تکان می‌دهد. هر چیزی شما ارایه کنید که نشانگر اخلاص باشد، خیلی اهمیت دارد؛ و آلا همه فداکاری می‌کنند؛ برای تعصب و خودنمایی هم فداکاری می‌کنند؛ خطر مرگ هم دارد. مثلاً خلبانی در یک مانور، جلوی چشم مردم چند معلق می‌زند و صدی پنجاه هم ممکن است سقوط کند؛ اما او این را برای خودنمایی قبول می‌کند. به خاطر خودنمایی، بیش از این را هم می‌کنند؛ مثلاً بعضی خودشان را

آتش می‌زنند! اینها ارزشی ندارد. آن جایی که کار با اخلاص همراه است، یعنی انسان فقط برای خاطر خدا و برای انجام وظیفه‌ی الهی کاری را انجام می‌دهد، آن صفا و درخشندگی این را دارد. در نشان دادن این نقطه‌ها و جاری کردن این روحیه در طول و امتداد تاریخ ما، باید خیلی تلاش کرد؛ از آن هشت سال جنگ باید استفاده کرد.

🕌 برکت و تأثیر حادثه عاشورا در تاریخ

از اول تا آخر حادثه‌ی عاشورا، به یک معنا نصف روز بوده؛ به یک معنا دو شبانه روز بوده؛ به یک معنا هم هفت، هشت روز بوده؛ بیشتر از این که نبوده است. از روزی که امام حسین وارد سرزمین کربلا شد، تا روزی که از خاندان خود جدا گردید، مگر چند روز بوده است؟ از روز دوم تا یازدهم محرم، هشت، نه روز بوده؛ خود آن حادثه هم که نصف روز است. شما ببینید این نصف روز حادثه، چه قدر در تاریخ ما برکت کرده و تا امروز هم زنده و الهامبخش است. این حادثه فقط این نیست که آن را بخوانند و بگویند و مردم خوششان بیاید یا متأثر عاطفی بشوند؛ نخیر، منشأ برکات و حرکت است. این، در انقلاب و جنگ و گذشته‌ی تاریخ ما محسوس بوده است. در تاریخ تشیع، بلکه در تاریخ انقلابهای ضد ظلم در اسلام - ولو از طرف غیر شیعیان - حادثه‌ی کربلا به صورت درخشان و نمایان اثربخش بوده؛ شاید در غیر محیط اسلامی هم اثربخش بوده است. در تاریخ خود ما - یعنی در این هزار و سیصد، چهارصد سال - همان نصف روز حادثه اثر کرده است. پس، عجیب و بعید نیست. ما اگر نخواهیم هشت سال جنگ خودمان را با آن هشت، نه ساعت عاشورای امام حسین مقایسه کنیم، یا آن را خیلی درخشانتر بدانیم - که واقعاً هم همین است؛ یعنی من هیچ حادثه‌ی دیگری را در تاریخ نمی‌شناسم که با فداکاری آن نصف روز قابل مقایسه باشد؛ همه چیز کوچکتر از آن است - لیکن بالاخره طرحی از آن، یا نمی‌از آن یم است. چرا ما فکر نکنیم که در داخل جامعه‌ی ما، برای سالهای متمادی می‌تواند منشأ اثر باشد؟

🕌 خودجوش بودن حادثه‌ی پانزده خرداد

همیشه این نکته در ذهنم بوده که حادثه‌ی دوم فروردین - حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه - در مقابل حادثه‌ی پانزده خرداد، حادثه‌ی کوچکی بود؛ اصلاً قابل مقایسه با آن نبود. حادثه‌ی یک ساعت یا دو ساعت به غروب شروع شد، تا یک ساعت بعد از شب ادامه داشت؛ یعنی سه، چهار ساعت به صورت شدید طلبه‌ها را در محیط مدرسه‌ی فیضیه کتک زدند و تهدید و اهانت کردند، و به صورت رقیق‌ترش تقریباً در خیابانهای اصلی قم آنها را زیر فشار قرار دادند. تا آن جایی هم که ما اطلاع داشتیم، گمانم یکی، دو نفر در آن حادثه کشته شدند و البته عده‌ی زیادتری هم مجروح گردیدند. بنابراین، حادثه ابعاد خیلی زیادی نداشت. امام توانست آن حادثه را برای به حرکت درآوردن همه‌ی

ملت ایران مورد استفاده قرار دهد. پانزده خرداد را که امام به وجود نیاورد - در این روز امام در زندان بود - پانزده خرداد یک حادثه‌ی خودجوش بود. پانزده خرداد، محصول حرکتی بود که امام در دوم فروردین به وجود آورد. من در همان سال، این نکته را به امام عرض کردم. نزدیک عید سال ۴۳ بود که من از زندان آزاد شده بودم و توانستم با تدبیری خدمت امام - که آن وقت در خانه‌ی در قیطریه بودند - بروم. من در همان چند لحظه‌ی که توانستم خدمت ایشان بروم و دستشان را بوسم و با آن حال منقلبی که از دیدنشان داشتم، چند کلمه با ایشان حرف بزنم، همین مطلب را عرض کردم. گفتم نبودن شما در بیرون، موجب شد که پانزده خرداد با این عظمت، نتواند مورد استفاده قرار بگیرد. یعنی امثال ماها که در بیرون بودند، نتوانستند عسری از اعشار استفاده‌ی بی که امام از دوم فروردین کرد، از پانزده خرداد بکنند؛ در حالی که پانزده خرداد کانون عظیمی بود. بعد هم که امام بیرون آمدند و تبعید شدند، اشاره‌ها و حرفهای ایشان در هشیار کردن و زنده کردن روحیه‌ی مبارزه در مردم و به خط آوردن جوانان، پانزده خرداد را آن چنان منشأ برکت کرد که در آن مدت مثلاً یک سال یا هشت، نه ماهی که امام نبودند و این حادثه با آن جوش و خروش اتفاق افتاده بود، هیچ کس نتوانسته بود از آن حادثه چنین استفاده‌ی بکند.

هنر استخراج گنج حادثه عاشورا

می‌خواهم بگویم که این یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم، یا نه؟ این هنر ماست که بتوانیم استخراج کنیم. امام سجاد توانست همان چند ساعت گنج عاشورا را استخراج کند. امام باقر و ائمه‌ی بعد از ایشان هم استخراج کردند و آن چنان این چشمه‌ی جوشان را جاری نمودند که هنوز هم جاری است و همیشه هم در زندگی مردم منشأ خیر بوده، همیشه بیدار کرده، همیشه درس داده و یاد داده که چه کار باید کرد؛ الان هم همین طور است. الان هم هر کدام از ما، هر جمله‌ی از عبارات امام حسین را که برایمان مانده، می‌خوانیم، به یاد می‌آوریم و احساس می‌کنیم که روح تازه‌ی می‌گیریم و حرف تازه‌ی می‌فهمیم.

البته در این جاها معنای حرف تازه فهمیدن، مثل فرمول کشف‌نشده‌ی نیست که آن را کشف می‌کنیم؛ نه، صد بار هم شنیده‌ایم. آدم در لحظه‌ی از لحظات حقیقتی را درک می‌کند، بعد غفلتی می‌آید و همانی که درک کرده است، از ذهنش می‌رود؛ طبیعت انسان این طوری است. لذا این فکر مستمری که ما احتیاج داریم بکنیم، این تذکر مستمری که ما احتیاج داریم بشنویم، برای این است که آن لحظه‌های فهم و معرفت و افروختگی ذهن و روح استمرار پیدا کند و انسان حالت بسط داشته باشد.

استخراج کلمات و فرمایشهای امام حسین (ع)

این قبض و بسطی که عرفا می‌گویند، یک واقعیت است. انسان گاهی قبض دارد، اصلاً گرفته و بسته است، همه‌ی حقایق هم جلوی اوست؛ اما از آن حقایق و معارف، ترشحی به او نمی‌شود. گاهی هم انسان باز و مبسوط است و همه‌ی شعاعها و انوار به او می‌تابد. در آن لحظه، انسان گاهی مثل خورشید نور می‌دهد. خود انسان هم نورانیت خویش را احساس می‌کند. انسان بایستی این لحظه‌ها را در کلمات و فرمایشهای امام حسین (ع) جستجو کند و برای خودش به وجود بیاورد. این کلمات، چنان لحظه‌هایی را در انسان ایجاد می‌کند.

ما در این هشت سال فداکاری داشتیم؛ شوخی که نیست. همین برادران جانباز و آزاده‌یی را که ملاحظه می‌کنید، هر حادثه‌یی که برایشان اتفاق افتاده، و هر تجربه‌ی مخلصانه‌یی که اینها یا خودشان نشان دادند یا در دیگری دیدند، به نظر من کافی است تا انسانهایی را هدایت کند. این حادثه‌ها و تجربه‌ها، ماها را واقعاً هدایت می‌کند.

نقش برجسته هنرمند مسلمان در نمایش شکوه دفاع مقدس

من کتابهایی را که می‌خوانم، معمولاً پشتش یادداشت یا تقریظی می‌نویسم؛ یعنی اگر چیزی به ذهنم آمده، پشت آن یادداشت می‌کنم. این کتاب «فرمانده‌ی من» را که خواندم، بی‌اختیار پشتش بخشی از زیارتنامه را نوشتم: «السلام علیکم یا اولیاءالله و احبائهم». واقعاً دیدم که در مقابل این عظمتها انسان احساس حقارت می‌کند. من وقتی این شکوه را در این کتاب دیدم، در نفس خودم حقیقتاً احساس حقارت کردم.

چه کسی می‌تواند این شکوه را به ما نشان بدهد؟ این شکوه وجود دارد، ولی یک نفر باید آن را به ما نشان بدهد. او، چه کسی است؟ او، شما هستید. یعنی اگر شما قدر خودتان را بدانید، می‌توانید حامل آن چنان نورانیتی باشید که انسانها را تکان می‌دهد. آن‌طور حقایق واقعاً ماها را منقلب می‌کند. آن حقیقت اتفاق افتاد و یک لحظه از بین رفت. البته در ملکوت باقی است؛ اما در عالم ناسوت و در مادیت و حساب زمان و مکان ما، در یک لحظه حادثه‌یی اتفاق افتاد و تمام شد و رفت. چه چیزی می‌تواند این حادثه را ماندگار کند؟ چه چیزی می‌تواند آن را به گونه‌یی که حتی چشم عادی در حضور نمی‌بینند، در غیاب آن حادثه، به دل و بصیرت انسان تفهیم بکند؟ آن، هنر است. هنر این نقش را دارد و می‌تواند این کار را انجام بدهد.

من حوادثی را به چشم خودم دیده‌ام که شاید چشم مادّی نتوانسته آنها را درک کند؛ اما بعد که شما هنرمندان آنها را به نگارش درمی‌آورید، یا در قالب نمایش نشان می‌دهید و یا به زبان قصه بیان می‌کنید، من آن حوادث را که بازبینی می‌کنم، می‌بینم عجب حوادثی بوده است؛ تازه شروع به فهمیدن آن می‌کنم. لذا به نظر من، نقش هنرمند مسلمان، نقش فوق‌العاده برجسته‌یی

است.

یکی از معجزات انقلاب، پرورش هنرمندان و روایتگران تاریخ انقلاب

متأسفانه میدان هنر هنوز دست شماها نیست. یکی از معجزات انقلاب، پرورش هنرمندان و روایتگران تاریخ انقلاب است. بحمدالله تعدادی هم هستید، اما کسانی هم هستند که از لحاظ عده و عده بر شما ترجیح دارند، از شما جلویند و امکانات در اختیارشان است؛ بعضیشان از لحاظ هنری هم سرشارند، اما ثروتی در خدمت بیگانگان، و تیغی در دست دشمنانند. انسان معمولاً خودش را در مقابل هنرمند کوچک احساس می‌کند. من خودم وقتی هنرمندان را نگاه می‌کنم، می‌بینم که جایگاه رفیعی در مقابلم دارند؛ اما آن هنرمندانی که هنرشان در خدمت بیگانگان است، هر چند هنرشان هم بالاست و بعضیشان از لحاظ هنری بسیار برجسته‌اند، ولی من در هنری که آنها دارند، ارزشی حس نمی‌کنم.

پول و ثروت و قوت بازو و زبان گویا و بقیه‌ی ثروتهایی که در خدمت حق و انسانها و راستی و درستی نباشد، چه ارزشی دارد؟ ارزشی ندارد. الان علم در خدمت سلاحهای اتمی و در دست اسرائیل است. آیا این ارزشمند است؟ نخیر، هیچ ارزشی ندارد. ارزش این چیزها نسبی است. ارزش مطلق، متعلق به اینها نیست. البته چیزهای ارزشمند مطلق وجود دارد. اصلاً مبانی ادیان، مطلق کردن ارزشهای صحیح و راستین است؛ منتها علم و صنعت و تکنولوژی، از آن ارزشهای مطلق نیست؛ تا در کجا به کار برود، تا در دست چه کسی باشد، تا از آن چگونه استفاده بشود؛ هنر هم از این قبیل است. اگر شما عده و عده‌تان هم در مقابل خیل هنرمندان آن‌چنانی کمتر باشد، در عین حال ارزشتان به مراتب از آنها بالاتر و بیشتر است؛ اگر چه من فکر می‌کنم که عده‌تان را هم نمی‌شناسم. در این زمینه، اگر لازم دانستید که بعد مطلبی را به من بگویید، بگویید. همین الان، از آن نامه‌ی مفصلی که آقایان نسبت به من اظهار محبت کرده بودند و یک ستون از هنرمندان اسمشان در پایین نامه درج شده بود، یادم آمد. اگر چه من خیلی از اسمها را نمی‌شناختم، اما خیلی بودند. ما یقیناً نیروهای خوب هم زیاد داریم؛ باید اینها را بشناسیم. آن اوایل انقلاب، بعضیها می‌گفتند که قحطالرجال است؛ ما می‌گفتیم که جهل الرجال است. واقعش این است که ما شخصیتها را نمی‌شناسیم.

سه سؤال مهم راجع به جنگ تحمیلی

۱. جنگ را چه کسی به وجود آورد؟

شرق و غرب پشت سر عراق

۲. چرا جنگ را به وجود آوردند؟

باخت بسیار سنگین ملتها

پیروزی ملت ایران و اعتراف دشمن به شکست خود

۳. چه شد که این پیروزی به دست آمد؟

فکر مدام استکبار نسبت به ملت ایران

نظم نوین جهانی

حمایت ملت از دولت برای جبران عقب ماندگیها

سازندگی و تلاش برای حفظ وحدت

سه سؤال مهم راجع به جنگ تحمیلی *

درباره‌ی دفاع مقدس، آنچه که ملت ما پس از گذشتن دوران سخت جنگ هشت‌ساله باید مورد تدبیر قرار بدهد، این است که این جنگ را چه کسی به وجود آورد، و چرا به وجود آورد، و چه شد که موفق نشد؟ این، سه نقطه‌ی اساسی است.

۱. جنگ را چه کسی به وجود آورد؟

سؤال اول: جنگ را چه کسی به وجود آورد؟ نمی‌شود گفت جنگ را فقط عراق به وجود آورد. همه‌ی قراین از اول کار نشان می‌داد که استکبار پشت سر عراق است؛ او را کمک نظامی کردند؛ از لحاظ تبلیغاتی به او کمک کردند و شورای امنیت را در خدمت متجاوز قرار دادند. با این که جنگ به این اهمیت در این نقطه‌ی حساس واقع شده بود، اما روزهایی گذشت که سازمان ملل در آن روزها، هیچ عکس‌عملی نشان نداد؛ این عادی نیست. در حمله‌ی عراق به کویت، بعد از چند ساعت شورای امنیت موضعگیری کرد؛ اما در حمله‌ی عراق به ایران، تا وقتی که تانکهای عراقی پیشروی می‌کردند، شورای امنیت ساکت و تماشاچی نشست؛ بعد از آن که هزاران کیلومتر را تصرف کرده بودند، شورای امنیت یک کلمه حرف زد، که آن هم تقبیح تجاوز نبود؛ عراق را ملامت نکرد که چرا تجاوز کرده و جنگ را شروع کرده است؛ به دو طرف گفت که حالا بیا بید دست از جنگ بکشید و آتش بس کنید! یعنی در حقیقت، تشبیت عراق در اراضی اشغالی ما. البته ما قبول نکردیم و آن قطعنامه را رد کردیم.

شورای امنیت به خاطر این که در دست قدرتهای بزرگ بود و آنها هم پشت سر رژیم عراق بودند، تا آخر

هم هیچ وقت نسبت به جنگ یک موضع کاملاً و صددرد عادلانه نگرفت؛ تا این که در این اواخر، آن هم با زحمات زیاد و با تلاشهای فراوانی که از همه طرف کشیده شد، قطعنامه‌ی ۵۹۸ از شورای امنیت صادر شد.

🌸 شرق و غرب پشت سر عراق

شرق و غرب پشت سر عراق قرار داشتند. تقریباً تمام اروپا به عراق کمک کردند. در ایام جنگ، ما اینها را از روی حدس می‌گفتیم، قراین دلالت می‌کرد؛ ولی در این یکی، دو سال اخیر، شواهد قطعی برای آن پیدا شد؛ همه اعتراف کردند و یکی یکی سندها بیرون آمد؛ کمک امریکا، کمک ناتو، کمک شوروی هم که از روز اول معلوم بود. بلوک شرق، همین کشورهای اروپای شرقی که امروز دچار این مصیبتها هستند، بزرگترین خدمت را در طول جنگ به رژیم عراق کردند؛ ارتجاع منطقه هم که جای خود دارد. بنابراین، جنگ را رژیم عراق به تنهایی به وجود نیاورد - رژیم عراق یک عامل بود - جنگ را همه‌ی دنیای استکباری و من تبع او به وجود آوردند؛ این امروز چیز روشنی است و احتیاج به بحث زیادی ندارد.

🌸 ۲. چرا جنگ را به وجود آوردند؟

سؤال دوم: چرا جنگ را به وجود آوردند؟ این هم امر روشنی است: جنگ را به وجود آوردند، تا نظام اسلامی را از بین ببرند، یا وادار به تسلیم کنند؛ برای آنها فرقی نمی‌کرد. می‌خواستند یا جمهوری اسلامی به خاطر اشغال و گرفتاریهای جنگ ساقط بشود، یا اگر ساقط نمی‌شود، همان طوری که بیشتر کشورهای که به این مصیبتها دچار می‌شوند و بالاخره رو به یک قدرتمند می‌کنند و پیش او دست دراز می‌کنند، شاید ملت ایران و امام عظیم‌الشان این ملت هم مجبور بشوند در مقابل دشمنان تسلیم بشوند، دست دراز کنند و بگویند خیلی خوب، ما تسلیم هستیم؛ نگذارید دیگر عراق این قدر ما را بکوبد. بدون تردید هدفشان این بود؛ اما این آرزو هم به دلشان ماند.

🌸 باخت بسیار سنگین ملتها

اگر ایران در مقابل امریکا تسلیم می‌شد، جنگ زود تمام می‌شد. البته مصیبت سلطه‌ی امریکا، صد برابر از مصیبت جنگ سخت تر است. مصیبت تسلط بیگانه، از مصیبت هر گونه جنگی با هر خسارتی، برای یک ملت سنگینتر و سخت تر است. امروز ببینید با رژیم عراق چگونه برخورد می‌کنند. همین که مسلط شدند، همین که در مقابلشان تسلیم انجام گرفت، استکبار دیگر هیچ حدی نمی‌شناسد. از ایستادگی مردم است که اینها حساب می‌برند و مجبورند حریم بگیرند. هر ملتی که کوچکترین نشانه‌ی تسلیمی از خود در مقابل استکبار نشان داد، باخت؛ باخت بسیار سنگین. هدفشان این بود که جمهوری اسلامی را وادار به تسلیم کنند؛ ولی نتوانستند.

۱. با آغاز فصل جدید در حیات سیاسی شوروی، که ابتکار عمل آن را گورباچف تحت عنوان سیاست «گلاسنوست» (در زمینه‌ی ارتباط با دنیای خارج)، و سیاست «پروستریکا» (در خصوص سیاستهای داخلی) به عهده داشت، اروپای شرقی که تا قبل از این، زیر سلطه و حاکمیت کرم‌لین بود، شاهد وقوع جنبشهای استقلال طلبانه‌ی شد که هدف آن، خروج از دایره‌ی قدرت شوروی بود. این امر، به وقوع آسوبها و بروز مشکلات اقتصادی و سیاسی در اغلب کشورهای بلوک شرق منجر گردید. امریکا و کشورهای غربی، تلاشهای زیادی در جهت خروج این کشورها از سلطه‌ی شوروی به عمل آوردند و در حال حاضر چند کشور که سابقاً عضو بلوک شرق بودند، رسماً به عضویت پیمان ناتو در آمده‌اند.

پیروزی ملت ایران و اعتراف دشمن به شکست خود

بعد از هشت سال جنگ، لازم نیست ما قسم و آیه بخوریم که در جنگ پیروز شده ایم. پیروزی در جنگ مگر چیست؟ اگر دشمنی با آن حجم قدرت و با آن عظمت مادی به یک ملت حمله کند، هشت سال هم علیه او مبارزه کند، اما بعد از هشت سال همه چیز مثل روز اول باشد؛ نه یک قدم از سرزمین این ملت دست دیگری باشد، نه این ملت کوچکترین تحمیلی را از دشمن قبول کرده باشد، آیا این پیروزی این ملت نیست؟ ملت ما با جوانانش، بارزمنده گانش، با ارتش و سپاه و بسیج مردمیش، با عشایر دلاورش، با مردم کوچه و بازارش، با خانواده های ایثارگرش، با زنان و مردان آگاه و هوشیارش، با شجاعت و ایمان و توکل بی نظیر رهبر عظیم الشانش، توانست در مقابل امریکا و اروپا و شوروی آن روز و امپراتوری شرق و غرب بایستد و بعد از هشت سال همه ی آنها را وادار بکند که به پیروزی ملت ایران و به شکست خودشان اعتراف کنند.

۳. چه شد که این پیروزی به دست آمد؟

و اما سؤال سوم: چه شد که این پیروزی به دست آمد؟ برادران و خواهران عزیز در سراسر کشور! چه شد که شما پیروز شدید؟ آیا جز ایمان شما، توکل شما به خدا، تصمیم شما برای ایستادگی در مقابل دشمنان خدا، وحدت کلمه ی شما - که به هیچ وسیله یی نتوانستند آن را در هم بشکنند - فداکاری قهرمانانه ی جوانان شما؛ جوانانی که در عین جوانی، از لذتهای دنیا گذشتند و تسلیم و سوسه ها نشدند؛ و پدر و مادری که از جوانانشان گذشتند و تسلیم و سوسه ی محبت و عشق به اولادشان نشدند؛ و بی اعتنایی به زخارف دنیا و نگرستن به هدف عالی - یعنی سربلندی اسلام و مسلمین - پیروزی ملت ایران عامل دیگری داشت؟ اگر ایران در آن روزی که دشمن از همه طرف به آن حمله کرد، به شرق یا به غرب، به امریکا، به اروپا، به شوروی رو می آورد، باز هم پیروز شده بود؟ نمی گذاشتند پیروز بشود. جنگ تمام می شد، اما جنگ بدون پیروزی و بدون افتخار؛ سلطه ی خودشان را بر این ملت از سر می گرفتند.

فکر مدام استکبار نسبت به ملت ایران

برادران و خواهران عزیز! تقریباً سیزده سال از پیروزی انقلاب و ریشه کن شدن سلطه ی امریکا از این کشور می گذرد؛ اما امریکا و استکبار جهانی همچنان در فکر این هستند که سلطه ی خودشان را به هر شکلی که بتوانند، به این ملت برگردانند. بدانید که دشمنان خدا از اسلام و ایمان و وحدت کلمه ی شما مردم راضی نیستند؛ از این که شما پشت سر مسؤولان کشور، پشت سر قرآن و اسلام، پشت سر نشانه ها و پرچمهای دین حرکت کنید، ناراضی هستند. دشمن، این طور زندگی را نمی پسندد. شما فرهنگ استکباری را در دنیا به هم زده اید. امروز کار بر استکبار مشکل شده است.

نظم نوین جهانی

این «نظم نوین جهانی»^۲ که استکبار بیان می‌کند، سخنی است که نیت‌های بسیار خائنانه و خباثت‌آمیزی پشت سر آن است. نظم نوین جهانی یعنی چه؟ یعنی نظام دو قطبی عالم تمام شد، درگیریه‌های شرق و غرب تمام شد؛ بله، تمام شد؛ اما آیا نتیجه‌ی تمام‌شدن درگیری شرق و غرب باید قدرت مطلقه و روزافزون امریکا بر ملت‌های ضعیف باشد؟! یعنی دیگر اسلام‌خواهان و آزادخواهان در هیچ نقطه‌ی دنیا حق نداشته باشند نفس بکشند؟! یعنی مسأله‌ی فلسطین باید به قیمت فروختن فلسطین و فروختن فلسطینیان تمام بشود؟! معنای نظم نوین جهانی این است؟! امریکا این را می‌خواهد. ملت اسلام به خاطر بیداری‌یی که بر اثر انقلاب و ایستادگی شما در جنگ به دست آورده است، تسلیم این خواست امریکا و استکبار نخواهد شد.

حمایت ملت از دولت برای جبران عقب ماندگیها

البته جنگ خسارتهای زیادی داشت؛ دشمن هم این را می‌دانست؛ امروز هم می‌داند. خسارت جنگ فقط در آن لحظه‌یی نیست که گلوله‌ی توپ یا بمب یا موشک به جایی اصابت می‌کند. این اصابت، ویرانی به بار می‌آورد. این خسارت تا هنگامی هست که این ویرانی را بشود جبران کرد. ما هشت سال جنگ داشتیم. سالهای متمادی باید همه‌ی شما ملت پشت سر دولت حرکت کنید و دولتمردان با همه‌ی توان و کوشش و با همه‌ی خلوص نیت کار کنند و ثروت ملی این کشور صرف بازسازی بشود، تا بتوانیم جبران این خسارتهای ویرانیها را بکنیم. ویرانی جنگ، به این آسانی برطرف نمی‌شود. آیا می‌دانید که جنگ دوم جهانی برای اروپا و ژاپن و بقیه‌ی کشورها به چه قیمتی تمام شد؟ آیا می‌دانید که چند سال طول کشید تا توانستند خودشان را از زیر این بار خلاص کنند؟ در حالی که ثروت امریکا و جاهای دیگر هم پشت سر و در اختیارشان بود.

سازندگی و تلاش برای حفظ وحدت

ما می‌خواهیم روی پای خودمان بایستیم. ما می‌خواهیم کشور را خودمان آباد کنیم. ما می‌خواهیم همت و اراده و پول خودمان این کشور را آباد کند. مسؤولان دلسوز کشور مشغول تلاشند. آنها با تدبیر و اراده‌ی صحیح و با کمک ملت خواهند توانست ان‌شاءالله این ویرانیها را جبران کنند؛ البته مقداری طول می‌کشد. جنگ سختی داشت، دوران بازسازی هم سختی دارد؛ این هم جزو سختی دوران جنگ است. امروز مبارزه‌ی شما، در راه بازسازی و سازندگی و تلاش برای حفظ وحدت است.

۲. نظم نوین جهانی (New world order) عنوان نظریه‌یی بود که بلافاصله پس از پایان جنگ آزادسازی کویت و شکست عراق، از سوی «جورج بوش» - رئیس جمهور وقت امریکا - مطرح گردید. بر اساس این نظریه، امریکا خود را به‌عنوان سامانده روابط بین‌المللی مطرح ساخت، تا با اتکاء به توان نظامی و نفوذ سیاسی خود، به‌عنوان تنها صحنه‌گردان مسائل منطقه‌یی و بین‌المللی معرفی شود. با شکست «جورج بوش» در انتخابات ریاست جمهوری امریکا و به قدرت رسیدن «بیل کلینتون»، این نظریه نیز از قاموس سیاسی جهان حذف شد.

کشف و حفظ آثار جنگ، تا جایی که می توانیم

فهم ابعاد شگفت انگیز جنگ

کشف و حفظ آثار جنگ، یک حسنه‌ی باقیه و

یک صدقه‌ی جاریه

استفاده از اسناد جنگ در فیلم، قصه و شعر،

برای رسیدن به حد نهایت

نکات پرمغز و پرمعنا در کتاب «فرهنگ جبهه»

ارزش جمع آوری روایات جنگ

کشف و حفظ آثار جنگ، تا جایی که می توانیم *

فهم ابعاد شگفت انگیز جنگ

این حادثه‌ی جنگ، واقعاً حادثه‌ی عجیبی بود. بنده هم که می گویم عجیب بود، یقین دارم که ابعاد شگفتی این جنگ را به تمام درک نکرده‌ام. این مثل آن است که شما از فاصله‌ی خیلی زیادی، ساختمان خیلی عظیمی را بالای کوه می بینید و می فهمید که خیلی با عظمت است؛ اما در می یابید که هنوز هم ابعاد عظمت آن را نفهمیده‌اید؛ وقتی که بروید لمس کنید و اطرافش را ببینید، آن وقت خواهید فهمید که چه قدر عظمت دارد؛ قضیه‌ی ما حقیقتاً این است. اگر چه ما جنگ را از نزدیک دیدیم، اما - به قول شهریار - به تاریکی دیدیم و آن را درست نشناختیم. این هشت سال، تجربه‌ی عجیبی بود.

این نوشته‌هایی که راجع به رزمندگان و جنگ منتشر می شود - که غالباً هم همین حوزه‌ی هنری چاپ و منتشر می کند و انصافاً چیزهای بسیار با ارزش و خوبی هم است - هر چه به دستم می رسد، می خوانم. با این که ما این همه از نزدیک و از دور، به وسیله‌ی گزارشها و از طریق خبرهای شخصی و فردی، در جریان مسائل اینها بودیم و چه قدر از اینها را من خودم دیده بودم، در عین حال الان که می خوانم، می بینم نخیر، ما هرگز نمی توانستیم آن ابعاد و آن هفت توی حوادث را از دور ببینیم؛ حالا که انسان می خواند، می فهمد که چه دنیای عجیبی بود. به هر حال دروازه‌ی عظیمی بود که الان به روی ما بسته شده است.

🌸 کشف و حفظ آثار جنگ، یک حسنه‌ی باقیه و یک صدقه‌ی جاریه

ما باید آن مجموعه را همچنان که هست، مثل آثار ساختمانی جنگ - که امام فرمودند اینها را حفظ کنید - حفظ کنیم؛ این اهمیتش از آنها خیلی بیشتر است. ما تا آن جا که می‌توانیم، باید آثار جنگ را کشف و حفظ کنیم؛ که حالا شما دارید این کار بزرگ را انجام می‌دهید. تاریخ نمی‌تواند اینها را بیان کند. در تاریخ خواهند گفت هشت سال جنگ شد - دیگر بیشتر از این که نمی‌شود بگویند - عملیاتها را یکی یکی خواهند گفت؛ در فلان تاریخ، عملیات فتح‌المبین شد؛ در فلان تاریخ، فلان عملیات شد؛ این قدر نیرو شرکت داشت؛ پیروزی به دست آمد؛ اما اینها کجا، و حقیقتاً آنچه که در این میدانها گذشته، کجا؟ شما بحمدالله دارید به این قضیه رسیدگی می‌کنید؛ کار را معتنم بشمارید.

شاید اغلب و یا همه‌ی شما در جبهه بوده‌اید و آن را درک کرده‌اید - من که یکایک شما برادران را نمی‌شناسم - قاعدتاً تا کسی در آن جا نباشد، آن شوق و آن معرفت برایش پیدا نمی‌شود که دنبال این چیزها برود و عمر خود را مصرف کند؛ یقیناً بودن و دیدن و لمس کردن و حس کردن، مؤثر است. به هر حال، این کار شما یک حسنه‌ی باقیه و یک صدقه‌ی جاریه است؛ و هر چه هم بگذرد، ارزش کار شما بیشتر فهمیده می‌شود. البته باید تلاش کنید که هر چه ممکن است، این نقشها را برجسته کنید.

🌸 استفاده از اسناد جنگ در فیلم، قصه و شعر، برای رسیدن به حد نهایت

شما این اصطلاحات را جمع کردید؛ خوب، این اصطلاحات خیلی ارزش دارد. مجموعه‌ی آن به صورت یک ماده‌ی خام تاریخی و به صورت یک سند تاریخی، الان در اختیار ماست. بر اساس سند تاریخی، کارهای گزارشی فراوانی ممکن است انجام بگیرد. چه قدر خوب است که آن کسانی که فیلم می‌سازند، یا قصه می‌نویسند، یا شعر می‌گویند، یا نمایشنامه می‌نویسند، از این نوشته‌ها و از این اسناد استفاده کنند. آن وقتی کارایی این نوشته‌ی شما به حد نهایت می‌رسد، که در ادبیات و در هنر رایج مربوط به جنگ بیاید و به خورد آنها برود؛ همچنان که آن اسمها و لقبهایی که به آن اشاره کردید - مثل حسن بی‌ریا - خودش موضوع یک داستان است؛ این باید بیاید و مثل نگینی که انسان در جای مهمی آن را می‌نشانند، در جای مهمی قرار بگیرد.

نگین پیاده شده، نگین است؛ وقتی هم بر روی انگشتری یا ظرف حساس و فلزی نشست، بر ارزش نگینی آن چیزی اضافه نمی‌شود؛ همان نگین است؛ فرقی نمی‌کند؛ اما در خشندگی و جلوه‌ی آن چند برابر می‌شود. مثلاً ملاحظه کنید، این فیروزه‌هایی که جزو موقوفات امام رضا (علیه‌الصلاة والسلام) بود، مرحوم حافظیان آمد اینها را دانه دانه در ضریح آن حضرت روی قبه‌ها نشانند و ضریح جلوه پیدا کرد. فیروزه، همان فیروزه است؛ ارزش گوهری آن هیچ تفاوتی نکرده -

همان گوهر است - لیکن جلوه‌ی آن چند برابر شده است. این جلوه کمک می‌کند تا افراد بیننده قدر آن را درست بشناسند؛ در آن درست خیره بشوند و دقت کنند و چیزهای ریز آن را بفهمند و بشناسند؛ و الا این خطنوشته‌ی خیلی زیبا را اگر ما نوشتیم و کنار گذاشتیم، کسی چندان توجهی به آن نمی‌کند؛ اما وقتی آن را تابلو کردیم، این تابلو فرصت می‌دهد تا آنهایی که اهل این کار هستند، بیایند در ریزه کارهای این خطنوشته دقت کنند.

📌 نکات پرمغز و پرمعنا در کتاب «فرهنگ جبهه»

شما این نسج زیبا و قیمتی را بافتید؛ اما این بافتن وقتی به همین شکل در اختیار افراد قرار می‌گیرد، مبلغی از آن استفاده می‌کنند؛ کما این که خود من از این نوشته‌های شما خیلی استفاده کرده‌ام. من نوشته‌های شما را دوست می‌دارم؛ بخصوص آن «فرهنگ جبهه» را، که انصافاً خیلی زیبا و شیرین بود؛ از آن قسمت لطیفه‌ها، این بهتر بود. با این که لطیفه‌ها هم یادگاری است، اما نمی‌دانم آن اصطلاحات چه حالتی داشت؛ انصافاً نکات پرمغز و پرمعنایی در آن دیده می‌شد.

📌 ارزش جمع‌آوری روایات جنگ

من در جاهایی از این کتاب، نکاتی را هم یادداشت کرده‌ام؛ بخصوص آن جایی که فهمیده‌ام این جمع‌کننده، به نکته‌ی خیلی ریزی از کیفیت نگارش و جمع کردن توجه کرده است. من در این گونه موارد علامتی زده‌ام، و یا اگر خودم چیزی فهمیده‌ام، بعضی از آنها را یادداشت هم کرده‌ام. علی‌ای حال، اگر همینها در قالب داستان، شعر، فیلم و فیلمنامه بیاید، جلوه‌ی جدیدی پیدا می‌کند و بهتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. باید این توصیه را به همه کرد که از این مواد استفاده کنند؛ لیکن اساس کار این است که این روایات جمع بشود. شما باید همه‌ی این روایات را جمع بکنید، تا بعد کسانی بیایند از این روایات به عنوان مصالح کار استفاده کنند و چیزهایی بسازند. بنابراین، کار شما ارزش بنیانی و اولی دارد.

تأثیر ایمان و معنویت در پیروزی‌های دفاع مقدس

نقش برجسته سپاه در دفاع مقدس

غلبه بر علل و عوامل تردید ناپذیر عالم ماده از

طریق ارتباط با خدا

قصد دشمنان از ایجاد جنگ هشت ساله علیه ایران

عملی نشدن کوچکترین هدف دشمن در جنگ

ایمان و معنویت عامل کسب پیروزی‌ها در دفاع مقدس

وسيله‌ای برای حل تمام مشکلات بزرگ دنیای اسلام

احتیاج بیش از اندازه دنیای اسلام به اطمینان

و وعده‌های الهی

اثبات حرف در میدان عمل توسط ملت ایران

تأثیر ایمان و معنویت در پیروزی‌های دفاع مقدس *

نقش برجسته سپاه در دفاع مقدس

ایام آخر شهریور و اوّل مهر، برای ملت ما یادآور یک حادثه و یک ماجرای عبرت‌انگیز است که در خلال آن، اصالت‌های زیادی آشکار می‌شود. اینها در تاریخ خواهد ماند و علاوه بر این، در دفتر «کرام الکتبیین» و در علم و اسع الهی و دیوان اجر و مزد و پاداش پروردگار هم، ثبت و ضبط است. آن حادثه و ماجرای عبرت‌انگیز عبارت است از دفاع هشت ساله جانانه ملت ایران که شما برادران، در این دفاع و حماسه بزرگ، نقش بسیار برجسته و تعیین‌کننده‌ای داشته‌اید. البته، همه نیروهای مسلح - از ارتش و دیگران - هر کدام نقشی داشتند که خدای متعال به آنها اجر و پاداش عنایت خواهد فرمود. لیکن سپاه، با حضور و فداکاری صادقانه خود که مصداق این آیه شریفه است که «صدقوا ما عاهدوا الله علیه^۱»، حقیقتی از حقایق اسلام را زنده کرد؛

غلبه بر علل و عوامل تردید ناپذیر عالم ماده از طریق ارتباط با خدا

و آن این‌که: بشر - همین بشر معمولی و اسیر علل و اسباب عادی - وقتی که با خدا رابطه برقرار می‌کند، چگونه آن سلطه عظیم و اقتدار معنوی را می‌یابد، که حتی بر علل و عوامل تردید ناپذیر عالم ماده هم غلبه پیدا می‌کند. ما قدر این را دانسته بودیم. در معارف اسلامی که در این شکی نبود؛ اما دانستن کجا و دیدن و لمس کردن کجا؟! با آن فداکاریهایی که شما در این دوران هشت ساله نشان دادید و دیگر فداکارانی که در این میدان وارد شدند، این را ما احساس کردیم، لمس

* بیانات در دیدار فرماندهان دفاع مقدس ۲۵/۰۶/۱۳۷۲

کردیم و دیدیم. همه دنیا با هم متفق شدند و بر سر جمهوری اسلامی ریختند. در این که کسی تردید ندارد. آن روز هم ما می گفتیم. لکن بعد از پایان جنگ و فروکش کردن قضا، همه گفتند و اسرار پنهان، برای ما هم - حتی - برملا شد.

❁ قصد دشمنان از ایجاد جنگ هشت ساله علیه ایران

همه بر سر ایران اسلامی ریختند، برای خاموش کردن این شعله که در این جا مشتعل شده بود و آنها از آن بیمناک بودند. قصد آنها از این اقامه جنگ و تهاجم به جمهوری اسلامی چه بود؟ این که شما در این هشت ساله همیشه مشاهده می کردید که از لحاظ تسلیحاتی، از لحاظ تبلیغاتی و از لحاظ سیاسی، همواره آمریکا و شوروی آن روز، قدرتهای پیمانهای دفاعی بزرگ دنیا، مرتجعین سراسر عالم و وابستگان به قدرتهای دوگانه آن روز دنیا، در همه جای دنیا علیه ما بودند و دشمن زبون ظالم ما را تقویت می کردند، برای چه بود؟ برای این بود که هشت سال دو طرف سرگرم شوند؛ بعد هم همان مرزهای بین المللی باقی بماند و قضیه تمام شود و حکومت اسلامی، قویتر و مقتدرتر گردد؟

اینها قصدشان از این جنگ چه بود؟ غیر از این بود که یا می خواستند نظام اسلامی را سرنگون کنند، یا می خواستند نظام اسلامی را متهم به ناتوانی کنند؟ بگویند: «شما نتوانستید؛ مرزهای شما را به هم زدند، شکستند و کشورتان را تجزیه کردند.» اینها را می خواستند دیگران و یا می خواستند جمهوری اسلامی، چون می بیند که پشت سر عراق، قدرتهای جهانی هستند، برای نرم کردن دل قدرتها، از اصول خود صرف نظر کند؛ با سلطه های جهانی بسازد؛ در مقابل اسرائیل این قدر سرسختی به خرج ندهد و در دفاع از مسلمین و از مظلومان، آن طور صریح وارد نشود؟

❁ عملی نشدن کوچکترین هدف دشمن در جنگ

هشت سال جنگ گذشت؛ اما کدام یک از این اهداف دشمن عملی شد؟ میلیاردها دلار خرج کردند. مگر شوخی بود؟! از همه زرادخانه های بزرگ دنیا به مرزهایی که با ما می جنگید سلاح حمل کردند. آن همه متفکرین و مغزهای سیاسی و استراتژیستهای درجه یک دنیا، از روسی و امریکایی و انگلیسی و امثال اینها، دور هم نشستند. اما کدام یک از این اهداف عملی شد؟ همه دنیا شاهدند و ملت ایران بهتر از همه شاهد است، که کوچکترین هدفی از هدفهای دشمن، عملی نشد. نه توانستند حکومت اسلامی را ساقط کنند و نه توانستند آن را تضعیف نمایند. بلکه حکومت اسلامی، در سایه اداره الهی و حیرت انگیز دوران جنگ و آن سازماندهی معنوی عظیم و تشکیل این نیروی عظیم بی نظیر از لحاظ معنوی، در دنیا قویتر هم جلوه کرد؛ در چشمها شیرین تر هم شد. نتوانستند مرزهای ما را، یک سر سوزن این ورو آن ور کنند. نتوانستند حاکمیت ما را تضعیف کنند.

بلکه ما توانستیم حاکمیت خودمان را بر مناطقی که می‌خواستند آنها را متزلزل کنند، بیشتر تثبیت کنیم. ما را از اصولمان هم نتوانستند منصرف کنند.

ایمان و معنویت عامل کسب پیروزی‌ها در دفاع مقدس

حال این سؤال مطرح است که «این پیروزی‌های بزرگ، چگونه برای ما به وجود آمد؟» پاسخ یک کلمه است: «در سایه ایمان و معنویت.» چیزی که شما، آن را مثل یک سرمایه ارزشمند در دست داشتید و همواره و به کمک آن، کار کردید. در جنگ، ابزار جنگی بلاشک یک عامل فوق‌العاده مهم است؛ اما عامل تعیین‌کننده نیست؛ زیرا ابزار را انسان به کار می‌برد. تا انسان، چگونه انسانی باشد: انسانی قوی، انسان متکی به خود، انسانی نترس از مرگ، یا انسانی ضعیف که می‌خواهد در سایه ابزار، خود را پنهان کند؟ چه عاملی به انسان آن قوت را می‌بخشد که ابزار در دست او، به معنای واقعی کلمه عاملی برای کوبیدن دشمن باشد؟ ایمان، اتکای به خدا. البته همراه با کاردانی و بلدی. این را چه کسی داشت؟ این از کدام دلها می‌جوشید؟

ای جوانان مؤمن! ای تربیت‌شدگان واقعی اسلام! نسل ما، تربیت شده اسلام نبود؛ اما شما تربیت شده اسلامید. شما آن نسلی هستید که یک مرد الهی و معنوی - که نظیر او را امت ما در تاریخ خود کم دیده است - وقتی نگاهتان می‌کرد، دلش از امید موج می‌زد. نسل تربیت شده اسلام، به برکت ایمان و توکل و اعتقاد به خدا؛ اعتقاد واقعی به ارزشهای الهی و اسلامی، توانست یکی از بزرگترین کارهای دنیا را بکند.

وسیله‌ای برای حل تمام مشکلات بزرگ دنیای اسلام

شما امروز کدام کشور را در دنیا سراغ دارید (بروید سراغ قویترین کشورها) که اگر همه دنیا علیه او، با یکدیگر همدست شوند، بتواند سر پای خود بایستد و دچار تزلزل نشود؟ بروید این کشورهای قوی دنیا را یکی پس از دیگری ببینید. آیا چنین ظرفیتی در این کشورها هست؟ چه کسی می‌توانست آن‌طور بایستد، جز آن که دل او به خدای بزرگ و وعده نصرت الهی - به معنای حقیقی کلمه - باور داشت؟ «ولینصرن الله من ینصره.» این که دیگر قابل تأویل نیست؛ و واقعیت جامعه ما و حوادث تاریخ ما هم این را ثابت کرد. و شما آن جوانان هستید. قدر خودتان را، یعنی قدر آن گوهر گرانبغای را که در وجودتان است، بدانید. تمام مشکلات بزرگ دنیای اسلام، می‌تواند با آن امانت الهی که در دلها و وجود شماست، حل شود. این که می‌بینید دنیای اسلام، بعد از چهل و پنج سال ضربه خوردن و خسارت کشیدن و قربانی دادن، ناگهان به وسیله عده‌ای عناصر ضعیف، حقیر و نالایق که ایمان به خدا در قلب آنها نیست و آن روح اسلامی به کلی با آنها بیگانه است، با یک خیانت فزاینده از بین می‌رود و دشمنان توطئه خودشان را نسبت به قضیه فلسطین

کامل می‌کنند، به این سبب است که این گوهر گرانبهایی که در این جا، به فضل الهی به وفور وجود دارد، متأسفانه در آن جاها که باید باشد، کم است. بعضی جاها هم که اصلاً نیست!

🕌 احتیاج بیش از اندازه دنیای اسلام به اطمینان وعده‌های الهی

امروز دنیای اسلام بیش از همه چیز به این احتیاج دارد که جوانان مسلمان و آحاد ملت‌های مسلمان، به وعده‌های الهی اطمینان یابند و قرآن را باور کنند. این که ما بگوییم «ایمان داریم»، «مسلمانیم»، «مسلمان واقعی هستیم»، کافی نیست. با این حرف‌ها هم که بیایند جمهوری اسلامی و امتحان داده‌های ملت ما را - این ملتی که ایمان خودش را در عمل ثابت کرده است - تخطئه کنند و بگویند «آن که شما می‌گویید، ایمان واقعی و اسلام واقعی نیست. اسلام واقعی این است که ما می‌گوییم» کار درست نمی‌شود و مطلبی ثابت نمی‌گردد.

🕌 اثبات حرف در میدان عمل توسط ملت ایران

همه، حرف می‌زنند. ملت ما که حرف می‌زند، این حرف را در میدان عمل ثابت کرده است. در این پانزده سال، ما اجازه نداده‌ایم قدرتهای استکباری در سرنوشت و مسائل ما اندک دخالتی بکنند. بسم‌الله؛ این ایمان ما: «ولما رأی المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله». مردم ما وقتی دیدند شرق و غرب، همدست و متحد، بر سرشان ریختند، گفتند: «ما انتظار این را داشتیم.» و ایستادند و مقاومت کردند و بالأخره آنها را دفع کردند و ناکام گذاشتند. این، تجربه میدان عمل. آن که بگوید «اسلام واقعی این است که ما می‌گوییم» و بعد برود در عمل، بر چیزی که مخالف صریح و ضرورت اسلام است صحه بگذارد، یا در مقابل آن سکوت کند، یا به آن عمل کند؛ این یک لقلقه لسان و یک حرف بی‌معناست.

واقعیت سازمان ملل

نقاط زیبا در صحنه بین الملل

زشت ترین نقطه در صحنه‌ی بین الملل و شاهد

مثال آن

قطعهنامه سازمان ملل در باره جنگ عراق با کویت

عمل نکردن سازمان ملل به وظیفه خود در

قضیه بوسنی

فاجعه خونین حرم ابراهیمی

ایستادگی ملت ایران در مقابل قدرتهای قلدر جهان

نقاط زیبا در صحنه بین الملل

امروز، در صحنه سیاست بین المللی - دولتها و قدرتهای جهانی از یک طرف و ملتها و جمعیتهای انبوه مردمی از طرف دیگر - هم خصوصیات زیبا وجود دارد و هم خصوصیات زشت. خصوصیات زیبا، بیداری ملتها، اسلامگرایی ملتهای مسلمان و تحمل ناپذیری مظلومان است، و خصوصیات زشت، ستمگری ستمگران، زورگوییِ قلدران و توطئه بددلان و بدخواهان ملتهاست.

زشت ترین نقطه در صحنه بین الملل و شاهد مثال آن

در بین نقاط نامطلوب و زشت در صحنه جهانی، یک نقطه - به نظر من - زشت تر از همه است. امروز می خواهم آن نقطه را مورد تکیه قرار دهم، تا نظر ملت ایران، برای همه کسانی که نظاره گرند معلوم شود. آن نقطه این است که ما از قلدرها و گردن کلفت های عالم، انتظار خوب بودن و ظلم نکردن نداریم؛ اما از مجامع جهانی عالم، انتظار انصاف و استقلال داریم! سازمان ملل، اسمش سازمان ملل است. یعنی جایی که از آن ملتهاست. این سازمان جهانی، در تیول دولتها هم نیست، چه رسد به این که مال چند دولتِ قلدرِ زورگوییِ افزون خواه دنیا باشد. متأسفانه، امروز، واقعیت چیز دیگری است و این، همان نقطه بسیار زشت است. ما البته کارهای شورای امنیت را که دستگاه اصلی تصمیم گیرنده در سازمان ملل و قلب این سازمان است، از قبل دیده بودیم. فهمیده بودیم که چقدر این سازمان، در مواقع حساس، در پشت ابرقدرتها قرار می گیرد و برای آنها - و نه برای ملتها - می شود. شاهد مثال آن، قضیه جنگ تحمیلی بود. وقتی

جنگ تحمیلی پیش آمد و عراق مرزهای ما را شکست و وارد چند استان کشور ما شد، ما طبق معمول به سازمان ملل شکایت کردیم. طبق مقررات سازمان ملل، می‌بایست شورای امنیت در ظرف چند ساعت، قطعنامه‌ای صادر می‌کرد که عراق را به عنوان متجاوز محکوم کند. این کار را نکردند؛ و تا چندین روز، هیچ عکس‌العملی نشان ندادند. وقتی که قشون عراق، با استفاده از اوضاع نابسامان آن روز ما، در خاک کشور عزیزمان، خوب جاگیر شد و چند هزار کیلومتر را اشغال کرد، تازه شورای امنیت سر بلند کرد که یک کلمه حرف بزند. مثلاً، قطعنامه صادر کرد! قطعنامه چه بود؟ آیا قطعنامه این بود که «متجاوز، از خاک ایران، بیرون برود»؟ ابداً قطعنامه صادر کردند که «ایران و عراق، آتش بس اعلام کنند!» یعنی چه؟ یعنی قشون عراق وارد خاک ایران شده است و حال که نوبت دفاع جانانه ملت ایران است، دستها بسته شود و کسی دفاع نکند و متجاوزین را بیرون نریزند! این، قطعنامه شورای امنیت بود! می‌دانید که چند سال، اینها بی‌آن که متجاوز را محکوم کنند، همین حرف را زدند! البته رزمندگان ما، در مدت نه چندان زیادی - تقریباً در ظرف یک سال و نیم - اکثر زمینها را خودشان پس گرفتند.

قطعنامه سازمان ملل در باره جنگ عراق با کویت

این سابقه را، در قضیه جنگ تحمیلی از شورای امنیت سازمان ملل داشتیم. بعد از چند سال، حمله عراق به کویت اتفاق افتاد. وقتی که عراق به کویت حمله کرد، دیگر مسأله، مسأله یک ملت مظلوم نبود. مسأله، مسأله منافع امریکا و ابرقدرتها بود و همه دیدید که در ظرف چند ساعت، قطعنامه اول صادر شد که «عراق باید از کویت بیرون برود.» یعنی همان موردی که ما چند سال به شورای امنیت می‌گفتیم باید چنین قطعنامه‌ای را در جنگ تحمیلی که علیه ما آغاز کرده‌اند، صادر کند و نمی‌کرد. باری؛ در ظرف چند ساعت قطعنامه اول صادر شد و بعد هم، بلافاصله، پی در پی، شورای امنیت قطعنامه‌های گوناگونی صادر کرد و به امریکاییها اجازه داد که وارد خلیج فارس شوند. اجازه داد عراق را ویران کنند و هر کاری که دلشان می‌خواست بکنند. تا امروز هم، اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت نسبت به قضیه جنگ کویت، در جریان است و هنوز هم اجرا می‌شود.

عمل نکردن سازمان ملل به وظیفه خود در قضیه بوسنی

این مسائل را ما دیده بودیم. در این ماههای اخیر هم، یک بار در قضیه بوسنی، که شورای امنیت بایستی حرکت عادلانه‌ای انجام می‌داد، دیدیم انجام نداد. چنان که در قضیه حرم شریف ابراهیمی در فلسطین اشغالی، اقدامی به عمل نیاورد. ملتهای مسلمان اعلام آمادگی کردند تا نیروهایی را به عنوان سربازان سازمان ملل اعزام کنند که میان صربها و مسلمانان بوسنی حایل شوند. شورای امنیت گفت که «مسلمانان نمی‌توانند بروند؛ چون ممکن است از طرف مسلمان درگیر در مناقشه، حمایت کنند». البته، این حرف غلطی بود. چون مسلمانان برای وساطت می‌رفتند و می‌خواستند بین طرفین نزاع حایل شوند؛

نه این که بجنگند. شورای امنیت، چنین ادعایی را مطرح کرد. اما در همین حال اجازه دادند که سربازان روسی که معلوم بود با صربها روابط دوستانه و صمیمی دارند، به عنوان سربازان سازمان ملل، به آن منطقه بروند و به عنوان حایل در آن جا حضور داشته باشند.

پس چرا این جا ملاحظه نکردند که سربازان روسی، از لحاظ مذهبی و از جهات پیوندهای گوناگون، با صربها ارتباط دارند؟! دنیا تصویر تانکهای سربازان روسی را که حامل آرم سازمان ملل بود، منتشر کردند. در آن تصاویر، نشان داده می شد که روسها وارد منطقه می شدند و صربها برایشان شعار می دادند، کف می زدند و هورا می کشیدند! هنوز هم مسلمانان بوسنی قربانی می شوند و سازمان ملل ککش نمی گزد! شورای امنیت هم به وظیفه خود عمل نمی کند.

فاجعه خونین حرم ابراهیمی

قضیه دوم، فاجعه خونین حرم ابراهیمی است. در این ماجرا اسرائیل می بایست شدیداً محکوم می شد. بایستی محاکمه می گردید و مجبور می شد مجازاتهایی را تحمّل کند. این کارها را بایستی سازمان ملل می کرد و نکرد. شورای امنیت هم در این قضیه به وظیفه خود به هیچ وجه عمل نکرده است. علت را در چه می بینیم؟ در نفوذ قدرتهای بزرگ، و در رأس آنها نفوذ امریکا بر شورای امنیت و بر شخص دبیر کل! این، نظر نظام جمهوری اسلامی و نظر ملت ایران است. ما با کسی دشمنی خاصی نداریم. مابه مقامات جهانی، بر حسب شأن و موقعیتشان، احترام می گذاریم. دبیر کل قبلی سازمان ملل، مکرر به ایران آمد. در آن زمان، رئیس جمهور، رئیس مجلس و مسؤولین وزارت خارجه، از او احترام و تکریم کردند. اگر دبیر کل به وظایف خود عمل کند، ما او را احترام می کنیم. اما به نظر ما و به نظر ملت ایران، دبیر کل فعلی سازمان ملل به وظیفه خود عمل نکرده است. این حرکت زشت اخیر که کمیسیون به اصطلاح حقوق بشر سازمان ملل انجام داد و در اقدامی مفتضحانه، جمهوری اسلامی را متهم کرد، از همین قبیل است. جلو چشمشان، اسرائیلیها صدها نفر مسلمان نمازگزار را به خاک و خون می کشند و بیش از هفتاد نفر را می کشند، اما آنها را محکوم نمی کنند!

ایستادگی ملت ایران در مقابل قدرتهای قلدر جهان

در این منطقه، کدام دولت و ملت را سراغ دارید که مثل دولت و ملت ایران، مردمی باشد، آزاد باشد و حکومتش در اختیار آرا و افکار مردم باشد؟! چنین مجلس و چنین آزادی ای که دولتمردان، از مردم، در میان مردم و با مردم باشند، کجا سراغ دارید؟ ملت ایران، برای خاطر خدا، برای حفظ استقلال و آزادی خود، برای خاطر ظلم ستیزی خود، برای این که روی پای خود بایستد، برای این که تحت نفوذ امریکا نباشد و برای این که گذشته ننگین دوران سلطنت را با رفتار شجاعانه و بزرگوارانانه خود به کلی بشوید و از بین ببرد، در مقابل همه قدرتهای قلدر ایستاده است و باز هم خواهد ایستاد. آینده این ملت، روشن است.

روزبه‌روز قدرت این ملت بیشتر و ریشه‌هایش عمیقتر می‌شود. روزبه‌روز سخن این ملت در جهان، خریدار بیشتری پیدا می‌کند و می‌بینید که امروز همین‌گونه است. ما امروز از ده سال گذشته، قویتر و در دنیا آبرومندتریم. ملت، به برکت اسلام و به برکت قرآن، مستقیمتر و شجاعتر و آماده پیگیری راه بزرگ و هدف عالی خود است.



عوامل پیروزی در عملیات بیت المقدس

۱- دانش نظامی و قوّت فرماندهی و هوشیاری و

استعداد جوانان مؤمن

۲- ایمان آگاهانه و شجاعت ناشی از آن

قوّت فرماندهی و دانش نظامی ناشی از ایمان آگاهانه

راه غلبه دشمن بر ملت مؤمن و با ایمان

مجاهدتی برای علاقه مندان به ملت و کشور

وجود کارهای بزرگ نیازمند به ایمان و غیرت دینی

عوامل پیروزی در عملیات بیت المقدس *

هزاران انسان فداکار و آگاه، با فهم موقعیت و شناخت نیاز زمان، در همان نقطه‌ای که باید در آن حضور داشته باشند، حضور پیدا کردند؛ نتیجه یک حماسه تاریخی و ماندگار شد. حماسه فتح خرمشهر و عملیات عظیم بیت المقدس، در تاریخ این کشور خواهد ماند. هم در آن روزی که این حادثه اتفاق افتاد، هم هر وقت که این گونه حوادث برای افکار مردم تشریح گردد و توضیح داده شود، وسیله‌ای برای تجدید حیات ملی و آسان کردن راه عزت و عظمت برای یک ملت می‌شود. عزیزان من! عملیات بیت المقدس و عملیات عظیمی که در آن روزها اتفاق افتاد، کار پیچیده عظیمی بود که از دو عامل ترکیب شده بود:

۱- دانش نظامی و قوت فرماندهی و هوشیاری و استعداد جوانان مؤمن

عامل اول، دانش نظامی و قوت فرماندهی و هوشیاری و استعداد جوانان مؤمن ما بود. در آن روز کسانی وانمود می‌کردند - و شاید امروز هم بعضی خیال کنند - که عملیاتی مثل عملیات بیت المقدس، فقط یک هجوم انبوه انسانی بود! اینها سخت در اشتباهند. هیچ امواج انسانی، بدون فرماندهی قادر قاطع هوشیار، نمی‌تواند هیچ عملی را انجام دهد. در جنگ نظامی، سازماندهی و عملیات و فرماندهی و تاکتیک و دقت نظر و موقع شناسی و دهها عامل در کنار هم، دانش نظامی را به وجود می‌آورد و استعداد و نبوغ نظامی را نشان می‌دهد. این اتفاق، در عملیات فتح خرمشهر - یعنی همان عملیات بیت المقدس - روی داد، که همین شهید عزیز اخیر ما - شهید صیاد شیرازی - یکی از

کارگردانان اصلی این عملیات بود و خود او مثل ظهر چنین روزی، از آن جا با تلفن با بنده تماس گرفت و مزده پیروزی را داد و گفت سربازان عراقی صف طولانی کشیده‌اند تا بیایند اسیر شوند! ببینید این عملیات چقدر هوشمندانه و قوی و همه‌جانبه بود که نیروهای دشمن احساس اضطراب می‌کردند که برای حفظ جان خودشان بیایند خود را تسلیم اسارت کنند! که در آن روز هزاران نفر از نیروهای دشمن متجاوز - که آن همه با غرور و تکبر، فریاد سر داده بودند - آمدند دودستی خودشان را تسلیم رزمندگان اسلام کردند! بنابراین، یک عامل از دو عامل مهمّ چنین پیروزیهای مهمّی، قدرت فرماندهی، دانش، مسلط بودن بر عملیات پیچیده جنگ و توان بکارگیری نیروها بود، که آن روز هم دشمنان ما در تبلیغات خودشان اینها را مخفی می‌کردند و می‌گفتند ایران امواج انسانی را به جنگ فرستاد! مگر امواج انسانی می‌تواند پیروز شود؟! چند قبضه مسلسل از چند طرف کار بگذارند، همه امواج انسانی را درو خواهد کرد. نخیر، فقط امواج انسانی نبود؛ فقط انبوه جمعیت نبود؛ قوت سازماندهی بود، قوت اراده بود، نیروی نظامی بود.

۲- ایمان آگاهانه و شجاعت ناشی از آن

عامل دوم که از عامل اول مهمتر است، نیروی ایمان و شجاعت ناشی از قوت ایمان رزمندگان و مردم و جوانان بود؛ یعنی عشق ایمانی - نه عشق حیوانی، نه عشق مادی، نه عشق به چیزهای خرد و حقیر - عشق به ارزشها؛ عشق به آرمانهای الهی و اسلامی؛ همان چیزی که کشته شدن در راه خدا را برای کسی که چنین عشقی را دارد، شیرین می‌کند؛ نه این که آسان می‌کند، شیرین می‌کند. پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمود: «یا علی! آن روزی که به تو ضربتی می‌زنند و این ضربت، به شهادت منتهی خواهد شد، صبر تو چگونه خواهد بود؟» امیرالمؤمنین عرض کرد: «یا رسول الله! این موضع صبر نیست؛ این موضع شکر است^۱». کسی که در راه خدا به شهادت می‌رسد، بزرگترین شاکر خدا برای این حادثه، خود اوست؛ زیرا که چنین نعمت بزرگی را خدای متعال به او داده است. چه چیزی یک رزمنده، یک جوان و یک انسان را در میدانهای گوناگون، این گونه به روشن بینی می‌رساند؟ ایمان آگاهانه. عزیزان من! این ایمان آگاهانه در رزمندگان، موجب این می‌شد که خطر را به هیچ بگیرند. در فرماندهان موجب این می‌شد که لحظه‌ای به راحتی خود و یا به خطر برای خود فکر نکنند. شب و روز تلاش و کار کردند؛ حیثیت حقیر خودی را نادیده گرفتند؛ برای خدا و برای اهداف اسلام و برای آزادی و سربلندی ملت مسلمان، حاضر شدند جان خودشان را بدهند. هر ملتی که این طور احساسی در او باشد، شکست خوردنی نیست. چه کسی می‌تواند چنین ملتی را شکست دهد؟ همه زورگوییهای قلدران دنیا به این است که جان کسی را تهدید کنند؛ بالاترینش این است. اگر کسی حاضر شد جان خود را در راهی بدهد، دیگر چه تهدیدی بر او کارگر خواهد شد؟

قوت فرماندهی و دانش نظامی ناشی از ایمان آگاهانه

من می‌خواهم عرض کنم، حتی همان عامل اول هم - یعنی آن قوت فرماندهی و دانش نظامی و تسلط بر امر نظامی گری - از این عامل دوم ناشی شد. همین نیروی ایمان بود که توانست ارتش و سپاه و بقیه عناصری را که در جنگ شرکت داشتند - مثل نیروهای مردمی، مثل جهاد سازندگی، مثل عشایر - به نقطه‌ای برساند که بتوانند یک نیروی عظیم نظامی را با یک فرماندهی قوی و قاطع به وجود آورند. این ایمان و این عشق معنوی بود که آن استعداد را در آنها به جوشش درآورد، و الا ما قبل از این هم در این کشور جنگهایی داشتیم که نیروهای ما نتوانستند آن جایگاه شایسته را برای خود کسب کنند. این قوت ایمان بود که قدرت فرماندهی را پدید آورد. پس، همه چیز به این برمی‌گردد که اگر جوانان و مردم یک کشور، ایمانشان به خدا، ایمانشان به هدف، احساس فداکاریشان در راه هدف، احساس این که خود را جزو حزب الله و جندالله بدانند، تقویت شد، این ملت شکست‌ناپذیر می‌شود.

راه غلبه دشمن بر ملت مؤمن و با ایمان

من می‌خواهم بعد از این حرف، بلافاصله یک حرف دیگر را عرض کنم، و آن این است که اگر این ملتی که با نیروی ایمان و با شجاعت ناشی از ایمان توانسته کار بزرگی را انجام دهد، یک دشمن داشته باشد، این دشمن چه کار می‌کند؟ خودتان فکر کنید. راه غلبه دشمن بر چنین ملتی چیست؟ راه غلبه دشمن این است که این عامل معنوی را از این ملت بگیرد. این دشمن می‌داند که تا وقتی در این مردم، همان روحیه ایمان - آن اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دلبستگی به هدفها - باشد، این ملت قابل دسترسی نیست. چه کار باید بکند؟ باید تلاش کند تا ایمان را در آنها ضعیف کند؛ آرمانهای الهی را در ذهن آنها کمرنگ کند؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد. این کار هم با شمشیر و با ابزار مدرن و فوق مدرن نمی‌شود؛ این کار با تبلیغات می‌شود. از بعد از جنگ، بلکه در اثنای جنگ، این تبلیغات دشمن شروع شده است و تا امروز ادامه دارد.

مجاهدتی برای علاقه‌مندان به ملت و کشور

من عرض می‌کنم، هر کس که به سرنوشت این ملت و این کشور علاقه‌مند است، باید در راه تقویت ایمان این ملت، در راه تقویت ایمان جوانان، در راه تقویت تدین جوانان و در راه تقویت پیوند جوانان با آرمانهای اسلامی مجاهدت کند. هر کس که ضد این عمل کند، به سرنوشت این ملت علاقه‌مند نیست؛ یا جزو نیروی دشمن است، یا فریب خورده است. این جاست که وظیفه آگاهان و روشنفکران و گویندگان و نویسندگان و مسؤولان و هر عنصر از عناصری که می‌تواند بر روی ذهن

مردم اثر بگذارد، روشن می‌شود. دشمن از ایمان و از غیرت دینی مردم سیلی خورده است؛ او حق دارد که با غیرت دینی دشمن باشد؛ اما دوست نباید به او کمک کند. آن کسانی که به عزت ایران اسلامی علاقه‌مندند، باید تلاش کنند که روز به روز بر غیرت دینی مردم و جوانان و پایبندی آنان بیفزایند. بحمدالله جوانان مملکت، جوانان مؤمن و سالمی هستند. خوشبختانه نسل جوان ما، یک نسل سالم است. نگاه نکنید به موارد استثنایی در گوشه و کنار که تحت تأثیر تبلیغات دشمن، رفتارها و گفتارها و ذهنیتهای غلطی را از خودشان نشان می‌دهند؛ اینها نمایشگر نسل جوان ما نیستند. نسل جوان ما همان نسلی است که امروز هم اگر پای امتحان پیش آید، اگر صحنه خونین شهر پیش آید، اگر میدان مجاهدت فی سبیل الله پیش آید، نشان خواهد داد که از بن دندان به اسلام پایبند است.

وجود کارهای بزرگ نیازمند به ایمان و غیرت دینی

آن روز جوانان ما با جوشش استعدادهای خودشان توانستند آن کارهای بزرگ را بکنند؛ امروز هم ما کارهای بزرگی در مقابل خودمان داریم. ولو از نوع جنگ و از نوع حضور در جبهه‌ها نیست؛ اما کارهای بزرگ، همیشه بزرگ است و همیشه به ایمان، به صفا، به غیرت دینی، به ایستادگی در راه خدا و به آشتی‌ناپذیری با دشمن احتیاج دارد. این را جوانان ما دارند و ان شاء الله باز هم خواهند داشت. امیدواریم به برکت و حرمت خونهای معطر و مطهر جوانان ما که در عملیات بیت المقدس و عملیات قبل از آن و بعد از آن، و در طول دوران انقلاب تا امروز، در راه خدا ریخته شده است، ان شاء الله جوانان و مردم ما همیشه در راه خدا ثابت قدم و استوار باشند و دشمن را ناکام کنند و دشمن نتواند جای پایي در ملت ما پیدا کند و ان شاء الله پیدا نخواهد کرد.

احساس عزّت، استقلال و خودباوری ملی، برکات جنگ برای امروز و فردا

- تبدیل فرصت جنگ به سرمایه توسط ملتها
- حادثه تلخ تاریخی برای ملت ایران
- افتخار آفرینی ملت در جنگ
- دلیل حمایت یکپارچه کشورها از عراق
- اراده خدا، تابع اراده ملت
- چیزی که ملت ایران در جنگ بدست آورد
- روایتگری درست نسبت به جنگ
- مطالبه‌گری از جامعه فرهنگی و هنری کشور
- نسبت به دفاع مقدس
- مسائلی نسبت به جنگ که در آثار هنری ما پرداخته نشده
- خدمت جامعه هنری به ملت ایران در موضوع دفاع مقدس
- موضوعی جذاب برای هنرمندان
- تمرکز آثار بزرگ دنیا بر روی قهرمانی‌های ملتها
- و...

احساس عزت، استقلال و خودباوری ملی، برکات جنگ برای امروز و فردا *

تبدیل فرصت جنگ به سرمایه توسط ملت‌ها

جنگ، یکی از محیط‌ترین حوادث برای یک ملت است. ما همگی این را با وجود خودمان، با گوشت و پوست و احساس و ادراک خودمان مشاهده کردیم. این نیست که فقط در تاریخ چیزی خوانده، یا به آمارها مراجعه کرده باشیم. لیکن نکته مهم این است که ملت‌ها می‌توانند این حادثه پرخسارت را به یک فرصت و به یک سرمایه تبدیل کنند. می‌دانید؛ خسارت جنگ هم فقط این نیست که عزیزان ملت به کام مرگ کشانده می‌شوند یا ویرانی‌هایی به بار می‌آید و سرمایه‌هایی بر باد می‌رود. اگر در جنگی عزم ملی و خردمندی سردمداران کشور به کمک کشور نیاید، آن سرافکنندگی و ذلت و هزیمت معنوی‌ای که بر دوش آن ملت سنگینی خواهد کرد، شاید از همه این خسارت‌ها بالاتر است.

حادثه تلخ تاریخی برای ملت ایران

امروز بیش از صدوپنجاه سال و نزدیک به دویست سال از قرارداد ننگین ترکمانچای می‌گذرد. هر ایرانی که آن تاریخ را بخواند، بعد از گذشت نزدیک به دو قرن، در روح خود احساس شرمساری، حقارت و شکست می‌کند و از خود می‌پرسد: چطور در حادثه‌ای به آن عظمت، سردمداران کشور قادر نشدند عزم ملی و سرمایه‌های مادی و معنوی کشور را به کمک هویت ملی این کشور به میدان بیاورند؟! لشکر مهاجم دشمن تا قلب کشور آمد؛ بعد با التماس و درخواست و پیشکش

دادن و وساطت دشمنانِ دوست‌نما و خسارتهای فراوان ملی و آن اهانت‌هایی که به ملت ایران شد، قبول کرد که قدری عقب بنشیند، در حالی که هفده شهر قفقاز را از ایران گرفته و کشور را از بخشی از پاره تن خودش محروم کرده بود! امروز هم که شما این حادثه را در ذهن خودتان یا در کتاب تاریخ مرور کنید و ببینید بر ملت ایران در آن حادثه تلخ چه گذشت، احساس خجالت و احساس سرافکنندگی و ذلت می‌کنید. همین‌طور شبیه این، در حوادث جنگ بین‌الملل دوم، همین‌شهر تهران محل خودنمایی و پُز دادن افسران کشورهای مختلف شد که در خیابانها راه بروند، به ایرانی‌ها چشم تحقیر نگاه کنند، از او کار بکشند، به او اهانت و به نوامیس او تجاوز کنند. این یک نوع بود، آن نوع دیگری بود. اینها نشانه یک خسارت بزرگ برای یک ملت در یک جنگ است.

🏆 افتخار آفرینی ملت در جنگ

در جنگی که در سال ۱۳۵۹ در این کشور رخ داد، همه این حوادث ممکن بود. آنهاپی که می‌خواستند قطعه‌ای از خاک ایران را از ایران جدا کنند، هدفشان فقط این نبود که ایران را از آنچه که هست، قدری کوچکتر کنند. هدف این بود که این ملت را برای قرن‌ها - حداقل یک قرن، دو قرن - با احساس حقارت سر جای خود بنشانند. و در مردمی که جرأت کرده بودند مقابل امپراتوری عظیم استکبار جهانی قیام کنند؛ بر خلاف همه عرفهای بین‌المللی، یک حکومت صددرصد مردمی را که به هیچ قدرتی در دنیا باج نمی‌دهد، سر کار بیاورند، روحیه شجاعت و خودباوری را بمیرانند. آنچه که برای آنها غایت مطلوب بود، این بود. و این می‌شد. اگر آن کاری که رزمندگان کردند، آن کاری که خانواده‌ها کردند، آن کاری که بسیج عمومی ملت کرد، آن کاری که گزارشگران این صحنه‌های شرف کردند و در مقابل چشم مردم قرار دادند و آن کاری که آن سلسله‌جنبان همه این افتخارها کرد؛ نمی‌بود، همین می‌شد؛ تردید نداشته باشید. قطعه‌ای از خاک ایران را می‌گرفتند، بعد با قدری چک و چانه مقداری از آن را پس می‌دادند و منت هم سر ملت ایران می‌گذاشتند - البته در طول سالهای متمادی و قطعاً بیش از هشت سالی که جنگ طول کشید این کار را می‌کردند - بعد ملت ایران هر وقت به آن منطقه از کشور خود می‌نگریست، احساس حقارت می‌کرد!

🏆 دلیل حمایت یکپارچه کشورها از عراق

این که شما دیدید پشت سر عراق، غرب یکپارچه قرار گرفت؛ شوروی و تمام اروپای شرقی یکپارچه قرار گرفتند؛ عربهای خلیج فارس و حکومت‌های خلیج فارس که تابع اشاره امریکا بودند، یکپارچه قرار گرفتند و همه به عراق کمک کردند؛ هدفشان این نبود که چند شهر را از ایران بگیرند و به عراق بدهند یا یک دولت مستقل درست کنند. هدف، نابود کردن ملت ایران بود.



هدف، صاف کردن آن حفره‌هایی بود که ملت ایران در دستگاه اقتدار امپراتوری استکبار به وجود آورده بود.

✪ اراده خدا، تابع اراده ملت

اما خدا نخواست. «خدا نخواست»، یعنی چه؟ یعنی اگر احاد ملت ایران غفلت می‌کردند و می‌خوابیدند؛ رزمندگان به جبهه نمی‌رفتند؛ امام نمی‌غزید و سینه سپر نمی‌کرد و نمی‌ایستاد و این همه استعداد و نیرو در این راه بسیج نمی‌شد؛ باز هم خدا همین‌طور می‌خواست؟ نه، اراده خدای متعال به نفع یک ملت، تابع اراده آن ملت است. هیچ حقیقت و واقعیتی در متن زندگی یک ملت به اراده‌ی الهی تغییر پیدا نمی‌کند؛ مگر وقتی که خود آن ملت بر آن همت بگمارد. این صریح آیات قرآنی و جزو معارف قطعی دینی است.

✪ چیزی که ملت ایران در جنگ بدست آورد

این خسارتی که بنا بود به وجود آید - و اگر عزم ملی و تدبیر و خردمندی سردمداران و مسؤولان کشور و اخلاص و جدیت کسانی که در این راه قدم گذاشتند، نمی‌بود، قطعاً این پیش می‌آمد - با این عزم ملی و با این ایمان، تبدیل به یک فرصت شد. آری؛ مادر جنگ، بسیار جانهای عزیز را از دست دادیم و خسارت‌های مادی و معنوی زیادی هم تحمل کردیم؛ اما چیزی در دل این ملت جوشید که برکات و ارزشش برای امروز و فردای این ملت، از همه چیز بالاتر است و آن، احساس اتکاء به نفس، احساس عزت، احساس استقلال، احساس خودباوری ملی عظیم و احساس اعتقاد به این بود که اگر یک ملت حول محور ایمان به خدا و عمل صالح جمع شوند، معجزات نشدنی یکی پس از دیگری قابل شدن خواهد شد. این در زندگی ما اتفاق افتاد.

✪ روایتگری درست نسبت به جنگ

عزیزان من! آنچه که این قضیه را تمام می‌کند، این است که روایت این حادثه به درستی صورت گیرد. نقش شما این جا معلوم می‌شود. شما هر کدامتان - شاید اکثرتان یا همه‌تان - به این میدانهای جنگ رفتید و در آن جا حضور پیدا کردید. آنهایی هم که سنشان آن وقت اقتضاء نمی‌کرده است، از مسائل آن آگاه شده‌اند. اگر این حادثه بزرگ، درست روایت شود، این اثرات ماندگار خواهد شد. اگر غلط روایت شود، یا روایت نشود، این تأثیرات بسیار کم خواهد شد. نه این که به کلی از بین برود؛ لیکن بسیار کم خواهد شد. اگر خدای نکرده مغرضانه روایت شود، قضیه بعکس خواهد شد.

مطالبه‌گری از جامعه فرهنگی و هنری کشور نسبت به دفاع مقدس

این هشت سال دوره دفاع مقدس، شامل هزاران هزار حادثه است. من می‌خواهم این را از جامعه فرهنگی و هنری کشور مطالبه کنم که از این هزاران هزار حادثه، لااقل یک فهرست تهیه کنند. بنشینند فکر کنند و در حوادث جنگ، دقت نظر هنرمندان به خرج دهند؛ یک فهرست از این حوادث به وجود آورند؛ بعد این را بگذارند در قبال کارهای هنری‌ای که تا امروز درباره‌ی جنگ شده است - که البته بسیار هم ارزشمند است - ببینند که چقدر از این فهرست را ما پُر کرده‌ایم. من اعتقاد این است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که ما یک هزارم آنچه را که درباره این جنگ می‌باید تبیین کرد و می‌توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم! من غالب آثار هنری جنگ را یا دیدم یا شنیدم؛ البته در این سالهای اخیر کمتر. در دوره جنگ و سالهای اوایل بعد از جنگ، غالب این نوشته‌ها و روایت‌های تصویری و روایت‌های سینمایی و غیره را غالباً یا دیدم یا گزارشی از آنها به دست آوردم. قطعاً آثار باارزشی در بین اینها وجود دارد؛ لیکن همه اینها در مقابل آن گنجینه عظیمی که در این دفاع هشت ساله به وسیله ملت ایران به وجود آمد، چیز کمی است.

مسائلی نسبت به جنگ که در آثار هنری ما پرداخته نشده

همه جنگ، داخل جبهه‌ها نیست. بسیاری از مسائل جنگ، داخل خانه‌هاست؛ در راه‌هاست؛ داخل دلهاست؛ در مجموعه‌های تصمیم‌گیری است؛ در مجامع بین‌المللی است. ببینید؛ ما در دوره جنگ، از طرف مجامعی که ادعا می‌کردند در مسائل جهانی بیطرفند، در مقابل یک اعمال غرض‌واضحی قرار گرفتیم. ادعاهای بسیار بزرگی هم می‌کردند. کسانی که امروز شما می‌بینید درباره سلاحهای کشتار جمعی و سلاحهای شیمیایی و میکروبی و از این حرفها داد سخن می‌دهند و جزو مسائل واضح می‌شمرند، اینها به رژیم عراق و ارتش عراق سلاح شیمیایی دادند؛ برایش ساختند و یا امکان ساخت آن را برایش فراهم کردند. دو قطب بزرگ دنیای آن روز - یعنی قطب امریکا و قطب شوروی سابق - مشترکاً با همه ساز و برگشان به کمک عراق آمدند. اینها کجا و در کدامیک از این آثار هنری ما درست تبیین و تشریح شده است؟

من بارها گفته‌ام، ما یک وقت می‌خواستیم برای جبهه‌ها سیم خاردار - که در داخل کشور نداشتیم و تولید نمی‌شد - از جایی وارد کنیم. همین شوروی سابق اجازه نداد ما سیم خاردار را از داخل کشور عبور دهیم و به ایران بیاوریم. گفت این وسیله جنگی است! یعنی ادعا این بود که آنها به دو طرف جنگ کمک نمی‌کنند! این در حالی بود که هواپیمای روسی، موشک روسی، کارشناس روسی، افسر روسی، مواد منفجره روسی و تمام امکانات روسی، آن طرف جبهه در اختیار دشمن و طرف مقابل ما در این جنگ بود!

همین اروپای به اصطلاح طرفدار حقوق بشر و در مقام صحبت، با نزاکت و ادب و اتو کشیده - چه قسمت شرقی شان؛ همین یوگسلاوی فعلی و بقیه کشورهای بلوک شرق آن روز، و چه قسمت غربی شان؛ یعنی همین آلمان و بقیه - آنچه توانستند، به عراق کمک کردند، ولی حاضر نبودند ساده‌ترین چیزها را به ایران بفروشند. اگر یک وقت هم از طرفی دولت جمهوری اسلامی می‌توانست چیزهایی را از اینها بگیرد، با چند برابر قیمت و با زحمت می‌توانست به دست آورد! البته هدفشان معلوم بود - من اول عرض کردم - بحث بر سر این بود که این عزت ملی که به وسیله حرکت عظیم انقلابی مردم ایران به وجود آمده است، باید از بین برود. رخنه‌ای که به وسیله انقلاب در اقتدار فرهنگ غربی و سلطه غربی و نظام سلطه جهانی به وجود آمده است، باید پُر شود. هدف آنها این بود؛ به هر حال به این سیاست رسیده بودند. اینها کجای آثار هنری ما، در کدام فیلم یا نمایشنامه یا بقیه آثار هنری منعکس شده است؟ آیا قابل انعکاس نیست؟ آیا برای نسلهای آینده ایران تجربه آموز نیست؟

📌 خدمت جامعه هنری به ملت ایران در موضوع دفاع مقدس

امروز ما می‌بینیم وقتی که راجع به دفاع مقدس و جنگ هشت ساله و این عظمت مطلق که ملت ایران آفرید، صحبت می‌شود - که مهمترین موضوع هنری است و یک هنرمند درباره این گونه شکوه‌های ملی، خوب می‌تواند قلمفرسایی یا میداننداری کند - بعضی از آثار در گوشه و کنار پیدا می‌شود که نه فقط عظمت را نمی‌بینند؛ می‌گردند یک نقطه ضعفی، یا واقعی، یا حتی پنداری، پیدا می‌کنند و آن را مورد مذاقه قرار می‌دهند! هدف از این کارها چیست؟ چرا باید ما این فرآورده‌ی عظیم ملت ایران را ندیده بگیریم؟! این خدمت به ملت ایران است که در تهاجمی که به مرزهای او، به شخصیت او، به عزت او، به تاریخ او، به هویت ملی او شده است - این گونه مردانه ایستاده و این طور شجاعانه دفاع کرده - ما بیاییم آن را زیر سؤال ببریم؛ آن هم با زبان هنر؟! این کارها را می‌کنند. اینها به نظر من تصادفی هم نیست؛ یعنی نمی‌شود گفت حالا یک هنرمند به این فکر افتاده که می‌شود این گونه عمل کرد؛ نه. به نظر من غیرعادی می‌آید. البته تقصیر از مسؤولان و سردمداران مسائل هنری و فرهنگی کشور است؛ آنها هم باید سازماندهی کنند؛ باید کار کنند.

📌 موضوعی جذاب برای هنرمندان

این ملت آنچه که داشت، در طبق اخلاص گذاشت و آمد. مرد روستایی و زن روستایی، مرد و زن مستضعف شهری، خانواده‌های گوناگون، جوانهای فراوان، قشرهای مختلف، سازمانهای رزمنده کشور - ارتش، سپاه، حتی نیروی انتظامی و بسیج عظیم مردم - همه اینها آمدند وارد میدان شدند. حقیقتاً

ملت ایران در آن هشت سال، کار بزرگی را انجام داد. در تاریخ این چندین قرنی که می‌تواند به مسائل امروز ما متصل شود، بنده سراغ ندارم که ملت ایران این گونه با طوع و رغبت وارد یک ماجرای عظیم نظامی شده باشد و از دل و جان مایه گذاشته باشد؛ با ایمان خود، با عاطفه خود، با دست خود. در دورانه‌های مختلف، حتی در دوران صفویه که جنگ‌های بزرگ و کارهای بزرگی هم شد، این چیزهایی که امروز ما مشاهده می‌کنیم، اصلاً وجود نداشته است. دلایل روشنی هم دارد؛ نه این که نشود اینها را تحلیل کرد؛ معلوم است چرا. به هر حال این پدیده در تاریخ ایران ما یک پدیده حقیقتاً بی‌نظیر؛ یا اگر احتیاط کنیم، بگوییم کم‌نظیر بود. این پدیده به این بزرگی، آن هم با این همه شکوه و با این همه زیبایی. چه موضوعی برای یک هنرمند از این جذاب‌تر؟

🌸 تمرکز آثار بزرگ دنیا بر روی قهرمانی‌های ملت‌ها

آثار بزرگ هنری دنیا را نگاه کنید؛ بسیاری از آنها بر روی قهرمانی‌های ملت‌ها متمرکزند؛ حتی آن جایی که شکست خوردند. در لشکرکشی ناپلئون به روسیه، دو نفر روایتگر بزرگ هنری، این ماجرا را روایت کردند: یکی فرانسوی است که ویکتور هوگوست؛ یکی روسی است - طرف شکست خورده، که اول کار شکست خورد - که تولستوی است. آن طرف پیروز طبعاً گزارشهایی را ممکن است بدهد؛ اما شما ببینید، در این کتاب آن طرف شکست خورده، شکست را آن چنان تصویر می‌کند که مایه غرور و سربلندی ملت است. یعنی در حرکت ملت، آن نقاط ارزشمندی را که یک هنرمند می‌تواند ببیند، اینها را بیرون می‌کشد، برجسته می‌کند، رنگ و روغن می‌زند و جلو چشمها می‌گیرد.

🌸 کار اصحاب هنر و فرهنگ بعد از اتمام جنگ

ما در این ماجرای هشت ساله، یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوییم فلان جا را می‌خواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم؛ قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و می‌خواست بخشی از خاک ما را بگیرد؛ همه دنیا هم به او کمک کردند؛ ما هم مردانه ایستادیم؛ ناکام شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت. پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی را با همین ابعاد، با همه خصوصیات که در آن وجود دارد، با همه آن هزاران هزار ماجرای که آن را به وجود آورده است، ما باید روایت کنیم. این کار هنرمندان عزیز ماست؛ کار نویسندگان است؛ کار سینماگران است؛ کار شاعران است؛ کار نقاشان است؛ کار اصحاب فرهنگ و هنر است.

امروز کار عده‌ای که به میدان جنگ رفتند و در این هشت سال، آن حماسه را آفریدند - چه شهیدایشان، چه ایثارگران، چه رزمندگان - دیگر تمام شد. آنها کار خودشان را کردند. پس

از پایان کار آنها، کار یک خیل عظیم دیگری آغاز می‌شود؛ علاوه بر گزارشهایی که در دوران جنگ دادند. همین دوره جنگ، چقدر برای ما هنرمند درست کرد؛ چقدر شخصیت‌های برجسته درست شدند! غیر از آن، بعد از پایان جنگ، نوبت این خیل عظیمی است که این دیگر مسأله‌اش هشت سال نیست؛ هشتاد سال هم اگر طول بکشد، جا دارد.





ثمرات بسیج



بسیج معجزه انقلاب و کار عظیم امام (ره) 

ثمرات عظیم بسیج: 


۱- استحکام هرچه بیشتر پایه‌های نظام 

جمهوری اسلامی

۲- تجسم و معنا شدن عالی‌ترین مضامین انسانی 

۳- پاسداری از هویت ملی و دینی 

دامنه بسیار وسیع برای حضور بسیج 

احتیاج امروز کشور 

نتیجه منزوی شدن معنویت در دنیا 

مسئولیت عظیم بسیج 

نگاه مسؤولان نیروی مقاومت به بسیج 

مسئولیت نیروی مقاومت نسبت به بسیج عظیم ملی 



❁ بسیج معجزه انقلاب و کار عظیم امام(ره)

این جمع عظیم، نمایشی از بخشی از توان عظیم و پُرشکوه ملت ایران است؛ یعنی توان بسیج، بسیج، یکی از معجزات انقلاب و از کارهای عظیمی بود که امام بزرگوار ما با آن دید و بصیرت نافذ و تدبیر حکیمانه‌ی الهی، این نهال برومند و پُرثمر و مبارک را به وجود آورد. بسیج در آن روزی که با فرمان امام بزرگوار در سرتاسر کشور اسلامی مانند گیاه معطر و مبارکی شروع به رویش کرد، کشور نهایت نیاز را به یک حرکت عمومی و برخاسته‌ی از ایمان و اخلاص و صفا داشت؛ این پاسخ به یک نیاز حقیقی بود. دست قدرتمند امام، بذر بسیج را در سرتاسر این کشور پاشید - بدون این که برای تحلیلگران، سیاسیون سابقه‌دار و حتی انقلابیون قدیمی و مخلص، قابل پیش‌بینی باشد - و این بذر مبارک در همه‌ی زوایای کشور رویداد، بالید و ثمربخش شد.

❁ ثمرات عظیم بسیج:

❁ ۱- استحکام هر چه بیشتر پایه‌های نظام جمهوری اسلامی

یکی از ثمرات عظیم بسیج این است که به برکت آن، سپاه پاسداران از یک سازمان کوچک و محدود، به یک سازمان رزمی کارآمد و وسیع تبدیل شد و توانست آن امتحانهای سرفراز کننده را در طول دوران جنگ تحمیلی و پس از آن در مقابل چشم ملت ایران از خود نشان دهد. اگر این گیاه پُربرکت و پُرثمر در این

سرزمین نمی‌روید، یقیناً سرنوشت جنگ غیر از آن چیزی بود که پیش آمد. جنگ را به ما تحمیل کردند تا بتوانند ملت ایران را تحقیر کنند؛ اما بسیج با حضور قدرتمندانه‌ی خود - که نشانه‌ی عزت ملت ایران بود - عملاً عکس این را نشان داد و ثابت کرد. جنگ را تحمیل کردند تا نظام مبارک جمهوری اسلامی را به ناتوانی در اداره‌ی مرزهای کشور متهم کنند؛ اما بسیج با حضور در سازمانهای نیروهای مسلح و با فداکاری عمومی، موجب استحکام هر چه بیشتر پایه‌های نظام جمهوری اسلامی شد. معلوم شد که مسأله‌ی دفاع از مرزها در ایران اسلامی، مانند اغلب کشورهای دنیا نیست که فقط متکی به نیروهای سازمان‌یافته باشند - گاهی ممکن است کار آمد باشند، گاهی هم نباشند - بلکه به اراده‌ی ملت ایران متکی است.

۲- تجسم و معنا شدن عالی‌ترین مضامین انسانی

در دوران جنگ تحمیلی، بسیج درخشید. عالی‌ترین مضامین انسانی، در بسیج معنا شد و تجسم یافت. پُر جاذبه‌ترین جلوه‌های هستی، در بسیج خود را نشان داد. در دنیایی که خودخواهی و خودپرستی و حرص و هوای نفس، اغلب حوادث آن را رقم می‌زند، بسیج مظهر عشق و ایثار و فداکاری و گذشت و نگاه حکیمانه‌ی یک جوان به عالم وجود شد. چقدر جوان فداکاری که در دوران جنگ تحمیلی به برکت بسیج، مثل پیران سالک راه خدا، حقایق هستی را شناختند و راه به معنویتی بردند که انسانهای معمولی با سی سال، چهل سال تلاش نمی‌توانستند به آن حقایق و چشمه‌های فیاض برسند. آنچه را که ما در تاریخ خوانده بودیم، در زمان خود دیدیم. در جنگ، مجروح تشنه‌ی آب را از لبان خود بگیرد و به لبان تشنه‌ی مجروح دیگر برساند و او هم به سومی بدهد و هیچکدام فرصت پیدا نکنند کام تشنه‌ی خود را در هنگامه‌ی شهادت سیراب کنند و به خاطر ایثار، تشنه شهید شوند. هر کس اینها را می‌خواند، داستانهای تمام‌شده‌ی تاریخ به حساب می‌آید و فکر نمی‌کرد قابل تکرار باشد؛ اما صدها و هزارها بار این جلوه‌های فضیلت، به وسیله‌ی جوانان پاک و خالص بسیجی در جبهه‌های جنگ تکرار شد. بسیج مثل ستاره‌ی درخشانی شد؛ هم سرنوشت جنگ را با حضور خود تحت تأثیر قرار داد؛ هم به نیروهای مسلح - ارتش و سپاه - روحیه بخشید و هم توانست در پشت جبهه، کانونهای عظیمی از معنویت و عشق و خدمت و ایثار به وجود آورد؛ زن و مرد و پیر و جوان به این میدان آمدند و آبدیده شدند.

۳- پاسداری از هویت ملی و دینی

بعضی تصور کردند که با پایان جنگ، بسیج هم پایان خواهد گرفت. بعضی هم صلاح‌اندیشی کردند که با پایان دوران جنگ، دیگر احتیاجی به بسیج نیست! فکری که از نور بصیرت معنوی برخوردار نیست، بهتر از این محصولی نمی‌دهد. بسیج، آن روز از مرزهای نظامی جغرافیایی کشور دفاع کرد و در میدان رزم توانست خود را نشان دهد؛ اما مگر مرزهای دفاعی انقلاب فقط به مرزهای جغرافیایی منحصر می‌شود؟ از بزرگترین مسؤولیتهای یک مجموعه‌ی بسیج در کشور این است که از هویت ملی و دینی پاسداری می‌کند



و باید پاسداری کند. بسیج، یعنی حضور در میدانهایی که نظام اسلامی، وظیفه‌ی انسانی و الهی و نیازهای کشور، حضور او را در آن میدانها لازم می‌داند و او را به آنها فرا می‌خواند. بسیجی، هر یک از آحاد ملت است که در هر جایی که به حضور او نیاز هست، آماده باشد.

❖ دامنه بسیار وسیع برای حضور بسیج

دامنه‌ی بسیج، بسیار وسیع است. بسیج را نباید در نیروی مقاومت بسیج خلاصه کرد. نیروی مقاومت بسیج با فعالیت و ابتکار و حضور خود، مانند لکوموتیوی است که قطار عظیم بسیج ملت ایران را به پیش می‌راند. بنابراین دامنه‌ی بسیج، بسیار وسیعتر از نیروی مقاومت بسیج است. کشور به نیروی مقاومت بسیج نیاز دارد؛ اما به بسیج عظیم مردمی در همه‌ی میدانهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و - آن وقتی که لازم باشد - نظامی نیز نیازمند است. وظیفه‌ی نیروی مقاومت بسیج، الگو شدن برای همه‌ی جوانان بسیجی در کشور است. جوانی که در نیروی مقاومت بسیج به عنوان یک نیروی بسیجی، خود را خدمتگزار اهداف انقلاب و آرمانهای اسلامی می‌داند، باید چنان خود را بسازد که مثل شمعی پروانه‌ها را به دور خود جمع کند و سازندگی علمی، اخلاقی، معنوی، فکری و سیاسی داشته باشد.

❖ احتیاج امروز کشور

امروز کشور احتیاج دارد که فضای عمومی آن، فضای معروف، اقامه‌ی حق، اقامه‌ی عدالت و میل به معنویت باشد. نظام اسلامی فقط به این اکتفا نمی‌کند که زندگی اقتصادی و مادی مردم را آباد کند. این یکی از وظایف حتمی اوست؛ اما در کنار این وظیفه، اقامه‌ی معروف، اقامه‌ی روح دینی، استقرار اخلاق اسلامی، استقرار روح برادری و صمیمیت در میان همه‌ی آحاد ملت و احیای روح عزت و استقلال - روحیه‌ای که مانع از آن شود که یک ملت تن به پستی و سستی و ذلت دهد - نیز جزو وظایف اسلامی است. پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام در هر نشست و برخاستی، بر روی یکایک مردمی که با او روبه‌رو می‌شدند، اثر می‌گذاشت و انسانها را، هم در سایه‌ی استقرار نظام اسلامی و هم با تربیت فردی، منقلب و متحول می‌کرد. تحول انسان، اساس همه‌ی تحولات عالم است.

❖ نتیجه منزوی شدن معنویت در دنیا

امروز اگر در دنیا ظلم و سلطه وجود دارد و تمدن خشن غربی، دنیا را از فضای خشونت و ظلم و زورگویی و ناحق‌گویی - تسلط قدرتها بر ملتها، غارت اموال ملتها به وسیله‌ی مراکز جهانی - پر کرده است، اینها به خاطر انزوای معنویت و اخلاق انسانی است. وقتی معنویت و اخلاق و فضیلت منزوی شد و کسی جرأت نکرد در دنیا فضایل اخلاقی را به عنوان ارزشهای طراز اول مطرح کند، شرّ و فساد غلبه خواهد کرد و پول و زور، ارزش خواهد شد و صاحبان پول و زور برای باز کردن راه به سوی هدفهای خود، هیچ مانعی را ملاحظه

نخواهند کرد و دنیا همان چیزی می شود که امروز وجود دارد. دهها سال است که ملتی مثل فلسطین، زیر دست و پای ظلم و ستم قهاران و ستمکاران عالم لگدمال می شود؛ اما این مظلومیت به این عظمت، در دنیا انعکاسی ندارد! دستگاههای تبلیغاتی دنیا در خدمت ظالم و ظلم و ادامه ی این ظلم کار می کنند. از قبیل قضیه ی فلسطین، قضایای کوچک و بزرگ دیگری در صد سال، صدوپنجاه سالی که قدرتهای استعماری دنیا را قبضه کرده اند، وجود داشته و دارد که در زمان خود ما موارد متعددی را به چشم شاهد و ناظر بوده ایم. این به خاطر آن است که معنویت منزوی است.

مسئولیت عظیم بسیج

نظام جمهوری اسلامی پرچم معنویت و اخلاق را بلند کرد. برافراشتن پرچم اخلاق، فقط از موضع موعظه گری قابل تأمین نیست؛ با حرکت عظیم و اقتدار ناشی از حضور مردم، این پرچم در دنیا برافراشته شده است. امروز ما در منبرهای عظیم جهانی و بین المللی، از عدالت و مظلومیت ملتها سخن می گوئیم و این به برکت نظام جمهوری اسلامی است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، چنین چیزی نبود. حضور مردم و بسیج حقیقی دلها و جسمها و جانها می تواند پشتوانه ی این حرکت عظیم جهانی باشد. این مسؤولیت عظیم بسیج است.

امروز وظیفه ی بسیج، حفظ فضای سالم در کشور و منزوی کردن زشتی و آلودگی و غفلت و ریا و نفاق و شرک است. امروز نسل نوحاسته ی کشور، با کمال صفا و پاکی به دنبال حقیقت می دود و تشنه ی آن است. در کجای کشور، شما جوانان نوحاسته - پسر و دختر - را می بینید که تشنه ی حقیقت و معنویت و فهمیدن و درست فهمیدن نباشند؟ این نسل پُر عددِ امروز کشور ما با صفای ذاتی جوانی خود و با تربیت اسلامی جامعه ی ما، دنبال حقیقت است؛ اما در کمین این نسل، گرگان درنده و روبهان حيله گری هستند. در کمین نسل نوحاسته ی جوان ما کسانی نشسته اند که می خواهند او را بفریبند، یا بدرند و از بین ببرند.

امروز نیروی مقاومت بسیج - که مجموعه ی عظیمی در سازمان وسیعی از عمدتاً جوانان کشور است - باید این مسؤولیت را بر دوش خود احساس کند که دست جوانان نوحاسته ی کشور را در سرتاسر این کشور بگیرد. این کارها فقط بر عهده ی سازمانهای موظف فرهنگی نیست. البته آنها وظیفه دارند، روحانیت وظیفه دارد، گویندگان دینی وظیفه دارند، همه ی مسؤولان کشوری به هر نحوی وظیفه دارند؛ اما این سازمان عظیم نیروی مقاومت بسیج می تواند این نقش بزرگ را ایفا کند که برای استقرار معنویت در جامعه، به عنوان ملجأ و پناهگاه دلهای باصفای جوانان و راهنمای دلسوز و در دانشناس و همدل، دست جوانان را بگیرد. عزیزان من! خود را بسازید و آماده ی این نقش عظیم کنید.

🏠 نگاه مسؤولان نیروی مقاومت به بسیج

نیروی مقاومت بسیج در دوران دفاع مقدس در خلال یگانهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کارهای بزرگی کرد. امروز این نیرو به عنوان یک سازمان بزرگ از سازمانهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است؛ شعبه‌ی گسترده‌ی آن نیز در همه‌ی قشرها و در همه‌ی بخشهای کشور حضور دارد؛ اما توجه به این نکته مهم است که نیروی مقاومت بسیج با این که یک نیروست و جزو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، ولی یک نیروی رزمی محض نیست؛ یک نیروی مردمی، انسانی، الهی، اخلاقی، علمی، تربیتی و یک مجموعه‌ی آماده‌ی به کار برای کارهای بزرگ است؛ چنین موجودی نظیر و پرفایده و پربهرکتی است. مسؤولان نیروی مقاومت بسیج، با این چشم به بسیج نگاه کنند.

🏠 مسؤولیت نیروی مقاومت نسبت به بسیج عظیم ملی

ما یک نیروی مقاومت بسیج داریم، یک بسیج عظیم ملی هم داریم که در تمام بخشها و قشرها هستند. ممکن است اینها داخل نیروی مقاومت بسیج هم نباشند، اما نیروی مقاومت بسیج نسبت به این موج عظیم و این پهنه‌ی وسیع، دارای مسؤولیت است. هر جوان بسیجی، مرد بسیجی، زن بسیجی، دانش‌آموز بسیجی، دانشجوی بسیجی، کارگر بسیجی و روحانی بسیجی می‌تواند محور باشد و انسانهایی را به خود جذب کند و با سخن و اخلاق و رفتار و درس خواندن و کار کردن و احساس مسؤولیت و آگاهی سیاسی و اطلاعات دینی و معنوی خود، مثل شمعی دلها را روشن کند و دیگران را امیدوار به آینده و آماده‌ی به کار برای حضور در میدانها قرار دهد. ببینید چه مسؤولیت بزرگ و سنگین و درعین حال شیرین و هیجان‌انگیزی است. این در صورتی به وجود می‌آید و به وقوع می‌پیوندد که در داخل سازمان نیروی مقاومت بسیج، کار اداری فکری و عملی و قلبی و اخلاقی و روحی و سیاسی از همه جهت، آن چنان منظم و با تدبیر صورت گیرد که بتواند چنین محصول عظیمی داشته باشد.

خوشبختانه فعالیتهای بسیار باارزشی هم صورت گرفته است. علاوه بر آنچه که انسان در بخشهای گوناگون مشاهده می‌کند، من دیشب نیز فرصت پیدا کردم تا گوشه‌هایی از فعالیتهای سازمان نیروی مقاومت بسیج را - که در خلال نیروهای پنجگانه‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است - از نزدیک در نمایشگاه مشاهده کنم.

باز خوانی معجزه فتح خرمشهر

- ❖ دلایل حمله دشمن به خرمشهر
- ❖ نقشه دشمن در حمله به ایران
- ❖ بروز جوهر انقلاب و ایمان در اول جنگ
- ❖ نقطه‌ای عبرت آمیز برای جوانان از جنگ تحمیلی
- ❖ معنای عبارت «خرمشهر را خدا آزاد کرد»
- ❖ مقاومت چهل روزه جوانان مؤمن و نیروهای مسلح در خرمشهر
- ❖ اراده قوی و مصمم و ایستادگی امام(ره)، عامل جلوگیری پیروزی دشمن
- ❖ جفایی به ملت ایران
- ❖ معنای تکیه به ایمان و ایثار
- ❖ شرط پیروزی ملت در همه میدانها
- ❖ بیخود دل ملت را نلرزانند و مرتب نگویند ما نمی‌توانیم
- ❖ هر کس از وظیفه اصلی خود سرپیچی کند خیانت کرده
- ❖ و...

دلایل حمله دشمن به خرمشهر

واقعه خرمشهر از دور فقط یک حادثه تاریخی است که برای ملت ایران هیجان آور و افتخارآمیز است؛ ولی از نزدیک، این قضیه شبیه یک معجزه بزرگ بود. وقتی رژیم عراق با تشویق دولتهای دشمن انقلاب به مرزهای ما حمله کرد، هدفگیری دقیقی کرده بود. خرمشهر، قدم اول و بسیار مؤثر از این هدفگیری بود. هدف آنها به طور خلاصه این بود: با خود فکر کرده بودند با پیروزی انقلاب، ایران اولاً نیروی مسلّحی ندارد که از مرزها دفاع کند؛ ثانیاً سامان اداری و اجتماعی درستی ندارد تا بتواند به دفاع از کشور و منافع ملی بپردازد؛ ثالثاً در دنیا انقلاب طرفداری ندارد. یک طرف امریکا بود، دشمن پر از حقد و کینه علیه انقلاب - چون انقلاب سلطه امریکا را بر این کشور از بین برده بود، بنابراین از غضب و کینه بر انقلاب و نظام اسلامی پُر بودند - یک طرف هم شوروی سابق بود؛ آن هم با دلایل دیگری علیه انقلاب اسلامی. این دو ابرقدرت که در دهها مسأله با هم اختلاف داشتند، در دشمنی با ایران با یکدیگر اتحاد کلمه داشتند و هر دو به رژیم عراق صمیمانه و با همه وجود کمک و از آن دفاع می کردند! ناتو و قدرتهای اروپایی به عراق کمک کردند؛ هواپیما دادند، بمب دادند، تانک دادند، وسایل شیمیایی دادند، هلیکوپتر دادند، موشک دادند. اروپای شرقی نیز که آن روز زیر سیطره حکومت شوروی و وابسته به آن بود، هر چه عراق می خواست، به او داد. بنابراین یک طرف عراق بود با حمایت امریکا و شوروی و ناتو و ورشو - که همان پیمان اروپای شرقی و کشورهای بلوک کمونیست بود - و همچنین دولتهای عربی منطقه که پول و سلاح

و امکانات و مشاور نظامی و هر چه دولت بغداد برای رسیدن به هدفهای خود در این حمله احتیاج داشت، بی دریغ در اختیار او قرار می دادند؛ یک طرف هم نظام جمهوری اسلامی بود.

نقشه دشمن در حمله به ایران

امریکا با این نظام بد بود و برای این که این نظام از بین برود، لحظه شماری می کرد. شوروی هم با این نظام بد بود؛ اروپاییها هم با آن هیچ گونه رابطه ای نداشتند و هیچ دلسوزی ای برای آن نمی کردند؛ دولتهای مترجع هم به گونه دیگر. امکانات مالی کشور، بسیار ضعیف؛ نیروهای مسلح، نامنسجم؛ وسایل نظامی، بعضی کهنه و فرسوده و بعضی منتظر قطعه ای بود که به ما نمی فروختند. هواپیما داشتیم، قطعه نداشت؛ تانک داشتیم، قطعه نداشت و دنیا به ما نمی فروخت؛ در داخل هم از این وسایل هیچ چیز تولید نمی شد.

در چنین وضعیتی، طبیعت قضیه چیست؟ طبیعت قضیه همان چیزی است که عراق پیش بینی کرده بود: با یک حمله بیاید ابتدا خرمشهر را بگیرد، بعد اهواز را بگیرد، بعد دزفول را بگیرد و در نهایت خوزستان را از ایران جدا نماید؛ سپس شروع به چانه زنی کند. خوزستان را تا آخر پس ندهد، منابع نفتی کشور را در اختیار بگیرد و بعد هم دولت انقلاب را از موضع ضعف و ذلت پای میز مذاکره بنشانند. این، نقشه رژیم عراق و در حقیقت نقشه امریکا و شوروی بود.

بروز جوهر انقلاب و ایمان در اول جنگ

در قدم اول، نیروهای عراقی پیشرفتهایی کردند و تا سیزده چهارده کیلومتری اهواز هم رسیدند؛ اما وقتی خواستند به خرمشهر - که مرز نزدیکتر بود - حمله کنند، دچار مانع شدند. علت هم این بود که نیروهای مردمی، جوانان مؤمن و مرد و زن انقلابی وارد میدان شدند؛ یعنی در این جا انقلاب شروع کرد خود را نشان دادن؛ بنابراین دشمن نزدیک اهواز زمینگیر شد. آن جا نیروهای مسلح و ارتش و نیروهای مردمی پشت سر هم مثل کوه در مقابل دشمن ایستادند و این اولین تودهنی ای بود که به آنها زده شد. اما غم، دل ملت ایران را گرفته بود؛ چون هزاران کیلومتر از خاک کشور زیر چکمه دشمن قرار داشت. بنده در ماههای اول جنگ، در همان مناطق بودم؛ هم وضع مردم و هم وضع نیروهای مسلح را می دیدم. نیروهای مسلح، عازم و جازم بودند؛ اما غم سنگینی بر دلشان نشسته بود. بتدریج عظمت نیروهای مردمی، خود را نشان داد. سپاه پاسداران به سرعت خود را سازماندهی کرد و نیروهای مردمی و بسیج مردمی بتدریج سازمان پیدا کردند؛ یعنی جوهر انقلاب و ایمان در این میدان خطر، خود را در اراده و عمل و قدرت مدیریت انسانها نشان داد.

نقطه‌ای عبرت آمیز برای جوانان از جنگ تحمیلی

دنیای سیاسی - مثل سازمان ملل و امثال آن - با ما چه کرد؟ دنیا از همه طرف فشار آورد که بنشینید با عراق مذاکره کنید و جنگ و مقاومت را متوقف سازید. این یکی از نقاط عبرت است؛ جوانان ما روی این نقاط خیلی تکیه کنند. ما دولت تازه کاری داشتیم که دو سال روی کار آمده و با چنین حمله سنگینی مواجه شده بود و دشمن در هزاران کیلومتر زمین ما، از جنوبی‌ترین نقطه تا شمالی‌ترین نقطه همسایگی با عراق، مستقر شده بود؛ اما در این حال به ما می‌گفتند بیایید مذاکره کنید! مذاکره از موضع ضعف و ذلت و همراه با دست پُر حریف در چانه‌زنی. آن روز اگر مذاکره صورت می‌گرفت - که یک عده از سیاستون، همان روز به امام فشار می‌آوردند که بنشینید مذاکره کنید - مطمئناً عراق از بخش عمده خاک ما خارج نمی‌شد و تا امروز خوزستان و خرمشهر و شاید بسیاری از مناطق دیگر همچنان زیر چکمه نیروهای متجاوز بیگانه بود. اما امام ایستاد. منطق امام این بود که وقتی متجاوز در خاک ماست و با دست پُر ما را تهدید می‌کند، ما مذاکره نمی‌کنیم. مذاکره آن وقتی صورت می‌گیرد که دشمن از تمام خاک ما خارج شود. امروز عده‌ای ناجوانمردانه این حقیقت را ندیده می‌گیرند. آن روز عده‌ای، از جمله همان روسیاهان فراری از کشور که امروز به دامن آمریکا و اروپا و جاهای دیگر پناه برده‌اند، از طریق محافل سیاسی و روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون - که در دست آنها بود - مرتب فشار می‌آوردند که امام باید مذاکره کند. هیأت‌های بین‌المللی هم مرتب به ایران می‌آمدند و می‌گفتند مذاکره کنید. امام با الهام از همان بینش روشن، ایمان راسخ، توکل به خدا و قدرت اراده ایستاد و گفت اگر ما توانستیم سرزمینهای خود را پس بگیریم، آن گاه وقت مذاکره است؛ امروز وقت مذاکره نیست؛ عملاً هم همین‌طور شد. در چنان شرایطی که غم، دلها را فرا گرفته و رجز خوانیهای عراق همه دنیا را پُر کرده بود، نیروهای ما از کمترین امکانات مادی برخوردار نبودند. این که می‌گوییم کمترین امکانات مادی، یک حقیقت است.

معنای عبارت «خرمشهر را خدا آزاد کرد»

من فراموش نمی‌کنم، یکی از سرداران و فداکاران آن روز - که امروز بحمدالله در همین جلسه حضور دارند - به اتفاق چند نفر در اهواز پیش ما آمدند و چند قبضه خمپاره انداز می‌خواستند تا بتوانند قدری در مناطق جلوتر ایستادگی و مبارزه کنند؛ اما کسی نبود به اینها این چند قبضه خمپاره انداز را بدهد! ما برای سیم خاردار و گلوله و آر.پی.جی مشکل داشتیم؛ تانک و نفربر و امثال اینها که به جای خود. آنچه در اختیار ملت ایران بود، عبارت بود از یک اراده قوی و نشاط همه‌جانبه که برخاسته از ایمان و آگاهی بود. این که امام فرمودند «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، یعنی این.

🕌 مقاومت چهل روزه جوانان مؤمن و نیروهای مسلح در خرمشهر

خوب است در این جا یاد شهید عزیزمان «صیاد شیرازی» را گرامی بداریم. خیلی از فرماندهان آن روز بحمدالله امروز زنده و سر حال و مشغول انجام وظیفه‌اند و بعضی هم به شهادت رسیدند. این شهید و همکارانش در سپاه و ارتش مجموعه توانایی را تشکیل دادند و عملیات امام رضا، فتح‌المبین و سپس بیت‌المقدس را طراحى و اجرا کردند و بتدریج کارایی انقلاب و اسلام و یک ملت مؤمن را در این منطقه بسیار خطیر، مقابل چشم همه گرفتند. هیچ کس در دنیا باور نمی‌کرد که نیروهای مسلح ما بتوانند خرمشهر را پس بگیرند؛ چون خرمشهر رفته بود. همین مناظری که شما امروز می‌بینید اسرائیلیها با تانک در جنین به وجود می‌آورند، شبیه همین را در خرمشهر ما به وجود آوردند. البته - همان طور که پدر عزیز شهید «جهان‌آرا» گفتند - جوانان ما مقاومت کردند و مدتی دشمن را پشت در نگهداشتند. حدود چهل روز یا بیشتر، جوانان مؤمن و نیروهای مسلح ما توانستند به ارتش عراق تودهنی و او را پس بزنند؛ ولی بالاخره بسیاری شهید شدند و خرمشهر از ملت ایران غصب شد.

وقتی نیروهای مسلح ما در عملیات بیت‌المقدس با تدبیر، روشن بینی، اراده برخاسته از ایمان، توکل به خدا، استفاده‌ی از همه امکانات - یعنی نگذاشتند جزئی از امکانات هدر برود - و با تکیه به نیروی خود و اعتماد به خدای متعال حرکتشان را شروع کردند، هیچ کس در دنیا باور نمی‌کرد اینها بتوانند خرمشهر را آزاد کنند؛ اما توانستند. وقتی ما اعلام کردیم خرمشهر را پس گرفته‌ایم، تا یکی دو روز خبر گزاریهای دنیا حاضر نبودند این خبر را پخش کنند - با چشم تردید به آن نگاه می‌کردند - اما این اتفاق افتاد و آخر هم همه مجبور شدند به این پیروزی اذعان کنند. در این عملیات، رزمندگان ما بیش از پانزده هزار اسیر عراقی گرفتند و به اردوگاههای اسرا به عقب جبهه فرستادند. البته خرمشهر آزاد شد؛ اما بسیاری از سرزمینهای ما همچنان در زیر پای دشمن بود. مهران و نفت‌شهر و صدها شهر و روستای ما در طول مرز مغضوب بود.

🕌 اراده قوی و مصمم و ایستادگی امام(ره)، عامل جلوگیری پیروزی دشمن

در همین خلال، کسانی که حاضر نبودند برای انقلاب و منافع این کشور یک قدم بردارند، بلکه فقط بلد بودند نق بزنند و علیه انقلاب بهانه‌گیری کنند، باز فشار می‌آوردند که جنگ را تمام کنید. اگر اراده قوی و مصمم و ایستادگی امام نبود، مطمئناً جنگ جز با پیروزی دشمن تمام نمی‌شد. همین نفسهای خبیثی که آن روز این وسوسه‌ها را در کشور می‌دمیدند، امروز هم بعضی‌شان سر بلند کرده‌اند و همان حرفها را تکرار می‌کنند و می‌گویند چرا بعد از فتح خرمشهر آتش بس را قبول نکردید؟! بعد از فتح خرمشهر، هنوز بخش عظیمی از سرزمینهای ما - مرزها و شهرهای ما - و نیز گروه کثیری از مردم ما در اختیار رژیم متجاوز بودند. تهدید بالای سر مرزهای

ما بود و دشمن از همه طرف تجهیز می‌شد. باید شرّ دشمن از سر مرزها کم می‌شد؛ این یک بینش خردمندانه بود. آن روز همه دلسوزان کشور، از مسؤولان نظامی و غیره، این منطق را برای همه اثبات می‌کردند. امام یک انسان منطقی بود و تصمیم گرفت و عمل کرد و به فضل پروردگار توانست ملت ایران را سرافراز کند.

جفایی به ملت ایران

کسانی که به عزّت مردم ایران و استقلال کشور و شرف و کرامتی که این ملت برای آن ارزش قائل است، اهمیت نمی‌دهند، آن روز و امروز و در طول سالها، همیشه با توصیه‌های ناجوانمردانه و بُزدلانه خود سعی کرده‌اند ملت ایران را ذلیل و ضعیف کنند؛ همیشه هم تکیه‌شان به این است که ما نمی‌توانیم! در دل خودشان ضعف موج می‌زند؛ اما این را به ملت ایران نسبت می‌دهند. در دل خودشان فروغ ایمان نیست؛ این را به مردم مؤمن نسبت می‌دهند. این جفای به مردم مؤمن است. ملت ما ثابت کرده آن جایی که پای شرف، کرامت و دفاع از ارزشهای کشور و ارزشهای والای اسلامی در میان است، از همه توان خود استفاده و دشمن را مغلوب می‌کند.

معنای تکیه به ایمان و ایثار

بعضی خیال می‌کنند وقتی گفته می‌شود تکیه به ایمان و ایثار، معنایش این است که خود را برای فدا شدن آماده کنید؛ نه. تکیه به ایمان و ایثار معنایش این است که با ایمانی که در دل انسان وجود دارد و با اتکال و اتکایی که به خدا هست، همه نیروهای انسان به کار بیفتد. این نیروها می‌توانند علم بیافرینند، تجربه بیافرینند، تولید کنند و پیچیده‌ترین صنعتها را به وجود آورند؛ همچنان که به وجود آوردند. ما از اوّل انقلاب هر جا به ایمان خود تکیه و به احکام اسلام عمل کردیم، پیروز شدیم؛ چه در جبهه علم، چه در جبهه سیاست، چه در کارهای اقتصادی و چه در کارهای نظامی. آن جایی که شکست خوردیم و پا در گل ماندیم و ضعیف شدیم، وقتی بوده است که از اسلام فاصله گرفته‌ایم. این را دشمن خوب فهمیده است.

شرط پیروزی ملت در همه میدانها

دشمن راز پیروزی ما در خرمشهر و خرمشهرها را به چشم دید و فهمید این ملت اگر پرچم اسلام و ایمان را برافراشته نگه‌دارد، در همه میدانها پیروز خواهد شد؛ بنابراین سعی کردند این پرچم را سرنگون کنند. امروز همه تلاش امریکا و دستگاه و جبهه استکبار این است که عنصر قدرت و قوّت و مقاومت را از ما بگیرد؛ یعنی می‌خواهد ایمان و اتکاء به نفس و امید و اتحاد را در ما تضعیف کند. ملتی که ایمان و اتحاد نداشته باشد و نسبت به آینده مأیوس باشد، پیداست که در همه

میدانها شکست خواهد خورد؛ در سیاست هم شکست می خورد، در اقتصاد هم شکست می خورد، در سازندگی کشور هم شکست می خورد. آنها می خواهند اینها را از ما بگیرند. اولین ضربه‌ای که می‌زنند، این است که ملت را از خود مأیوس کنند.

❁ بیخود دل ملت را نلرزانند و مرتب نگویند ما نمی‌توانیم

امروز عده‌ای متأسفانه کارشان این شده است که مرتب دشمن را بزرگ و خود را کوچک کنند، عظمت دشمن را به رخ همه بکشند و دائماً بگویند ما نمی‌توانیم! یعنی ما هم مثل خیلی از کشورها و دولتها باید برویم در هاضمه استکبار جهانی هضم شویم! اینها اشتباه می‌کنند؛ خودشان ضعیف و از درون پوکند - یا پوک بودند یا پوک شدند - لذتهای دنیا آنها را پوک کرده است؛ دنیا طلبی آنها را بی‌ارزش و بی‌هویت کرده است؛ بنابراین خیال می‌کنند همه مثل آنهایند. نخیر؛ این ملت توانا و امیدوار است؛ بیخود دل ملت را نلرزانند و مرتب نگویند ما نمی‌توانیم و قدرت حرکت نداریم. چرا، این ملت قدرت حرکت دارد؛ این ملت اسلام دارد؛ این ملت ابزار و وسیله بسیار مؤثر ایمان را دارد؛ این ملت اتحاد حقیقی و قلبی خود را با مسؤولان کشور دارد. این رشته اتحاد مقدسی که با پیوندهای ایمان و عاطفه محکم شده است، در کمتر جایی از دنیا شبیهش می‌شود پیدا کرد.

❁ هر کس از وظیفه اصلی خود سرپیچی کند خیانت کرده

ما به فضل پروردگار مشکلات را برطرف می‌کنیم و می‌توانیم دشمن را سر جای خود بنشانیم. دشمن هر چه هم از لحاظ ابزار نظامی قوی باشد، در مقابل یک ملت منسجم و مؤمن و دارای امید به آینده، هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. البته ما مسؤولان باید به وظایف خود عمل کنیم؛ دولت و قوه قضائیه و مجلس باید به وظایف خود عمل کنند. هر کس امروز از وظیفه اصلی خود سرپیچی کند و خود را به کار دیگری مشغول و سرگرم سازد و از انجام وظیفه شانه خالی نماید، خیانت کرده است و دچار لعنت ابدی خواهد شد. ما مسؤولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگهداریم؛ روح اشرافیگری را دور بیندازیم و رشته سودجویی و ثروت‌طلبی و دنبال منافع شخصی دیدن و تجمل پرستی و امثال اینها را از دست و پای خود باز کنیم. اگر گرفتاریهای ما در بخشی حل نشده است، علتش اینهاست؛ اینها را باید اصلاح کنیم.

❁ ناجوانمردی نسبت به ملت و نظام

عده‌ای با دستشان به پای خود رشته‌هایی را می‌بندند و گره‌هایی را به وجود می‌آورند؛ خود را از قابلیت استفاده برای این ملت و آرمانهای او می‌اندازند و بعد هم اسلام و نظام اسلامی و احکام اسلامی را متهم می‌کنند. ناجوانمردی از این بیشتر؟! بعضی در دل خود احساس ضعف می‌کنند، یا



چشم‌غره‌های امریکا آنها را می‌ترساند، یا وعده‌های امریکا و امثال امریکا دل ضعیف و ناتوانشان را به خود جذب می‌کند؛ لذا به سمت امریکا می‌کشند. آن‌گاه ملت و جوانان مؤمن و مدیران باایمان و باصفای کشور را متهم می‌کنند که اینها نمی‌توانند؛ بنابراین ناچاریم برویم تسلیم امریکا شویم!

🏠 کسانی که دم از مذاکره با امریکا می‌زنند

کسانی که دم از مذاکره با امریکا می‌زنند، یا از الفبای سیاست چیزی نمی‌دانند، یا الفبای غیرت را بلد نیستند؛ یکی از این دو تاست. در حالی که دشمن این‌طور احم می‌کند، این‌طور متکبرانانه حرف می‌زند، این‌طور به ملت ایران اهانت می‌کند، تصریح هم می‌نماید که می‌خواهد علیه این نظام و این کشور و منافع آن اقدام کند، عده‌ای در این‌جا ذلیلانه و زبونانه می‌گویند: چه کار کنیم؛ برویم، نرویم، نزدیک شویم، با آنها صحبت کنیم، درخواست کنیم، خواهش کنیم؟! این اهانت به غیرت و عزت مردم ایران است؛ این نشانه بی‌غیرتی است؛ این سیاستمداری نیست. سعی می‌کنند رنگ و لعابی از فهم سیاسی به کار خود بدهند؛ نه، این درست ضد فهم سیاسی است.

🏠 شرط نظام در ارتباط گیری با کشورها

ملت ایران آرمانها و مقاصدی دارد که در دنیا هر کس به این مقاصد و نیز به ملت ایران احترام گذاشته و نظام جمهوری اسلامی را قبول کرده، ملت ایران در طول زمان با او مثل یک طرف برابر و مساوی وارد میدان مذاکره و معامله شده است. ما با شوروی هم ارتباطات داشتیم، با اروپا و همه دنیا هم ارتباطات داریم. مسأله امریکا این است که هویت اسلامی و ملی ما را قبول ندارد و این را به زبان می‌آورد. چرا عده‌ای از مدعیان سیاست و فهم، نمی‌فهمند؟! واقعاً جای تأسف است. حکومتی که این‌طور صریحاً می‌گوید می‌خواهم علیه نظام اسلامی و خواست ملت ایران عمل کنم و برای براندازی این نظام بودجه می‌گذارد، ارتباط و مذاکره با آن، هم خیانت و هم حماقت است!

تأثیرات معجز آسای بسیج در دوران دفاع مقدس

- بسیج، حقیقتی شبیه افسانه‌هاست
- الگوگیری از بسیج در دنیای اسلام
- بسیج خار چشم دشمنان داخلی و خارجی
- پس گرفتن خرمشهر به برکت حضور بسیج
- مکتب بسیج، مکتب مجاهدت معنوی و مخلصانه
- بدنام کردن جهاد توسط دشمنان نیابتی عزت ملت
- دفاع از آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی
- دفاع از منطقه و دنیاست
- نیرویی که دشمن نمیتواند در مقابلش کاری کند
- شکست بزرگ آمریکایی‌ها در میدان استتال نظام
- معجزه‌ای که از بسیج بر می آید

تأثیرات معجز آسای بسیج در دوران دفاع مقدس *

بسیج، حقیقتی شبیه افسانه‌هاست

حضور در جمع شما جوانان عزیز و بسیجیان مخلص، همیشه شوق آفرین و هیجان‌انگیز است. اگرچه خود انقلاب اسلامی و پدیده‌هایی که انقلاب یکی پس از دیگری در طول زمان و در عرصه‌های گوناگون به وجود آورد، همه پدیده‌های شگفت‌آور هستند؛ اما پدیده‌ی بسیج و تشکیل این نیروی عظیم معجز‌گون، استثنایی و کم‌نظیر است. بسیج، حقیقتی شبیه افسانه‌هاست. برای کسانی که با متن واقع بسیج آشنایی ندارند، تصور چنین حجم پُر کیفیت عظیمی با این تنوع و همه‌جانبگی، آسان نیست. بسیج مرز سنی نمی‌شناسد؛ جوانهای کم‌سال تا پیران کهنسال در آن شرکت دارند. بسیج مرز جنسی نمی‌شناسد؛ زن و مرد در آن حضور دارند. بسیج مرز صنفی و مرز جغرافیای و قومی نمی‌شناسد؛ همه‌ی اقوام ایرانی، همه‌ی اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسانهای نخبه‌ی برجسته‌ی ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوانهای فعال و پُرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج جمع‌اند. بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است؛ آن هم آگاهی همراه با تحرک، همراه با معنویت و همراه با اخلاص. بسیج، حقیقت است؛ اما شبیه افسانه‌هاست.

الگوگیری از بسیج در دنیای اسلام

بسیج برای جوانان، شور آفرین است؛ برای دوستان، امید آفرین است؛ برای دشمنان، بیم آفرین

است. امروز اگر شما جلوه‌های زیبای پرشور حضور جوانان را در صحنه‌های پرخطر فلسطین و لبنان مشاهده می‌کنید، این الگوگیری از بسیج است. امروز اگر بیداری جوانان دانشجویان را در سرتاسر دنیای اسلام می‌بینید، این الگوگیری از بسیج است. بسیج یعنی حرکت عظیم ملت ایران، همراه با آگاهی؛ احساس آمیخته‌ی با عقلانیت؛ حرکت و عمل آمیخته‌ی با مبنای فکری؛ عمل‌گرایی همراه با آرمان‌گرایی و دیدن افق‌های دور دست؛ اینها مجموعه‌ی است که ذهنیت و هویت بسیج را تشکیل می‌دهد.

بسیج خار چشم دشمنان داخلی و خارجی

به همین جهت است که از اول انقلاب تا امروز، بسیج خار چشم دشمنان بوده؛ چه دشمنان داخلی و چه دشمنان خارجی. همیشه بسیج مورد تهاجم لفظی و عملی دشمنان قرار داشته است. سمپاشی و لجن‌پراکنی علیه بهترین جوانان این کشور که در صفوف بسیج مستقرند، مخصوص یک دوره از دوره‌های پس از انقلاب نیست؛ از اول بوده، تا امروز هم بوده است؛ خواهد بود؛ بعد از این هم خواهد بود. البته دشمنان موفقیت‌های بسیج را می‌بینند. بسیج در میدان دفاع مقدس از خود حرکتی نشان داد که برای دنیا شگفت‌آفرین بود. حضور بسیج در میدان‌های جنگ و دفاع مقدس، هم به عنوان یک عمل نظامی، و هم به عنوان روحیه‌دهی به رزمندگان مستقر در سازمانهای نظامی - یعنی ارتش و سپاه - تأثیرات معجز‌آسایی داشته است. آن جایی که بسیج بود، روحیه و معنویت هم بود؛ طبعاً ایستادگی و مقاومت هم بود و بر اثر آن همه، پیروزی هم نصیب می‌شد. برای همین است که ملت ایران در کمتر از دو سال - یعنی تافتخ خرمشهر - بر قوای اهریمنی عراق فائق شد.

پس گرفتن خرمشهر به برکت حضور بسیج

وقتی خرمشهر سقوط کرد، نماد قوی‌پنجگی دشمن بود و مظلومیت ملت ایران. وقتی ملت ایران با قدرت خرمشهر را از دشمن پس گرفت و هزاران نیروی رزمنده‌ی دشمن را اسیر کرد، در واقع سرنوشت نهایی جنگ نوشته شد. همان روزها سران چند کشور برای وساطت به ایران آمده بودند. یکی از برجستگان سیاسی معروف انقلابی دنیا - که رهبر یکی از کشورهای آفریقایی بود - به من گفت امروز مسأله‌ی ایران و جمهوری اسلامی در دنیا بکلی با فتح خرمشهر متفاوت است؛ امروز همه به چشم فاتح و پیروز به شما نگاه می‌کنند. و حقیقت هم همین بود. شش سال بعد از آن صرف شد تا نظام جمهوری اسلامی بتواند بر زرادخانه‌ی عظیم جهانی - که پشت سر رژیم بعثی صدام قرار داشت - پیروز شود. و ما پیروز شدیم و توانستیم بر دشمنی که شوروی سابق و ناتو و آمریکا از او حمایت می‌کردند، به او تجهیزات می‌دادند، به او سلاح شیمیایی می‌دادند،



به او کمک‌های مؤثر اطلاعاتی می‌دادند، فائق بیاییم؛ این به برکت حضور مردم بود؛ یعنی حضور بسیج؛ یعنی جوانان با اخلاص.

🕌 مکتب بسیج، مکتب مجاهدت معنوی و مخلصانه

مکتب بسیج، مکتب مجاهدت معنوی و مخلصانه است. این مجاهدت، برای ملت و کشور و بالاتر از همه برای دین خدا و سرافرازی پرچم آزادگی اسلامی در همه‌ی دنیاست. این مجاهدت خطراتی دارد. بالاترین خطر برای انسان، جان باختن است. در مکتب بسیج، نام این جان باختن «شهادت» است. شهادت بالاترین ارزش عاشورایی انسان و بالاترین ارزش در معیار ارزش‌های معنوی است. در روایت وارد است: «فوق کل ذی برّ برّ حتى یقتل الرّجل فی سبیل الله»؛ بالاتر از هر فضیلتی، ارزشی و معنویتی، ارزش دیگری وجود دارد، تا وقتی که فرد به شهادت می‌رسد، که بالاترین ارزش‌هاست. آن معنای جهاد است و این معنای شهادت است.

🕌 بدنام کردن جهاد توسط دشمنان نیابتی عزت ملت

افرادی به نیابت از دشمنان عزت این ملت سعی کردند جهاد را بدنام کنند. الان می‌دانید در کشورهایی از منطقه‌ی ما، سعی امریکایی‌ها بر این است که آیات جهاد را از کتابهای درسی بیرون بیاورند؛ اصرار کردند که باید این کار را بکنید؛ بعضی از دولتهای ضعیف و زبون هم این را قبول کردند. می‌خواهند جهاد را از آیات قرآن و تعالیم دینی خارج کنند؛ چون ضامن عزت ملت‌های اسلامی و امت اسلامی و بزرگترین سنگر و حصن حصین مقاومت، جهاد فی سبیل الله است. شهادت را به عنوان یک عمل ساده لوحانه معرفی کردند، که خود برترین ارزش‌هایی است که جهاد به دنبال دارد. جهاد وقتی می‌تواند اثر خودش را به‌طور کامل نشان دهد که با دل نهادن به شهادت همراه باشد. جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی است. بسیجیان عزیز ما تا امروز پیشرفت‌های خوبی کرده‌اند؛ این پیشرفت‌ها باید همچنان ادامه پیدا کند. مطمئناً این الگو در کشور عزیز ما دنیا را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

🕌 دفاع از آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی دفاع از منطقه و دنیاست

امروز مسائل ایران با مسائل دنیا مرتبط است. جرم دولت ایالات متحده‌ی امریکا فقط این نیست که ملت ایران را تهدید می‌کند؛ جرم دیگر او این است که منطقه را بی‌ثبات کرده است؛ و ضرر این بی‌ثباتی به همه‌ی دنیا می‌رسد. ما امروز در مقابل تحریکات امریکایی ایستاده‌ایم و در واقع تضمین‌کننده‌ی ثبات این منطقه هستیم؛ این دفاع از هویت ماست؛ دفاع از شخصیت ملی ماست؛ دفاع از دین ماست؛ دفاع از آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است؛ دفاع از منطقه است؛ و به

این معنا دفاع از دنیاست. امریکایی‌ها از هر وسیله‌ی بی برای مقابله‌ی با ملت ایران استفاده کردند و در همه‌ی این وسایل، در مقابل صلابت ملت ایران و رشادت جوانهای ما، مرعوب و مغلوب شدند. آنها از جوانهای ما می‌ترسند. ملت ما ملت جوانی است. این جوانها بیدارند و دلپایشان با اعتقاد به مبانی اسلام و آرمانهای اسلامی محکم است.

نیروی که دشمن نمیتواند در مقابلش کاری کند

بسیج در واقع یک حرکت گسترده‌ی مردمی است. خیلی‌ها ممکن است داخل در نیروهای بسیج و گردان‌های مقاومت و نیروی مقاومت سپاه هم نباشند؛ اما در دل، بسیجی باشند. در نظر خواهی‌هایی که از جوانهای ما کردند، بیش از ۹۰ درصد جوانهای کشور در این نظر خواهی اعلام کردند که آماده‌ی دفاع از ملتند. این، معنای بسیج است. همین روحیه وقتی با اخلاص بیشتر، با پایبندی بیشتر به مبانی و با پرهیزگاری و پارسایی همراه شود، چهره‌های نورانی جوانان بسیجی عزیز ما را در بخش‌های ممتاز و پیشرو مشخص می‌کند. دشمنان در مقابل این نیرو هیچ کاری نمی‌توانند بکنند.

شکست بزرگ امریکایی‌ها در میدان استتاله نظام

شما دیدید امریکا در مسأله‌ی انتخابات ما ناشرافتمندانه عمل کرد. حرکتی که در مقابل انتخابات و برای سوءاستفاده‌ی از انتخابات انجام دادند، خارج از همه‌ی قواعد انسانی و قواعد ارتباطات بین‌المللی بود؛ اما شکست خوردند. آنچه در ایران اتفاق افتاد، درست نقطه‌ی مقابل چیزی است که آنها می‌خواستند. شکست بزرگتر امریکایی‌ها در میدانی است که امروز آراسته‌اند؛ و آن عبارت است از تلاش برای استتاله‌ی نظام جمهوری اسلامی. آنها می‌خواهند با ابزارهای سیاسی، با ابزارهای فرهنگی و با دست‌نشانندگان فرهنگی و سیاسی، نظام اسلامی را از حقیقتش، از روحش و از هویت واقعی‌اش تهی کنند؛ و این هم شکست خواهد خورد؛ و این بزرگترین شکست امریکا از شما عزیزان مؤمن جوان در نیروهای بسیج است.

معجزه‌های که از بسیج بر می‌آید

با خدا باشید؛ دل به خدا بسپارید؛ توکلتان را به خدای متعال از دست ندهید؛ به نیروی عظیمی که خدای متعال در دل شما، در ذهن شما، در اراده‌ی شما، در وجود شما و در جسم شما به ودیعه قرار داده است، باور و ایمان بیاورید و بدانید با این نیرو می‌توانید کوههای عظیم را جابه‌جا کنید. اقیانوس ملت ایران ممکن است گاهی آرام به نظر برسد؛ اما اگر طوفانی شد، سونامی‌ها به وجود خواهد آورد. اگر این اقیانوس عظیم با تکیه‌ی بر اعماق دینی و ایمانی‌اش به طوفان برخیزد،

جوانهای ما کارهای بزرگی انجام می‌دهند. این کارهای بزرگ فقط در میدان جنگ نیست - یک نمونه مربوط به میدان جنگ است - در میدان علم هست؛ در میدان مسائل اجتماعی هست؛ در میدان مسائل فرهنگی هست؛ در ایجاد فضائل اخلاقی و گسترش این فضائل در میان مردم هست؛ در میدان فناوری و پیشرفت‌های علمی و فنی هست. این کارها و این معجزه‌ها همه از شما جوانها برمی‌آید؛ از شما ملت عزیز ایران برمی‌آید؛ از بسیج جوان و پیر و زن و مرد برمی‌آید. ملت ایران نمادش بسیج است و همه‌ی ملت ایران در واقع اجزای بسیج‌اند. خدای متعال روح امام بزرگ و راحل ما را شاد کند که این بنیان رفیع را او پی‌ریزی کرد و این نهال را او پرورش داد و آبیاری کرد، که امروز به این درخت تناور تبدیل شده است.

هرچه برای دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست

- بنیانگذار بنای حفظ حوادث با ادبیات و هنر
- از برجسته‌ترین و مهمترین کارها در ادبیات هنر و مقاومت
- نشان جوهره‌ی ملت ایران در دفاع مقدس
- دوره‌ی سختی‌ها نشان دهنده ظرفیت‌هاست
- علت یابی نپرداختن هنرمندان به دوره دفاع مقدس
- مستند، مستدل و تبیین کردن دوره دفاع مقدس
- ایستادگی با دست خالی در اول جنگ
- بدست آوردن بهترین امکانات در سخت‌ترین دوره‌های محاصره‌ی اقتصادی
- نمی‌توانیم یکی از رایج‌ترین تبلیغات دوره‌ی پهلوی
- صفا، معنویت و خلوص در جبهه‌ها
- جنگ، آینده‌ی تمام‌نمای ظرفیت‌های ملت ایران

هرچه برای دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست *

بنیانگذار بنای حفظ حوادث با ادبیات و هنر

به نظر من بنیانگذار بنای حفظ حوادث با ادبیات و هنر، زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) است. اگر حرکت و اقدام حضرت زینب نمی‌بود و بعد از آن بزرگوار هم بقیه‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) - حضرت سجاد و دیگران - نمی‌بودند، حادثه‌ی عاشورا در تاریخ نمی‌ماند. بله، سنت الهی این است که این‌گونه حوادث در تاریخ ماندگار شود؛ اما همه‌ی سنتهای الهی عملکردش از طریق ساز و کارهای معینی است. ساز و کار بقای این حقایق در تاریخ این است که اصحاب سِرّ، اصحاب درد، رازدانان و کسانی که از این دقایق مطلع شدند، این را در اختیار دیگران بگذارند. بنابراین خاطره‌گویی و تدوین و پخش خاطرات را باید در جایگاه حقیقی خودش نشانند، که جایگاه بسیار بالا و والایی است و بسیار مهم است.

بیان هنری هم شرط اصلی است؛ کما این که خطبه‌ی حضرت زینب در شهر کوفه و شهر شام، از لحاظ زیبایی و جذابیت بیان، آیت بیان هنری است؛ طوری است که اصلاً هیچ‌کس نمی‌تواند این را نادیده بگیرد. یک مخالف یا یک دشمن وقتی این بیان را می‌شنود، مثل تیر برنده و تیغ تیزی، خواهی نخواهی این بیان کار خودش را می‌کند. تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و امام سجاد در خطبه‌ی شام و در بیان رسا و بلیغ و شگفت‌آور مسجد شام این کارها را کردند. شما هم دارید این کار را می‌کنید.

از برجسته‌ترین و مهمترین کارها در ادبیات هنر و مقاومت

ادبیات و هنر مقاومت و آنچه مربوط به دوره‌ی خاص دفاع کشور و ملت ماست، حقیقتاً از برجسته‌ترین و مهمترین کارهاست. البته دوستان خیلی کار کرده‌اند. از دهه‌ی ۶۰ که این کارهای هنری و ادبی در حوزه‌ی هنری شروع شد و این خاطرات منتشر گردید، من یکی از مشتری‌های پرو پا قرص این کتابها بودم، که خاطرات را نگاه کنم. من خیلی تحت تأثیر جذابیت و صداقت و خلوص این نوشته‌ها و گفته‌ها هستم؛ این را واقعاً عرض می‌کنم. یاد کسانی که این کارها را تولید کردند، از خاطر محو نمی‌شود. اسمهایی که من پشت این کتابها خواندم و کتابهایشان را نگاه کردم، غالباً در ذهنم هست و من قدر دان و قدر شناس اینها هستم و اگر می‌توانستم، عظمت این کار را مدح می‌کردم. البته در طول تاریخ، شعرا معمولاً صاحبان قدرت و ثروت و امثال اینها را مدح می‌کردند؛ اما به نظر من باید شماها را مدح کرد. اگر بنده شاعر بودم، یقیناً در مدح شماها، در مدح آقای سرهنگی، در مدح آقای بهبودی، در مدح آقای قدمی، در مدح همین خاطره‌سازان و خاطره‌انگیزان قصیده می‌ساختم؛ حقیقتاً جا دارد؛ چون کار بسیار بزرگ و بااهمیتی است.

نشان جوهره‌ی ملت ایران در دفاع مقدس

به نظر من مسأله‌ی دفاع مقدس و آنچه در این دوران بروز کرد، یک مسأله‌ی عادی نیست؛ برای همه‌ی ملت‌ها این طور است؛ در مورد ملت ما به دلایل گوناگون بیشتر از دیگران است؛ لذا این را نمی‌شود جزو روال عادی زندگی ملت‌ها به حساب آورد. دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهره‌ی خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد. عرض کردم، همه‌ی ملت‌ها همین طورند؛ با اختلافاتی که در کیفیت کار و اهداف و جهتگیری‌ها و نیت‌ها وجود دارد.

دوره‌ی سختی‌ها نشان دهنده ظرفیت‌هاست

دوره‌ی سختی برای یک کشور - چه سختی جنگ باشد، چه سختی اقتصادی باشد، چه فشارهای گوناگون سیاسی باشد - دوره‌ی نشان دادن ظرفیت‌هاست؛ که این ملت چقدر ظرفیت دارد، چقدر قابلیت اظهار وجود دارد، چقدر لیاقت بقا دارد. لذا بهترین آثار هنری هم که انسان نگاه می‌کند، یا بخش‌های زیبای بهترین آثار هنری، مربوط به همین دوره‌های این کشورهاست. شما به آثار داستانی‌یی که وجود دارد، اگر نگاه کنید، شیرین‌ترین و هنرمندانه‌ترین نوشته‌های هنری و رمانهای بزرگ مربوط به بخش‌هایی است که ملتی دارد کار بزرگی از این قبیل انجام می‌دهد. «جنگ و صلح» تولستوی مربوط به مقاومت عجیب مردم روسیه است در مقابل حمله‌ی ناپلئون و حرکت عظیمی که مردم مسکو انجام دادند برای ناکام کردن ناپلئون. تولستوی کتابهای دیگری هم

دارد، اما به نظر من این کتاب برجستگی اش به خاطر این است که کاملاً بر محور روح دفاع مردم روسیه است. همین طور است بسیاری از کتابهای دیگری که یا در مورد انقلاب شوروی نوشته شده، یا در مورد انقلاب کبیر فرانسه نوشته شده، یا در مورد جنگهای فرانسه و آلمان و دفاع مردم فرانسه نوشته شده؛ مثل بعضی از کتابهای امیل زولا. مهمترین آثار رمانی مربوط به دوران حساس یک ملت است، که در آن وقت این ملت توانسته ظرفیت خودش را نشان دهد. شاید نقاشی ها هم همین طور باشد. البته بنده در نقاشی به عنوان یک بیننده هم حتی سررشته‌ی خوبی ندارم؛ اما گمان می‌کنم تا آن حدی که شنیدم، زیباترین یا بخشی از زیباترین نقاشی‌های بزرگ دنیا مربوط به صحنه‌های جنگ است؛ مثلاً صحنه‌ی جنگ «واترلو» و صحنه‌های گوناگون دیگر.

🏠 علت یابی نپرداختن هنرمندان به دوره دفاع مقدس

برای حوزه‌ی هنر کشور، یکی از مهمترین جلوه‌گاه‌ها، دوره‌ی جنگ تحمیلی بر ما و دوره‌ی دفاع مقدس بوده و هنوز هم هست؛ باید از این استفاده کرد. دو سه سال قبل جمع زیادی از هنرمندان در این حسینیه جمع بودند. به آنها گفتم کدام هنرمند است که از روحیه‌ی حماسی پرشور ملت و جوانهای خودش در مقابل دشمنی که قصد داشت غیرت و عزت این ملت را زیر پاهای خودش لگدمال کند، و از زیبایی خارق‌العاده‌ی آن بتواند بگذرد و این را نبیند. اگر دیدیم هنرمندهای ما این را نمی‌بینند و به آن نمی‌پردازند، باید ببینیم عیب کار کجاست. یا در نگاه هنری، یا در عرضه‌ی درست، یا تأثیراتی که سیاستها و دشمنان در فضای فرهنگی کشور دارند می‌گذارند، مشکلی وجود دارد؛ و الاً چطور ممکن است یک ملت فراموش کند یا نبیند و نفهمد؟ لذا خاطره‌گویی شما و ثبت کردن این حوادث، نقش خیلی زیادی در این مسأله دارد.

🏠 مستند، مستدل و تبیین کردن دوره دفاع مقدس

اخیراً از آقای بهبودی و آقای سرهنگی مصاحبه‌ی می‌خواندم، که واقعاً هم همین طور است. این آقایان معتقدند که قضایای دوره‌ی دفاع مقدس را بایستی مستند کرد، تبیین کرد، مستدل کرد تا براساس اینها آثار هنری به وجود بیاید، که کاملاً درست است. اعتقاد من این است که ما هر چه برای دوره‌ی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست؛ چون ظرفیت هنری و ادبی کشور برای تبیین این دوره، خیلی گسترده، وسیع و عمیق است و از این ظرفیت تاکنون استفاده‌ی خوب و در خوری نشده. البته کتابهای خوبی نوشته شده، لیکن این رشته باید استمرار پیدا کند.

کسانی هم می‌خواهند بعمد این خورشید فروزان و این منبع نورانیت و درخشندگی را از خاطره‌ی ملت ببرند؛ چون هر کس که باید در این دوران بیفتد و آن را بشناسد و خصوصیات آن را لااقل تا حدودی درک کند، در خود احساس عزت و انگیزه و امید می‌کند. ملتی که می‌تواند حقیقتاً با



دست خالی در مقابل آن تهاجم بین‌المللی آن‌گونه ایستادگی کند و با ابتکار، با تکیه‌ی به خود، با توسل به پروردگار و استعانت از خدای متعال، خودش را این‌طور از منجلابی که قدرتمندان دنیا برایش درست کردند، موفق و پیروز بیرون بکشد، خیلی در خور ستایش است. این ملت اگر این توانایی را در خودش ببیند و وجود این ظرفیت را در خودش احساس کند، در ادامه‌ی این راه و در حرکت عظیمی که در پیش دارد، هیچ مانعی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. این را می‌دانند؛ لذا نمی‌خواهند این خودآگاهی در مردم ما به‌وجود بیاید. ما بعکس، باید تلاش کنیم این خودآگاهی به‌وجود بیاید.

نسل جدید ما متأسفانه کم‌اطلاع است. باید کاری کرد که نسل جدید و نسل‌های بعد، از این ظرفیت، از این ذخیره‌ی عظیم و از این گنج تمام‌نشده‌ی استفاده‌ی روحی‌کنند؛ امید پیدا کنند و خودشان را بشناسند. این زن ماست، این مرد ماست، این جوان‌های ما هستند که این‌طور در میدان‌های نبرد توانستند ابتکار کنند.

ایستادگی با دست خالی در اول جنگ

اول جنگ، ما هیچ چیز نداشتیم. همه‌ی شما یا اغلب‌تان در جنگ بودید؛ بنده هم از نزدیک شاهد بودم؛ واقعاً دست ما خالی بود؛ نه ارتش ما امکاناتی داشت، نه سپاه که آن روز اصلاً تشکل درستی نداشت؛ حتی تفنگ انفرادی در دست افراد نبود؛ وسایل ابتدایی یک جنگ حقیقی در اختیار نبود. در منطقه‌ی اهواز - که بنده آن‌جاها بودم - بعضی از یگان‌های یک تیپ ما شاید حدود ده دستگاه تانک در اختیار داشتند؛ یعنی یک‌دهم آنچه باید داشته باشند. تانک‌هایشان از بین رفته بود، منهدم شده بود؛ در عین حال جوان‌های ما ایستاده بودند و تلاش می‌کردند.

بدست آوردن بهترین امکانات در سخت‌ترین دوره‌های محاصره‌ی اقتصادی

از زمان شروع جنگ تا الان - این بیست و چهار پنج سال - ما از زمین به آسمان رفته‌ایم. ما را تهدید می‌کنند به تحریم اقتصادی و محاصره‌ی اقتصادی! ما در همین دوره‌ی محاصره‌ی اقتصادی بوده‌ایم که این همه امکانات را به‌دست آوردیم. در سخت‌ترین دوره‌های محاصره‌ی اقتصادی جوان‌های ما توانستند سلاح‌هایی را بسازند که در همه‌ی دنیا آن سلاح‌ها را غیر از امریکایی‌ها و یکی دو دولت عزیز کرده‌ی امریکا هیچ‌کس نداشت. همین موشک ضدتانک «تاو» را جوان‌های ما در چه شرایطی ساختند؟ همه‌ی درها رویشان بسته بود، اما ساختند. همین پیشرفت‌های علمی بی‌کی که امروز شما ملاحظه می‌کنید دارد بروز می‌کند، بنده از سال‌های متمادی می‌گفتم جوان‌های ما دارند کارهای بزرگی می‌کنند، که الان یکی پس از دیگری در بخش‌های مختلف دارد بروز می‌کند. البته موضوع انرژی هسته‌یی‌اش به‌خاطر حساسیت دنیا روی آن، برجسته و شاخص شده؛ و الا در ردیف این کار،

کارهای دیگری که در بخش‌های گوناگون انجام گرفته، واقعاً اهمیتش کمتر از این کار نیست؛ منتها جنبه‌ی نظامی و دفاعی ندارد. اینها همه در شرایط محاصره‌ی اقتصادی بوده، در شرایط فشار سیاسی و اقتصادی بوده، در شرایط بدحسابی و سختگیری دولتهایی که حتی با ما رابطه‌ی اقتصادی هم داشتند، لیکن بدجنسی و ناخن‌خشکی و بدحسابی می‌کردند، بوده؛ ولی ما توانستیم. این، ظرفیت خیلی بزرگی برای یک ملت است که می‌تواند. این ظرفیت را جوانهای ما باید بشناسند.

🔖 نمی‌توانیم یکی از رایج‌ترین تبلیغات دوره‌ی پهلوی

شما می‌دانید در دوره‌ی پهلوی یکی از رایج‌ترین تبلیغات، «نمی‌توانیم» بود. همه‌ی ما از بچگی این‌طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه‌ی زمینه‌ها. اصلاً این فرهنگ را در ذهن ملت ما نهادینه کرده بودند. این در حالی است که این موضوع ۱۸۰ درجه با واقعیت فرق دارد. این ملت، ملت‌ای است که از همه جهت می‌تواند؛ می‌تواند تولید کند، می‌تواند رشد بدهد، می‌تواند ابتکار کند، می‌تواند مرزهای علم و فناوری را بشکند و جلو برود.

🔖 صفا، معنویت و خلوص در جبهه‌ها

البته ما هنوز از دنیا خیلی عقبیم؛ چون مدتهای مدیدی ما را عقب نگه‌داشته بودند - این را خودمان بروشنی می‌دانیم - ولی ما داریم با سرعت این فاصله را طی می‌کنیم تا به جلو برسیم. این، مظهر کاملش در جنگ است؛ هم از جهت روحیات انسانی، و هم از جهت استعداد گرایش معنوی، صفا و معنویت و لطافت، که این همه‌جا بود.

شما ببینید ارتش ایران را در چه شرایطی به وجود آوردند؛ چگونه تربیت کردند و با چه شرایطی اینها را رشد دادند. شرایط، کاملاً شرایط ضد مذهب بود. آن وقت همین ارتش، در نیروی هوایی‌اش، در نیروی زمینی‌اش، در نیروی دریایی‌اش، یک‌سال و نیم تا دو سال بعد از پیروزی انقلاب که جنگ شروع شد، کارهایی کرد و جلوه‌هایی نشان داد که حقیقتاً محیرالعقول است. جوانهایی که مباران‌ها و حملات هوایی اول جنگ را با هواپیماهای خود به وجود آوردند، تربیت‌شده‌های ارتش سابق بودند؛ اما جوهر معنویت، خلوص و صفا در اینها بود.

من در منطقه‌ی اهواز غالباً نیمه‌های شب می‌رفتم از منطقه بازدید می‌کردم. این منظره را خودم دیدم؛ پشت خاکریز و پای تانک، افسری ایستاده بود و داشت نماز شب می‌خواند.

🔖 جنگ، آینده‌ی تمام‌نمای ظرفیت‌های ملت ایران

بچه‌های شهید چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم جمع می‌شدند و هر شب عملیات می‌رفتند

و بنده را هم گاهی با خودشان می بردند. یک شب دیدم افسری با من کار دارد؛ به نظرم سرهنگ ۲ یا سرگرد بود. چون محل استقرار مالشکر ۹۲ بود، لذا به اینها نزدیک بودیم. آن افسر پیش من آمد و گفت: من با شما یک کار خصوصی دارم. من فکر کردم مثلاً می خواهید در خواست مرخصی بدهد. یک خرده لجم گرفت که حالا در این حیص و بیص چه وقت مرخصی رفتن است. اما دیدم با حالت گریه آمد و گفت: شبها که این بچه‌ها به عملیات می روند، اگر می شود، من را هم با خودشان ببرند(!) بچه‌ها شبها با مرحوم شهید چمران به قول خودشان به شکار تانک می رفتند و این سرهنگ آمده بود التماس می کرد که من را هم ببرید! چنین منظره‌ها و جلوه‌هایی را انسان مشاهده می کرد؛ این نشان دهنده‌ی آن ظرفیت معنوی است. بچه‌های بسیجی و بچه‌های سپاه و داوطلبان جبهه و آدم‌هایی از قبیل شهید چمران که جای خود دارند. این، یک بعد از ظرفیت این ملت عظیم است. ابعاد علمی و فنی و تحقیقاتی و ادبی و هنری و امثال اینها، ابعاد بسیار عجیب و شگفت‌آوری است که همه در جنگ بروز کرد و خودش را نشان داد.

جنگ حقیقتاً آینه‌ی تمام‌نمای ظرفیت‌های ملت ایران بود. با کاری که شما دارید انجام می دهید، این را می توانید ماندگار کنید؛ می توانید به ذهن‌های مردم منعکس کنید؛ کار بسیار بزرگ و مهمی است.

نقش هموطنان عرب زبان در دفاع مقدس

کشور مرهون فداکاری شهیدان

خوزستان، منطقه‌ای که توطئه‌ی دشمن را ناکام

گذاشت

عمق راهبردی ملت ایران، پیامی به استکبار

دانستن قدر ملت، پیامی به مسئولین

تلاشهای مجدانه، دلسوزانه و مدبرانه، برای

استانهای کشور

سخنی با برادران و خواهران عرب

مجاهدت شهروندان عرب در راه انقلاب اسلامی

نقش هموطنان عرب زبان در دفاع مقدس *

کشور مرهون فداکاری شهیدان

اگر این شهیدان عزیز [خوزستان] نمی بودند و چنانچه این مردم مؤمن در این منطقه [خوزستان]، سدِ راه دشمن نمی شدند، سرنوشت ایران عزیز و اسلامی چیز دیگری می شد. امروز و فردا و فرداها این ملت و این کشور، مرهون فداکاری شهیدان عزیزی است که این منطقه‌ی عظیم را با جسم و جان خود محافظت کردند، استقلال کشور را حفظ کردند و عزت این ملت را حفظ کردند.

خوزستان، منطقه‌ای که توطئه‌ی دشمن را ناکام گذاشت

من در این منطقه، مردمی را دیدم که عمر خود را در همین منطقه گذرانده بودند - برادران و خواهران عرب - و با شجاعت، با جانفشانی و وفاداری خود به اسلام و ایران عزیز، آن چنان ایستادگی‌ای کردند که همه‌ی محاسبات دشمن بعثی و پشتیبانان خارجی او، غلط از آب درآمد. من در این منطقه، جوانان غیور این کشور را مشاهده کردم که از اکناف این کشور پهناور و بزرگ، از آغوش خانواده‌ها، از زندگی راحت در کنار پدر و مادر، دل بریده بودند تا به اینجا بیایند و از مرزهای شرف و عزت ایران اسلامی دفاع کنند. خوزستان، نقطه‌ای است که در آن توطئه‌ی دشمنان ناکام ماند؛ خوزستان منطقه‌ای است که در آن محاسبات دشمنان اسلام غلط از آب درآمد. طاغوتِ عراق طور دیگری محاسبه کرده بود و پشتیبانان صدام - یعنی امریکا و دیگر عناصر اردوگاه استکبار جهانی - محاسبات دیگری کرده بودند. همت شما مردم، غیرت جوانان مسلمان از سراسر کشور و

حمیت و ایمان مرد و زن این سرزمین، محاسبات آنها را از ریشه باطل کرد. جانمایی در اینجا قربان اهداف بلند اسلامی شدند؛ که این شهید عزیز ما - شهید چمران - یکی از نمونه‌های برجسته‌ی آن است. یاد شهدا گرامی باد! یاد سرداران شهید و مجاهدان راه خدا گرامی باد! یاد شهیدان خوزستان و جوانان مخلص عرب - از اهواز و سوسنگرد و شادگان و حمیدیه و هویزه و دیگر مناطق این استان و شهیدان آبادان و خرمشهر - گرامی باد! اینها این کشور را بیمه کردند.

عمق راهبردی ملت ایران، پیامی به استکبار

یک پیام به استکبار جهانی: استکبار جهانی بداند که این ملت فولاد آبدیده است. زن و مرد این کشور و این مرز و بوم، جوان و پیر این میهن بزرگ اسلامی و نسلهای پی در پی از این ملت بزرگ، که در کوره‌های حوادث آبدیده شده‌اند، برای خودشان یک رسالت قائلند؛ رسالت پاسداری از اسلام و پرچم برافراشته‌ی اسلام در این سرزمین؛ که امروز یک و نیم میلیارد مسلمان در مناطق مختلف دنیا به این پرچم چشم دوخته‌اند؛ این عمق راهبردی ملت و انقلاب ما در کشورهای اسلامی منطقه است؛ در فلسطین است، در شمال آفریقا است، در خاورمیانه است، در آسیای میانه است و در شبه قاره است؛ اینها عمق راهبردی ملت ایران است.

پیامی به مسئولین نظام

پیام دوم خطاب به مسئولین عزیز خودمان است؛ مسئولین کشور، قدر این ملت را بدانند؛ این پیوند میان ملت و مسئولین یک چیز ارزشمندی است. با همه‌ی وجود برای این مردم و همه‌ی مناطق کشور کار کنند؛ به خصوص منطقه‌ای مثل منطقه‌ی پراستعداد خوزستان؛ که هم از لحاظ طبیعی و هم از لحاظ نیروی انسانی، منطقه‌ی بسیار بااستعدادی است.

تلاشهای مجدانه، دلسوزانه و مدبرانه، برای استانهای کشور

خدا را شکر می‌کنیم که این دولتی که اکنون سرکار است، دولت کار است؛ دولت کار، دولت خدمت. ملت هم همین را می‌خواهد؛ مردانی که آستینها را بالا بزنند و کمر خدمت به این مردم را ببندند. من در سال هفتاد و پنج که به خوزستان آمدم، در تمام این منطقه‌ی وسیع حرکت کردم؛ خیلی جاها را خودم از نزدیک دیدم، خیلی جاها هم هیأتیایی فرستادیم، دیدند؛ اگر آن برنامه‌هایی که در نُه سال قبل برای خوزستان طراحی شد، خوب اجرا می‌شد، حالا ما خیلی جلوتر بودیم. حالا هم دیر نشده است. باید برای خوزستان و همه‌ی استانهای کشور، تلاشهای مجدانه، دلسوزانه و مدبرانه انجام بگیرد.

سخنی با برادران و خواهران عرب

اکنون می‌خواهم با شما برادران و خواهران عرب، با زبان دوست‌داشتنی عربی سخن بگویم. باز هم از اینکه در این منطقه و در میان برادران و خواهران گرامی عرب هستم، احساس افتخار و خوشوقتی نموده و خاطرات شورانگیز و ارزشمندی در دلم غلیان می‌کند.

مجاهدت شهروندان عرب در راه انقلاب اسلامی

درست در همین جا، در میان شما شهروندان عرب بود که طی سالهای دفاع مقدس، با چشم خود عظمت جهاد و فداکاری‌های ستیغ شما را مشاهده کردم. اینجا، در همین سرزمین پاک، مردان و زنان سرشار از ایمان و آگاهی و دلاوری را دیدم که به همان گونه که بر تانکها و توپها و مزدوران پست بعثی پیروز شدند، توانستند ترفندها و دسایس دشمن را نیز درهم شکسته و خنثی کنند. در همین جا بود که من دل‌هایی لبریز از عشق و وفا به خاندان پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و سرشار از وفاداری به میهن اسلامی را می‌دیدم، که از جوانان خود پاره‌هایی آهن، و از مردانشان دژهایی تسخیرناپذیر برای دفاع از مرزهای میهن ساخته بودند. من در اینجا، روزها و شبهایی را با هم‌میهنانی پُر اخلاص و محبت و دارای غیرت دینی و شهادت‌حسینی به سر بردم. آنان در جهاد خود علیه انگلیسیها و عمال مزدورشان، و در راه انقلاب اسلامی و استقلال و شرف و عزت میهن، افتخارات عظیمی را برای خود به ثبت رسانده‌اند.

نُه سال پیش، وقتی در اهواز با برادران عزیز و ارجمندی که از حمیدیه، سوسنگرد، شادگان، هویزه و سایر مناطق خوزستان آمده بودند، دیدار کردم، همین خاطرات در ذهنم تازه شد و در سخنان شعرا و خطبای عرب این منطقه، که به گوش همه‌ی ملل عرب رسید، انعکاس یافت. خوشحالم که امروز نیز، بار دیگر به دیدار جمعی از شما هم‌میهنان عرب می‌آیم و با مروری بر گذشته، آینده‌ی درخشان این منطقه‌ی حساس میهن اسلامی را در برابر خود می‌بینم.

تفاوت دفاع مقدس با بقیه‌ی جنگ‌های دنیا

❁ دو مقوله بسیار مهم در دفاع مقدس

❁ تفاوت‌های جنگ تدافعی و تهاجمی

❁ دفاع مقدس، جنگ قدرتهای بین‌المللی با ایران

❁ قرار گرفتن تمام امکانات جنگی دنیا در خدمت عراق

❁ پایان جنگ، یکی از بخشهای مهم و مایه‌ی افتخار

❁ کار کم انجام گرفته در مقوله خاطرات و تاریخ جنگ

❁ جنگ، حادثه‌ای سرشار از درس برای ملت‌ها

❁ صدهزار عنوان کتاب برای چهار سال جنگ

بی افتخار!

❁ دفاع مقدس، جنگِ سر تا پا افتخار

تفاوت دفاع مقدس با بقیه‌ی جنگ‌های دنیا* ❁

❁ دو مقوله بسیار مهم در دفاع مقدس

دو مقوله را از هم جدا کنید؛ هر کدام از اینها حرف و گفت فراوانی می‌طلبند. یک مقوله، مقوله‌ی مربوط به مسئله‌ی دفاع مقدس است؛ این دفاع مقدس و دوران هشت‌ساله، مثل جنگ‌های معمولی و بقیه‌ی جنگ‌های دنیا نیست؛ بلکه خصوصیتی دارد.

این، یکی از آن دو مقوله است که باید درباره‌اش بحث بشود؛ نه اینجا و به وسیله‌ی من، بلکه در فضای کلی جامعه باید مورد مذاقه و تأمل قرار بگیرد. یکی هم یک مقوله‌ی فرعی نسبت به این مقوله است که آن هم به نوبه‌ی خود، خیلی مهم است و آن، خاطرات جنگ، تاریخ جنگ و ادبیات جنگ و هنری است که در شعبه‌ها و شاخه‌های مختلف، مصروف این ادبیات خواهد شد. هر کدام از این دو مقوله مهم است.

❁ تفاوت‌های جنگ تدافعی و تهاجمی

در مورد قضیه‌ی اصل جنگ: اولاً این جنگ، یک جنگ تدافعی بود. جنگ تدافعی با جنگ تهاجمی دو فرق عمده در معنا و مضمون دارد؛ یک فرق این است که جنگ تهاجمی، حاکی از خوی تجاوزطلبی است؛ اما جنگ تدافعی این‌طور نیست. دوم اینکه جنگ تدافعی و دفاعی، محل بروز غیرت و تعصب و وفاداری عمیق انسانها به آرمانهایی است که به آنها پایبند است؛ حالا یا این آرمانها وطن است یا بالاتر از آن؛ یعنی دین و عقیده و اسلام. در جنگ تهاجمی، این مطرح

نیست. فرض کنید امریکا که به عراق حمله میکند، سرباز امریکایی نمیتواند ادعا کند که این کار را دارد برای عشق به وطن خود میکند؛ عراق به وطن او چه ربطی دارد؟! در خدمت اهداف دیگری است. اما اگر عراقی در داخل کشور خود، در مقابل این حمله و این هجوم نظامی و حضور نظامی ایستادگی کرد، معنای این ایستادگی، دفاع از وطن، دفاع از هویت ملی و دفاع از ارزشهایی است که این به آن پایبند است. جنگ دفاعی و جنگ هجومی، این دو تفاوت را دارد.

جنگ ما، جنگ دفاعی بود. ملت ایران نشان نداد که مایل به تجاوز و تعرض است؛ و ملت ایران نشان داد آنجایی که پای دفاع از هویت ملی و آرمانهای عزیزتر از هویت ملی در میان است، ایستادگی او، ایستادگی درس آموز است؛ ایستادگی معمولی نیست، ایستادگی ای است که میتواند برای ملت‌های دیگر، به عنوان الگو و سرمشق به حساب بیاید؛ کما اینکه به حساب آمد؛ هم فلسطینیها به ما گفتند که ما از شما یاد گرفتیم؛ هم لبنانیها در طول این سالها مکرر به ما گفتند که ما از شما یاد گرفتیم؛ هم ملت‌هایی که نامسلمان بودند و مسلمان شدند یا مسلمان بودند و پیرو مکتب اهل بیت شدند، مکرر در مکرر از جاهای مختلف گفته‌اند که ما از جنگ شما، از دفاع شما و از ایستادگی شما، به صدق شما پی بردیم. حقیقتاً دوران دفاع مقدس، چنین دورانی بود و دفاع مقدس، حامل یک چنین مضمونی بود. حالا این بخشی از مقوله‌ی نگرش در دفاع مقدس و مضامین آن است.

🏠 دفاع مقدس، جنگ قدرتهای بین‌المللی با ایران

یک بخش دیگر این است که در دفاع مقدس، حادثه‌ای که اتفاق افتاد، چه بود؟ یک وقت بین دو کشور - حالا همسایه یا غیر همسایه - جنگی اتفاق می‌افتد، این یک‌طور است؛ یک وقت هم یک اتحاد نانووشته و اعلام‌نشده و بعضاً اعلام‌شده از سوی همه‌ی قدرتهای بین‌المللی - قدرتهای حاضر در جهان - علیه یک نقطه و یک کانون و یک مرکز است؛ این دو با هم فرق دارند. این جنگ، با آن جنگ تفاوت دارد. جنگ ما، از نوع دوم بود؛ یعنی همه‌ی کانونهای قدرت بین‌المللی - قدرت نظامی و سیاسی و پولی و امنیتی و غیره - متفق‌القول و متحد‌العمل بر سر ایران ریختند؛ جنگ احزاب به معنای واقعی کلمه؛ یعنی همه‌ی احزاب قدرت دنیا و باندها و مجموعه‌های قدرت، بر سر ایران ریختند. چرا؟ آن یک تحلیل سیاسی دارد؛ به هر دلیل. یعنی شوروی و امریکا با همه‌ی اختلافاتشان، در این قضیه هماهنگی داشتند. همین سنگرها و پنج‌ضلعی‌هایی که آقایان اشاره کردند، تاکتیکهای شوروی بود که به عراقیها منتقل شده بود. شماها که دستتان توی کار جنگ بوده، اینها را میدانید و مطلعید. هواپیمای غربی و شرقی، موشک غربی و شرقی، توپخانه‌ی غربی و شرقی، تانگ پیشرفته‌ی غربی و شرقی و انواع مهمات‌های غربی و شرقی، به وسیله‌ی رژیم بعثی عراق، علیه ما به کار رفت؛ یعنی همه به آن کمک میکردند.

✚ قرار گرفتن تمام امکانات جنگی دنیا در خدمت عراق

بعد از اینکه جنگ تمام شده بود - به نظرم آخر سال ۶۷ بود - در سفری که بنده - آن وقت رئیس جمهور بودم - و مسئولان به یوگسلاوی سابق - که از هم پاشید و یکی از مراکز مهم پشتیبانی عراق بود - داشتیم، پس از یک مذاکره ی طولانی و مفصل، حاضر نشد حتی تانگش را به ما بفروشد! در حالی که هر وقت عراقیها در جبهه کم میآوردند، بلافاصله انواع و اقسام تانگهای شرقی و غربی برایشان میآمد؛ وقتی یک تانگشان ضربت میخورد، معطلش نمیشدند، جرثقیل را میآوردند و آن را به داخل هور بارودخانه پرتاب میکردند و از دور خارجش میکردند؛ برایشان اهمیتی نداشت. حالا بچه های ما با چه زحمتی این تانگهای غنیمتی را گیر میآوردند، وصله پینه میکردند و استفاده میکردند. یعنی از امکانات جنگی - انواع و اقسام مهمات و ابزار - از تاکتیک، از اطلاعات فضایی، از همه ی انواع پشتیبانها - پول، پشتیبانی سیاسی و غیره - در اختیار یک طرف جنگ بود - که رژیم بعثی بود - و همه در آنجا متمرکز شده بودند؛ یک طرف هم جمهوری اسلامی به تنهایی - تنهایی واقعی - بود. این هم یک بعد جنگ است.

✚ پایان جنگ، یکی از بخشهای مهم و مایه ی افتخار

یک بعد دیگر در این مقوله ی خود جنگ، مسئله ی پایان جنگ است؛ که با این بگومگوهای بیخودی، یک شبهه های بی معنی و بی محتوایی در بعضی از ذهن های آماده ی شبه و شبهه پذیر ایجاد کردند. چه کسی میتواند شک کند در اینکه جمهوری اسلامی در دفاع هشت ساله، پیروز مطلق شد؟! اصلاً این قابل تردید نیست. با همان تفاسیلی که گفتیم، یک رژیمی با نیروی نظامی تجهیز شده و به شدت آماده، به قصد ساقط کردن رژیم یک کشور و تجزیه ی آن، وارد آن کشور میشود، بخشی از آن را اشغال نظامی میکند و همه ی دنیا هم به آن کمک میکنند؛ هشت سال هم همین طور فشار میآورد و آخر سر مجبور میشود دست خالی از این کشور خارج شود؛ در حالی که تعداد کشته ها، مجروحان و اسیرانش بیش از این کشور مورد تهاجم است؛ کشور مورد تهاجم در بخشهای مختلف در طول جنگ، به قابلیت های فراوانی دست پیدا کرده؛ اما او از کیسه خورده و از چشم قدرتهای پشتیبان خودش هم افتاده و یک وجب هم از خاک این کشور در دست او باقی نمانده است؛ خوب، در این قضیه، چه کسی پیروز است؟ چه کسی شکست خورده است؟ جای تردید است؟! جای شبهه است؟! این پایان جنگ، یکی از مسائل و بخشهای مهم جنگ است که مایه ی افتخار است.

✚ کار کم انجام گرفته در مقوله خاطرات و تاریخ جنگ

در مقوله ی خاطرات و تاریخ جنگ، من میخواهم تکیه و تأکید کنم. ما همه ی این حجم کاری

که انجام دادیم، در مقابل آنچه که باید انجام بگیرد، بسیار کم است. با اینکه الان، هم سپاه، هم ارتش، هم حوزه‌ی هنری، هم بخش‌های مختلف مردمی، هم ستاد کل و آن قسمت تاریخ جنگ مشغول کار هستند، در عین حال، فرآورده‌های مجموع اینها، هم از لحاظ کمیت، بسیار کمتر از آن چیزی است که باید باشد، هم از لحاظ کیفیت - اگر چه بعضی از کیفیات آنها واقعاً خوب است - اما در مجموع، آن کیفیتی که باید نشان‌دهنده‌ی زیباییها، ظرافتها، لطفها، برجستگیها و درخشندگیهای این دوران عجیب باشد، نیست و هنوز خیلی جا برای حرف زدن هست؛ خیلی. ببینید! وقتی گفته میشود که مثلاً ما ششصد یا هزار عنوان کتاب درباره‌ی دفاع مقدس نوشته‌ایم، بعضیها خیال میکنند که این خیلی زیاد است؛ نه، این خیلی کم است.

🌸 جنگ، حادثه‌ای سرشار از درس برای ملت‌ها

جنگ یکی از مقاطع حساس تاریخ برای همه‌ی ملت‌هاست؛ چه در آن جنگ شکست بخورند، چه پیروز بشوند؛ بررسی این حادثه برای آن ملت‌ها، سرشار از درس است. نه اینکه فقط افتخار کنیم؛ افتخار کردن، یکی از بخش‌های قضیه است؛ اطلاعات فراوان، آگاهی‌های گوناگون، نشان دادن وضعیت‌هایی که وجود داشته است و وضعیت‌هایی که میتواند در آینده وجود داشته باشد، از بخش‌های دیگر قضیه است.

🌸 صد هزار عنوان کتاب برای چهار سال جنگ بی‌افتخار!

در دنیا روی جنگ‌هایی که اتفاق می‌افتد، خیلی کار میکنند؛ من میدانم شما دوستان یا دوستانی که در این مقوله‌ها مشغول کارند، چقدر اطلاع دارند که بر روی جنگ‌های گوناگون در کشورهای مختلف، چقدر کار شده است. من فقط این یک رقم را عرض بکنم: این جنگ‌های داخلی امریکا - که معروف به جنگ‌های انفصال است که تقریباً از سال هزار و هشتصد و شصت شروع شده و چهار سال هم طول کشیده؛ و در سال هزار و هشتصد و شصت و چهار یا شصت و پنج هم تمام شده است؛ من حالا دقیق یادم نیست - جنگ بین شمال و جنوب و جنگ بین ایالات مختلف در یک کشور بود و تقریباً حدود هشتاد یا نود سال بعد از تشکیل دولت ایالات متحده‌ی امریکا، دو بخش از این کشور با همدیگر جنگ کردند. یک نویسنده‌ی امریکایی - که ظاهراً معاصر ماست - میگوید: درباره‌ی این جنگ‌ها بیش از صد هزار عنوان کتاب نوشته شده است! برای چهار سال جنگ، آن هم جنگ بی‌افتخار - جنگ دو بخش از یک ملت با همدیگر افتخاری ندارد - بیش از صد هزار عنوان کتاب نوشته شده است. این را این نویسنده‌ی امریکایی - که نویسنده‌ی معتبری هم هست - میگوید. البته بعضی از این تبلیغاتچی‌های امریکا، این جنگ انفصال را میگویند: جنگ برای لغو برده‌داری؛ که این هم دروغ است، این طوری نیست. البته همان زمان آبراهام لینکلن

بوده و برده‌داری لغو شده؛ اما این جنگها برای آن نیست. کسی تاریخ این جنگها را بخواند، درست می‌فهمد. درباره‌ی جنگ داخلی بی‌افتخارِ سرتاسر شکست و پُرخسارت - که بالاخره بخش شمال بر بخش جنوب که تجزیه‌طلب بود، پیروز شد و دوباره حکومت ایالات متحده را برقرار کردند؛ در واقع کشور امریکا شکست خورد؛ اگر چه که یک بخش بر بخش دیگر پیروز شد؛ آن چیزی که نقل میشود، حدود ششصد، هفتصد هزار نفر در این چند سال کشته دادند؛ یعنی چند برابر مجموع شهدای مادر جنگ تحمیلی و دفاع مقدس! - برای چهار سال، آن همه کتاب نوشته‌اند.

🕌 دفاع مقدس، جنگِ سرتاپا افتخار

دفاع مقدس، جنگِ سرتاپا افتخار است؛ از همان روزی که رژیم صدام به تهران حمله کرد و فرودگاه رازد، و تاروژی که امام قطعنامه را قبول کردند و تا بعد از آنکه صدام دوباره حمله کرد و باز مردم مبارز و مجاهد ماریختند و تمام صحرای این منطقه را پُر کردند و جوانان بسیجی از سرتاسر کشور که نمایش عجیبی نشان دادند و عراق را در این نوبت دوم، مجبور به عقب‌نشینی کردند، سرتاسر این دوران، دوران افتخار است.

جا دارد که کار هنری بشود، ثبت و ضبط بشود و کار تخصصی انجام بگیرد. الان مراکزی هست و دوستانی کارهای حرفه‌ای و تخصصی خوبی انجام میدهند. در آن واحد دو کار: هم کار حرفه‌ای و تخصصی و مدیریت مطلع و عالمانه‌ی بر جمع‌آوری خاطرات، هم در کنار آن، استفاده‌ی از عموم کسانی که در جاهای مختلف خاطراتی از جنگ دارند و منحصر نکردن آن به یک کانال خاص که موجب محدودیت نشود.

تشکیل و نقش آفرینی بسیج در دفاع مقدس

- نقش نداشتن ملت ایران در جابجایی قدرت قبل از انقلاب
- ماندگاری شجره طیبه بسیج
- حضور مؤمنانه و پر تلاش نیروهای بسیج در جنگ
- منحصر نبودن نقش بسیج به معرکه جنگ
- احساس و تلقی که یک بسیجی باید داشته باشد
- نیاز همیشگی به بسیج
- پشتیبانان جدی دین و دینداران
- مسئله اصلی دشمنی دشمنان نظام
- بازسازی امواج تبلیغات علیه نظام
- جوانان به تعمیق پایه‌های معارف دینی و انقلابی پردازند

تشکیل و نقش آفرینی بسیج در دفاع مقدس *

آنچه که گفته میشود به عنوان ثبت در تاریخ، این اگر چه که حقیقتی در ورای آن وجود دارد - که اشاره خواهیم کرد - اما مهمتر از آن ثبت در کتاب کرام‌الکاتبین است؛ ثبت در صحیفه‌ی نورانی صدیقین و بندگان صالح خداست؛ آن چیزی که برای آن جا دارد هر انسانی همه‌ی لحظات زندگی خود را به کار بیندازد و تلاش خود را برای آن مصروف کند؛ این همانی است که امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) در آن لحظه‌ی آخر فرمود: «و لمثل ذلك فليعمل العاملون». اگر تلاشی از انسان بناست سر بزند، چه بهتر که هدف آن تلاش، یک چنین جایگاهی، یک چنین رتبه‌ای باشد.

نقش نداشتن ملت ایران در جابجایی قدرت قبل از انقلاب

اما مسئله‌ی تاریخ هم در عین حال، مسئله‌ی کمی نیست. به تاریخ گذشته‌ی این ملت که مراجعه کنید، هر چه نگاه میکنید می‌بینید در انتقال و جابه‌جایی قدرت‌ها، مردم کشور ما نقشی نداشتند؛ جانبداری‌ای نداشتند؛ حضور مؤثر و فعالی نداشتند. تنها در انقلاب اسلامی است که وقتی صلا‌ی انقلاب از سوی رهبر بی‌نظیر ما به گوش رسید، ملت حرکت کرد. مسئله، مسئله‌ی این نبود که خواصی از جامعه، جریانی از جامعه، گروهی از ابعاض و اشخاص جامعه بیایند وسط میدان؛ اقیانوس به تلاطم درآمد، اقیانوس ملت. وقتی هم که نوبت دفاع مقدس رسید، باز تنها نیروهای مسلح مرسوم نبودند که احساس وظیفه کردند، آحاد مردم حرکت کردند؛ هر جا دل آماده‌ای بود، هر جا انگیزه و نشاط و ایمان برتری بود، آمد وسط میدان.

ماندگاری شجره طیبه بسیج

در این مجموعه‌ی عظیم ملی، آنچه که مثل یک شجره‌ی طیبه در این سرزمین طیب و طاهر باقی ماند و ماندگار شد، همین شجره‌ی طیبه‌ی «بسیج» بود. متعهدترین، مشتاقترین، پرانگیزه‌ترین افرادی که آمدند در این صحنه حضور پیدا کردند، مجموعه‌ی بسیج عظیم نیروهای ما بودند؛ صحنه را هیچ وقت خالی نگذاشتند.

سازماندهی بسیج، یکی از نوآوری‌های امام بزرگوار بود. سازمانی به نام بسیج بعد از آنکه بسیج عبارت بود از مجموعه‌ی انگیزه‌های مقدس و احساس مسئولیت و تعهد، آن را در قالب یک سازمان درآوردن، این جزو ابتکارات ماندگار امام بزرگوار بود. ما دیدیم برخی از سران کشورهای اسلامی نسبت به این قضیه با صراحت اظهار کردند که این کار بسیار بزرگی است. حقیقتاً هم کار بزرگی بود که امام انجام دادند. همین مجموعه‌ی بسیجی بود - یعنی علاقه‌مندان و داوطلبان - که به تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید. درست است که بسیج، دنباله‌ی مجموعه‌ی سپاه و منضم در مجموعه‌ی سپاه پاسداران است؛ اما در واقع خود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از همان کسانی تشکیل شد که پیشروان و سابقون در بسیج بودند و آمدند وسط میدان؛ این شجره‌ی طیبه است.

لذا در عرصه‌ی کار بزرگی که در این کشور انجام گرفت - یعنی دفاع مقدس - کشور هیچ احساس ضعف نکرد. با اینکه ما از لحاظ نیروی نظامی، از لحاظ تجهیزات و توانائی‌های عرفی معمولی با دشمنمان که طرف مقابل ما بود، خیلی تفاوت داشتیم - همه‌ی موجودی ما بخشی از موجودی دشمن مقابل ما نمیشد - اما احساس ضعف نکردیم. در همان عین محنتها در دوران دفاع مقدس، حضور پر شور جوانهای این کشور دلها را بالاب از امید میگرد و کارساز هم بود. بسیج، یک چنین شجره‌ی طیبه‌ای است.

حضور مؤمنانه و پر تلاش نیروهای بسیج در جنگ

شاید بسیاری از شما جوانهای عزیز، دوران دفاع مقدس را درک نکردید، در آن دوران نتوانستید، نبودید که بیایید وسط آن میدان؛ اولاً باید با اوضاع داوطلبان و جوانان مؤمن آن روز همه آشنا شوند؛ مخصوص شما نیست. همه باید بدانند که در دوران دفاع مقدس چه معجزات عظیمی از حضور مؤمنانه و پر تلاش نیروهای بسیجی در صحنه‌های جنگ اتفاق افتاد؛ این را باید همه بدانند. نوشته‌هایی هست، کتابهای خوبی نوشته شده است؛ من توصیه میکنم این کتابهایی که در شرح حال سرداران است یا آنچه که در گزارش روزهای جنگ و سالهای دشوار اول بالخصوص نوشته شده، این را جوانها بخوانند. خود را سیراب کنید از معرفت به آنچه که گذشته است در تاریخ انقلاب؛ ارزش بسیج اینجا معلوم میشود. بسیج نخبگان را در درجه‌ی اول جذب کرد؛ هم نخبگان تحصیلی و علمی را، هم نخبگان سیاسی را، هم فعالان عرصه‌های اجتماعی را و هم دلهای پاک و نورانی را. میدانی بود که جوانان دانشجو هم جذب آن میشدند؛ پیرانی که دوران تلاش آنها سپری شده بود، جذب میشدند؛ نوجوانان هم جذب میشدند. و همه احساس میکردند که

سیراب میشوند؛ تشنگی معنوی آنها در بسیج، در حضور در آن عرصه‌های دشوار برطرف میشود. یک چنین عرصه‌ای بود، عرصه‌ی دفاع مقدس و حضور بسیج در آن. بنابراین در تاریخ این کشور، این حادثه، حادثه‌ی ماندگاری است؛ تشکیل بسیج و نقشی که آن روز در دفاع مقدس ایفاء کرد.

منحصر نبودن نقش بسیج به معرکه جنگ

لکن من میخواهم به شما عرض بکنم نقش بسیج منحصر به معرکه‌ی جنگ و عرصه‌ی نبرد نیست؛ اگر چه که عرصه‌ی نبرد یکی از مظاهر حضور مردمی و حضور بسیج است بدون تردید. بهترین نیروهای ما، پاک‌یزه‌ترین نیت‌های جوانان ما، پاک‌ترین و پاکدامن‌ترین عناصر جوان ما در بسیج میتوانند حضور پیدا کنند و متشکل شوند. واقعیت هم همین بوده است. در هر جایی که اسلام به آن نیازمند است و جمهوری اسلامی نسبت به آن احساس نیاز میکند، نیروی بسیج میتواند در آنجا حضور پیدا کند؛ همچنانی که خوشبختانه در عرصه‌ی علم و تحصیل دانش، جوانان بسیجی، می‌بینیم و میشنویم که رتبه‌های بسیار خوب و برجستگی‌هایی را کسب کردند و از خودشان نشان دادند. هر جایی که جای حضور - حضور مردمی و حضور نیروی انسانی فعال و پرانگیزه - است، آنجا جای بسیج است.

احساس و تلقی که یک بسیجی باید داشته باشد

شما جوانان عزیزی که امروز در مجموعه‌ی بسیج حضور دارید و نیروی مقاومت، سازمانده‌ی شما را بر عهده گرفته است، احساس و تلقی‌تان از مسئولیت یک انسان در قبال اسلام باید این باشد که میتوانید مؤثر باشید، میتوانید این حرکت عظیم را سرعت ببخشید، میتوانید گره‌هایی را باز کنید، میتوانید در مقابل تهاجم‌های گوناگون ایستادگی کنید؛ چه تهاجم سیاسی، چه تهاجم تبلیغاتی، چه جنگ‌های روانی و چه احیاناً تهاجم نظامی. و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و کشور ما به این حضور مردمی و پرانگیزه و برخاسته‌ی از ایمان، حداکثر نیاز را دارد؛ چون اتکاء این نظام به خدا و عوامل الهی است و مهمترین عوامل الهی همین ایمان‌های مردمی است؛ «هو الذی آتدک بنصره وبالْمؤمنین». خداوند به پیغمبرش میفرماید: خدا تو را به وسیله‌ی نصرت خود و به وسیله‌ی مؤمنین تأیید کرد. یعنی یکی از مظاهر نصرت الهی، اعمال قدرت الهی، نصرت مؤمنین است.

نیاز همیشگی به بسیج

نظام جمهوری اسلامی اتکال به خداست - دستگاه دیپلماسی ما، فعالیتهای گوناگون دولتهای مادر دنیا در محدوده‌ی ارتباطات بین‌المللی و فعالیتهای متعارف سیاسی طبق ارزیابی‌های خود آنها، جزو کشور‌های فعال به حساب می‌آید و فعالیتهای ما موفق به حساب می‌آید - در عین حال به هیچ قدرتی، به هیچ دوستی اتکال و اتکاء نمیکنیم. اتکاء ما به نیروی درونی خود ماست که همان ارتباط با خداست، اتکال

به خداست؛ متمرکز کردن موهبت‌های الهی است در وجود انسانها، تا بتوان کارآئی آنها را چند برابر کرد؛ این کاری است که امروز بر عهده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. لذا همیشه به بسیج نیاز هست، چه در دورانی که تهدیدی وجود داشته باشد - چه تهدید سیاسی، چه تهدید اقتصادی، چه تهدید نظامی - و چه حتی در دورانی که تهدیدی وجود نداشته باشد. و خوشبختانه قشرهای گوناگون مردم به این نیاز پاسخ دادند؛ در هر نقطه‌ای از این کشور، قشرهای گوناگون از شهری، از روستائی، از عشائر، از دانشجو، از کارمند، از دانش آموز، از بقیه‌ی اصناف گوناگون کشور؛ از کارگر، از کشاورز، همواره اجابت شنیده شده است نسبت به دعوت در مجموعه‌ی بسیج.

پشتیبانان جدی دین و دینداران

یک نمونه همین عشائر عزیز ما هستند که استان شما، جزو استانهای عشائر نشین است و بسیج عشائر در اینجا جزو بسیج‌های فعال است. معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیتها یکی از نگرانی‌های آنهاست؛ در کشور ما بعکس است. عشائر ما همیشه در طول زمان که ما سراغ داریم، جزو پشتیبانان فعال و جدی دین و دینداران و علمای دین و حرکتهای دینی بوده‌اند. هر چه نگاه میکنیم در گذشته اینجور می‌بینیم؛ در زمان ما هم همینجور است. در دوران طاغوت هم همین عشائر فارس، در مقابل زور گوئیهای طاغوت ایستادند. خواستند آنها را به معارضه با مجموعه‌ی دینداران وادار کنند، اما نتوانستند؛ به انقلابیون، به مبارزین کمک کردند. آنجائی هم که کمکی بظاهر نبود، دلهاشان با آنها همراه بود. این مجموعه‌ی عشائری ما هستند. در بقیه‌ی مجموعه‌های ما هم همیشه همین جور است و این آمادگی باید باشد.

مسئله اصلی دشمنی دشمنان نظام

بارها این را گفته‌ایم: نظام جمهوری اسلامی با اعلام آرمان عدالتخواهی در سطح بین‌الملل، قهراً دشمنانی برای خود تدارک دیده. همه‌ی کسانی که در سطح تعاملات جهانی معتقد به سلطه و زور گوئی و تجاوزند، با شعار عدالت‌طلبی از سوی نظام جمهوری اسلامی معارضه می‌کنند، مخالفند، عصبانی‌اند؛ همچنانی که با شعار استقلال ملی، دشمنانی در مقابل ما صف‌آرایی میکنند. همه‌ی انحصار طلبان، همه‌ی جهانخواران، همه‌ی آنهایی که دستشان بناحق و ناروا در سفره‌ی منابع مادی این کشور دراز بوده و چپاول میکردند، وقتی که این کشور و این ملت اعلام استقلال و نفوذ‌آیادی بیگانگان را قطع میکند، طبیعتاً صف‌آرایی میکنند. نباید تصور کرد دشمنی دشمنان به خاطر این است که فلان موضعگیری را دولت جمهوری اسلامی یا فلان مسئول کشور انجام داده. مسئله، مسئله‌ی اصل نظام و ساخت نظام است؛ مسئله، مسئله‌ی شعارهای اصولی نظام و امام است.

ملتها به عکسِ قدرتهای سلطه‌گر دلشان با شماست. آنها بسیجی جوان ایرانی را تحسین میکنند. نام شما، یاد شما، حرکات شما خیلی دلها را در دنیای اسلام، حتی در بیرون از دنیای اسلام به شما

جذب کرده. این تهدیدها بنابراین هست، پس حضور مردمی و حضور بسیجی هست.

🏠 بازسازی امواج تبلیغات علیه نظام

امواج تبلیغات علیه نظام اسلامی را هرگاه یک بار از سوی قدرتهای سلطه‌گر می‌بینید. کانه این امواج بازسازی میشود. گاهی به عنوان مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، گاهی به عنوان حقوق بشر، گاهی با عناوین گوناگون دیگر تبلیغات رسوا علیه نظام جمهوری اسلامی سازماندهی میشود. منتها چه کسی این تبلیغات را سازماندهی میکند؛ خود مَهر آن سازمان دهان رسواکننده‌ی این تبلیغات است؛ کسانی که خودشان بیشترین نقض حقوق بشر را کرده‌اند. بیشترین تعرض را به ملت‌ها کرده‌اند؛ بیشترین چپاول را از منابع انسانها و ملت‌ها انجام داده‌اند؛ آنها پیشرو این تبلیغاتند. ولی ملت ایران بیدار است. ملت ایران زنده است.

🏠 جوانان به تعمیق پایه‌های معارف دینی و انقلابی پردازند

شما جوانان باید دائماً هشیار باشید. معارف دینی خود و معارف انقلابی خود را هر چه میتوانید تعمیق کنید. مثل پاره‌های پولاد؛ «زبر الحديد» - آنطوری که در تعبیرات حدیث و در بعضی دعاها وجود دارد - نفوذ ناپذیر و نفوذ کننده و در مقابل دشمن برنده و با اراده‌ی قوی باشید.

اگر بخواهید این هویت را به صورت کامل برای خودتان تأمین کنید و حفظ کنید، و ان شاء الله کسانی که در آینده به شما ملحق خواهند شد در نسلهای بعدی، همین‌طور این شجره‌ی طیبه و این جریان مقدس ادامه پیدا کند، بایستی پایه‌های معارف را در دل‌ها تان مستحکم کنید. من توصیه میکنم در زمینه‌ی مسائل دینی، جوانها از معارف بلندی که جزو بهترین آنها آثار شهید مطهری است، حتماً استفاده کنند. شعارها خیلی خوب است، جهتگیری‌ها خیلی خوب است؛ بایستی به این جهتگیری‌ها و به این شعارها عمق داد. جوانها از کتابهای شهید مطهری استفاده کنید، از شرح حال سرداران غفلت نکنید؛ آگاهی از شرح حال این شهدای راه حق. در درجه‌ی اول سردارانند، اما مخصوص سرداران نیست. من یک کتابی را میخواندم که شرح حال یک دسته، یک جزئی از یک گروهان بسیجی سپاه در یکی از حملات دفاع مقدس بود. حضور افراد یک دسته در صحنه‌ی نبرد، فعالیت‌های بسیار مؤثرشان، شوقشان، ایمانشان، ضربه‌ای که به دشمن وارد کردند و بالاخره آن نورانیتی که در عرصه‌های نبرد کسب کردند، در بیاناتشان؛ و آنهایی که شهید شدند، در وصیتنامه‌شان این نورانیت منعکس است. من بهره‌مند میشوم. من هر وقت یک چنین چیزهائی را میخوانم، بهره‌مند میشوم، استفاده میکنم. باب این استفاده را به روی خودتان باز کنید. امیدهای آینده‌ی کشور شما جوانان هستید و در میان جوانان کشور، پرانگیزه‌ترینها و با ایمان‌ترینها بیشترین امیدها را برای این کشور و برای این ملت به وجود می‌آورند و یقیناً مجموعه‌ی بسیج از این قبیلند. از خداوند متعال مسئلت میکنیم که این راه روشن، این شجره‌ی طیبه، این هویت نورانی را برای انقلاب اسلامی روز به روز سرزنده‌تر و شاداب‌تر بفرماید.

کار هنری در زمینه دفاع مقدس،
یکی از برترین کارهای هنری

کار هنری و فرهنگی برای دفاع مقدس، جهادی

مقدس

مظاهر دفاع مقدس که باید به آن پرداخت

خطای بزرگ نسبت به هنر دفاع مقدس

انعکاس بین‌المللی کمتر آثار دفاع مقدس

کار هنری در زمینه دفاع مقدس، یکی از برترین کارهای هنری *

من آنچه که یادداشت کردم اینجا بگویم - در این وقت کوتاه دیگر مجال نمیشود همه‌ی آنچه را که در ذهن بوده، عرض بکنیم - همین قدر است که می‌خواهم بگویم کار هنری در زمینه‌ی دفاع مقدس یکی از برترین کارهای هنری است. آن کسانی که در این رشته کار کردند، در این صراط حضور داشتند، آن را پیش ببرند و این رشته را مغتنم بشمرند.

🏠 کار هنری و فرهنگی برای دفاع مقدس، جهادی مقدس

هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه‌ی زمانی نیست؛ گنجینه‌ی عظیمی است که تا مدتهای طولانی ملت ما میتواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند. حادثه‌ی عظیم این هشت سال، مجموعه‌ای است از صفات والا، فرهنگهای پسندیده و برگزیده و ممتاز، عقاید و معارف والائی که ملت ما در طول تاریخ ارث برده یا استعدادش را در خودش حفظ کرده بوده، که با انقلاب اسلامی این استعدادها بروز کرد. یک گنجینه‌ای از همه‌ی اینهاست. شما که دفاع مقدس را روایت میکنید، بخصوص آنهایی که روایت هنری میکنند، در واقع آئینه‌ای هستید در مقابل یک مظهر جمال و جلال، که او را منعکس میکنید. آنچه که در دوران آن هشت سال از بروز خصلتهای والا و پسندیده‌ی انسانی، از شجاعت، از ایشار، از اخلاص، از صدق و صفا، از بروز تدبیرهایی که از یک جوان چنین تدابیری انتظار نمیرفت - این برجستگیهایی که در دوره‌ی هشت سال دفاع مقدس به وجود آمد - اتفاق افتاد، با هزینه‌های زیادی هم همراه بود.

چقدر جان عزیز فدا شد، چقدر ثروت مال و ثروت وقت مصرف شد. شما امروز آنها را در واقع با کار هنری خودتان بازآفرینی میکنید. همان تأثیراتی را که آن حادثه میتوانست در یک نسل، در یک جامعه باقی بگذارد، شما با این نوشته‌ی خودتان، با این فیلم خودتان، با این کار هنری خودتان که بازآفرینی آن حادثه است، در مخاطب خودتان ایجاد میکنید. این خیلی کار بزرگی است، خیلی کار مهمی است؛ شما برای آن تابلوی پرشکوه و پراز ریزه کاری و ظرافت و زیبایی آئینه میشوید. خود این کار فرهنگی و کار هنری شما که روایت آن جهاد مقدس هست، جهاد است؛ زیرا سعی بر این بوده که آن مفاهیم والا به دست فراموشی سپرده بشود؛ برای این تلاش شده، کار شده. آن عزتی، اعتماد به نفسی، احساس اقتداری که از ناحیه‌ی معنویت رزمندگان ما و جامعه‌ی اسلامی ما احساس شد و توانست آن حادثه‌ی عجیب و شگفت‌انگیز - یعنی پیروزی در دفاع مقدس و شکست نخوردن در مقابل تهاجم این همه دشمن - را رقم بزند، آن خصوصیات، آن خصلتها، برای ملت ما، برای کشور ما، یکی از بزرگترین نیازهاست. اینها را بایستی نگه داریم و در مقابله‌ی با تلاشی که میشود برای به فراموشی سپردن آنها، مقاومت کنیم. کار شما روایت دفاع مقدس و همین مجاهدت بزرگ است.

مظاهر دفاع مقدس که باید به آن پرداخت

یک نکته‌ای که در باب روایت دفاع مقدس و کار هنری برای آن مدت، باید مورد توجه باشد، این است که این میدان یک میدان بسیار وسیعی است و واقعاً هنوز بسیاری از بخشهای آن کشف نشده است. نه اینکه انسان یا ذهنها نتواند آن را به دست بیاورد و بفهمد و بشناسد، نه، منعکس نشده. نباید تصور کرد که مضامین دفاع مقدس، مضامین تکراری است. خیلی از مفاهیم و مضامین در مجموعه‌ی این تلاش هشت ساله وجود داشته که هنوز درباره‌ی آنها کار نشده، فکر نشده. یک فهرست طولانی پیش من هست که یک وقتی اینجا با دوستان سینماگر صحبت میکردیم، مواردی را ذکر کردم. در این بخشها فکر کردن و جستجو کردن، هنرمند را میرساند به مضامین بکر و گویائی که میتواند اثر هنری تولید کند. بالاخره آنچه که در جمع‌بندی دفاع مقدس، انسان میتواند بگوید، این است که این هشت سال، مظهري از برترین صفاتی است که یک جامعه میتواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.

جنگ، کار پیچیده‌ای است. مدیریت جنگ و فرماندهی جنگ، کار بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. این کار را جوانهای نارس مادر بسیاری از بخشها انجام میدادند. این تدبیر، این حکمت، چیز بسیار شگفت‌آوری است؛ مظهر شکوفائی استعدادها و ظرفیتهاست. چقدر جوانهای کم‌سال رفتند

در جبهه و توانستند در آنجا کارهای بزرگ از خودشان نشان بدهند. بعضی شهید شدند، بعضی هم جزو سرمایه‌های انقلاب بودند، بعدها کشور از اینها استفاده کرد. حقیقتاً این جوری بود که سپاه پاسداران یکی از مراکز صدور نیرو به همه جای کشور شده در طول این بیست و هفت هشت سال؛ به خاطر اینکه جنگ توانست از یک مجموعه‌ی جوان، مجموعه‌ای از عناصر کارآمد و با استعداد درست کند و تحویل بدهد؛ چون استعدادها در اینها شکوفا شد. جنگ مظهر این ارزشهاست. اینها چیزهایی نیست که هیچ ملتی از اینها خود را بی‌نیاز بدانند. بنابراین راوی جنگ، در واقع دارد یک چنین ارزشهایی را روایت میکند؛ حکایت یک چنین خصال پسندیده و اوجهایی را دارد به مستمعین خودش نشان میدهد. حالا کارهای زیادی در این زمینه‌ها شده.

خطای بزرگ نسبت به هنر دفاع مقدس

من توصیه میکنم اولاً مسئولین هنری، مسئولین بخشهای گوناگون ادبیات، به نظراتی که دوستان در اینجا دادند و نظراتی که در این زمینه‌ها داده میشود، توجه کنند. البته بعضی از کارها هم شده که این دوستانی که اظهار نظر میکنند، ممکن است از آنها اطلاعی نداشته باشند؛ کارهای خوبی هم دارد صورت میگیرد.

اینکه تصور بشود که هنر دفاع مقدس در جامعه‌ی ما مخاطب ندارد، طالب ندارد، این هم خطای بزرگی است، از اشتباهات فاحش است؛ اگر کسی این را خیال کند. تحقیقاً پر مشتری‌ترین آثار هنری بعد از انقلاب در زمینه‌های مختلف، آن آثار هنری است که مربوط به دفاع مقدس بود؛ چه در زمینه‌ی فیلم و سینما، چه در زمینه‌ی کتاب، خاطره، داستان. همین چند تا کتابی که در واقع تیراژهایشان بی‌سابقه است - در کشور ما چنین تیراژهایی وجود نداشته که در ظرف دو سال، صد بار کتابی چاپ بشود. اینکه به من گزارش دادند، کتابی است در باب دفاع مقدس، همین کتاب «خاکهای نرم کوشک» یا کتاب «دا» که در کمتر از دو سال، شنیدم بیش از هفتاد بار به چاپ رسیده! ما هیچگونه کتابی از کتابهای گوناگون را با این تیراژها نداریم - مخصوص کتابهای مربوط به دفاع مقدس است. در زمینه‌ی فیلم هم همین جور است؛ پر فروش‌ترین فیلمها و پرجاذبه‌ترین و پر مشتری‌ترین فیلمها، فیلمهایی است که مربوط به دفاع مقدس است. از فیلم «آژانس شیشه‌ای» و «لیلی با من است»، تا این فیلم اخیر «خراجی‌ها»ی آقای دهنمکی، اینها بیشترین مشتری‌ها، بیشترین فروشها را داشته که در باره‌ی دفاع مقدس است. این جور نیست که مشتری نداشته باشد، طالب نداشته باشد. البته بعضی از کارها هست، مشتری پیدا نمیکند؛ این اشکال در مضمون و محتوا نیست، اشکال در ساخت است، در قالب است، در کیفیت است، در مایه‌های کم هنری است که به خرج داده میشود و در یک اثر به کار میرود و طبعاً طالب پیدا نمیکند. بنابراین در این زمینه هر چه بتوان کار کرد، هر چه بتوان سرمایه‌گذاری مالی و مدیریتی و وقتی و اینها کرد، جا دارد؛ و

سفارش ما این است. دوستان هنرمند هم با شوق و امید، این کار را دنبال کنند. البته این کار افراد پایه‌رکاب و آماده و مسئولیت‌شناس لازم دارد؛ یعنی کسانی که حقیقتاً احساس مسئولیت کنند و حالت تنبلی و خواب‌آلودگی و اینها در انسان نباشد. یک چنین عناصری میتوانند خوب در این عرصه و در این میدان نقش ایفاء کنند.

انعکاس بین‌المللی کمتر آثار دفاع مقدس

یکی از نقصهای کار ما هم البته این است که ما آثارمان امکان انعکاس بین‌المللی، کمتر پیدا کرد. البته دلائلی دارد؛ این جشنواره‌های بین‌المللی، کارهایی را که حقیقتاً راوی خوب و درستی از دفاع مقدس یا از انقلاب یا از ارزشهای نظام جمهوری اسلامی باشد، مطلقاً به خود راه نمیدهند و دوست ندارند؛ مگر وقتی مجبور باشند یک چیزی را در مجموعه‌ی کار خودشان راه بدهند. سیاست جشنواره‌های بین‌المللی، سیاست برخلاف و برعکس این است؛ اما بالاخره مستمع به این جشنواره‌ها اختصاص ندارد و میتواند مستمعینی، طالبانی، خوانندگانی برای کتابها، بینندگان برای فیلمهای دفاع مقدس پیدا کرد؛ در صورتی که برای کار و اثر ترجمه‌ی درست و خوبی انجام بگیرد که به نظر من یکی از عرصه‌های کار این است. امیدواریم که خداوند متعال به شماها توفیق بدهد، بتوانید در این زمینه‌ی کار دفاع مقدس هر چه تلاش ممکن است، انجام بدهید. هم مسئولین تلاش کنند، هم هنرمندان تلاش کنند، هم در بخشهای تحقیقاتی - که خیلی مهم است. خوشبختانه تحقیقات خوبی هم دارد در بعضی از مراکز انجام میگیرد - هم در آن بخشهایی که اسناد را در اختیار دارند؛ نگهداری اسناد، پردازش اسناد، تدوین اسناد؛ اینها خیلی مهم است؛ اینها نبایستی بگذارند از دست برود؛ در اختیار محققین قرار بگیرد و ان شاء الله ادبیات دفاع مقدس از تحقیق استفاده کند؛ هنر دفاع مقدس هم از ادبیات و تحقیق حداکثر استفاده را ان شاء الله بکند.

فراموش نکردن مقطع حساس و پرافتخار دفاع مقدس توسط جوانان

- ❖ دلایل حضور در مناطق دفاع مقدس
- ❖ نجات کشور در جنگ توسط جوانهای فداکار و مبارز
- ❖ عواملی که دشمن را به شکست میکشاند
- ❖ فراموش نکردن مقطع تاریخی حساس دفاع مقدس
- ❖ جبران عقب افتادگی های دورانه های طولانی استبداد

فراموش نکردن مقطع حساس و پرافتخار دفاع مقدس توسط جوانان *

دلایل حضور در مناطق دفاع مقدس

غرض از حضور در این مکان تاریخی و در جمع شما برادران و خواهران عزیز در درجه‌ی اول، احترام به روح رزمندگان و شهدای عزیزی است که این سرزمین، شاهد دلاوریهای آنها و فداکاریهای آنها و حرکت عظیم آنها در روزهای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بوده است.

در درجه‌ی بعد، اظهار سپاس و قدردانی از مردم عزیز خوزستان و برادران و خواهرانی است که در این منطقه در حساس‌ترین زمانها، در سخت‌ترین شرایط، یک امتحان موفق‌ی از خود نشان دادند. دشمنان ملت ایران در باره‌ی مردم عزیز خوزستان چیز دیگری فکر میکردند، و چیز دیگری از آنچه که آنها فکر میکردند، پیش آمد. صف اول رزمندگان مبارز و دلاور، جوانهای فداکاری بودند که فرزندان این آب و خاک و پروریدگان این منطقه بودند: مردم عزیز خوزستان؛ زنهاشان، مردهاشان. من در دوران دفاع مقدس به بعضی از روستاهائی که زیر ستم دشمن بعثی قرار گرفته بود، رفتم و از نزدیک وضعیت آن مردم را، روحیه‌ی آنها را دیدم. آنها پیوستگی شان به ایران اسلامی و به ملت مبارز و قهرمان و به اسلام - که در ایران پرچم آن برافراشته شده بود - آن چنان بود که دشمنان بعثی نتوانسته بودند با وسوسه‌ی قومیت و همزبانی، این پیوند مستحکم را سست کنند. بنابراین حضور ما در این منطقه، از یک جهت قدردانی از مردم عزیز خوزستان است.

جنبه‌ی سوم، قدردانی از شما مسافرانی است که از نقاط دور و نزدیک کشور به این مناطق آمده‌اید، با قدمهای خودتان، با دل‌های خودتان، پیوستگی روحی خودتان را با آن جوانانی، با آن

مردانی، با آن دلاورانی که این منطقه، شاهد فداکاری آنهاست، نشان دادید؛ چه در این منطقه - منطقه‌ی فتح‌المبین - چه در سایر مناطق خوزستان و چه در مناطق جنگی استانهای دیگر: مثل استان ایلام، استان کرمانشاه، استان کردستان. مردم، مردم کشور، این سنت بسیار ستودنی را از چند سال پیش در پیش گرفتند که بیایند این مناطق را سالیانه - بخصوص در چنین ایامی در اول سال - زیارت کنند. اینجا زیارتگاه است.

🌸 نجات کشور در جنگ توسط جوانهای فداکار و مبارز

جوانهای عزیز! فرزندان عزیز من! که اغلب شما در آن روزها نبودید، آن روزهای سخت و تلخ را ندیدید؛ این دشت زیبا، این صحنه‌ی چشم‌نواز، این زمین حاصلخیز، در یک روزی زیر پای دشمنان شما بود؛ چکمه‌پوشان رژیم بعثی در همین سرزمینی که مال شماست، متعلق به شماست، آن چنان جهنمی بر پا کرده بودند که انسان از جهات مختلف تأسف میخورد، از جمله از این جهت که چطور این سرزمین زیبا و این طبیعت چشم‌نواز را تبدیل کرده بودند به یک آتش، به یک دوزخ. در ایام محنت جنگ، قبل از عملیات فتح‌المبین، بنده از این منطقه‌ی شمالی مشرف بر این دشت، این چشم‌انداز وسیع را دیده بودم؛ این خاطره از یاد من نمی‌رود که نیروهای دشمن در این سرزمین پهناور با چندین لشکر در اینجا متفرق بودند؛ زمین شما را، خاک شما را با چکمه‌های خودشان میکوبیدند و ملت ایران را تحقیر میکردند. آن کسی که کشور شما را نجات داد، همین جوانهای فداکار و مبارز بودند؛ همین بسیج، همین ارتش، همین سپاه، همین رزمندگان فداکار، که امروز هم بازماندگان آنها در مناطق گوناگونی از کشور حضور دارند؛ بعضی از آنها هم به شهادت رسیده‌اند؛ «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا».

عزیزان من! جوانانی که در این جلسه، در این صحنه حضور دارید و همه‌ی جوانان کشور! بدانید نسل جوان دوران دفاع مقدس توانست با فداکاری، با هوشمندی، با اراده و عزم راسخ، کشور را از دست دشمن نجات بدهد. دشمنان نظام جمهوری اسلامی هدفشان این بود که با جدا کردن یک بخش از میهن اسلامی، ملت ایران را تحقیر کنند؛ میخواستند قهاریت خودشان را به ملت ایران تحمیل کنند؛ میخواستند ملت را دلیل کنند و خود را مسلط بر جان و مال و ناموس ملتمان قرار بدهند. کی نگذاشت؟ جوان رزمنده‌ی فداکار، آن عزم راسخ، آن ایمان قوی، جلو دشمن با همه‌ی حجم انبوهش ایستاد. آمریکا به دشمن ما کمک میکرد؛ شوروی آن روز کمک میکرد؛ کشورهای اروپایی‌ای که امروز دم از حقوق بشر میزنند، آن روز به این دشمن خبیث کمک میکردند، برای اینکه بکشد، نابود کند، زمین و اهل زمین را به آتش بکشد. او هم بی‌محابا این کار را میکرد؛ اما جوانان شما، جوانان این ملت نگذاشتند. در همین دشت عباس، در همین دشت وسیع، در این منطقه‌ی طولانی، با جان خودشان آمدند توی میدان، با عزم راسخ خودشان دشمن را مغلوب کردند، منکوب



کردند، ذلیل کردند و توطئه‌ای را که همه‌ی قدرتهای استکباری شریک بودند و سهیم بودند و دخیل بودند در اجرای آن، خنثی کردند.

🔗 عواملی که دشمن را به شکست میکشاند

من میخواهم به شما بگویم: جوانهای عزیز! همیشه همین طور است؛ همیشه عزم راسخ شما، هوشمندی و بصیرت شما، ایستادگی و قاطعیت و شجاعت شما میتواند همه‌ی دشمنان را هر چند بظاهر بزرگ و نیرومند باشند، به شکست بکشاند. امروز هم همین جور است؛ فردا هم همین جور است. ملت ایران اگر بخوهد به اوج سعادت دنیا و آخرت برسد - که میخواهد و ان شاء الله خواهد رسید - راهش عبارت است از شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ، اراده‌ی مستحکم از سوی زن و مرد؛ و همه‌ی اینها متکی بر ایمان، ایمان اسلامی. آن چیزی که ضامن این عزم و همت راسخ در رزمندگان ما بود، ایمان قلبی شان بود. دین را، خدا را، قیامت را، مسئولیت انسانی در مقابل خدا را باور داشتند؛ این باور در هر ملتی، در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد، او را آسیب‌ناپذیر میکند؛ میتواند مقاومت کند.

🔗 فراموش نکردن مقطع تاریخی حساس دفاع مقدس

برادران و خواهران عزیز! امروز ما از روزهای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بمراتب جلوتریم، بمراتب قوی‌تریم، بمراتب نفوذ ملت ایران در دنیای اسلام گسترده‌تر است؛ امروز ما توانا‌تریم. ملت ایران این توانایی را به برکت ایستادگیها به دست آورده. امروز هم توطئه زیاد است؛ لکن ملت ایران با ایستادگی خود، به توطئه‌ی دشمن پوز خند میزند و راه خود را با استواری طی میکند. آنچه مهم است این است که ملت ایران این مقطع تاریخی حساس - مقطع دفاع مقدس - را هرگز فراموش نکند و سالهای پرمحنت، ولی پرافتخار دوران جنگ تحمیلی را هرگز از یاد نبرد. این آمدنها، این اظهار ارادتها، این یادبود گرفتنها، کمک میکند به اینکه این یادها در ذهنها زنده بماند. من از این حرکت راهیان نور - که چند سال است بحمدالله روز به روز هم در کشور توسعه پیدا کرده - بسیار خرسندم و این حرکت را حرکت بسیار بابرکتی میدانم. و معتقدم این مقطع حساس برای ما یک تجربه است. شما جوانهای امروز اگر آن روز هم بودید، توی این میدان، با عزم راسخ حاضر میشدید.

🔗 جبران عقب‌افتادگی‌های دورانهای طولانی استبداد

امروز هم در میدان علم، میدان سیاست، میدان تلاش و کار، میدان همبستگی ملی و میدان بصیرت، شما جوانها پایمردی خودتان را نشان دادید، ایستادگی خودتان را اثبات کردید. گاهی اوقات

جنگ نظامی آسانتر از جنگ فکری است؛ آسانتر از جنگ در عرصه‌های سیاسی است. ملت ایران نشان داد که در جنگ عرصه‌های سیاسی و امنیتی، بصیرتش و ایستادگی‌اش از ایستادگی در جنگ نظامی کمتر نیست. لذا جوانهای ما بحمدالله جوانهای لایق، ساخته و پرداخته‌ای هستند که باید به این مقدار هم اکتفا نکنند؛ همت مضاعف، کار مضاعف. همتان را بلند کنید. ملت ایران باید عقب‌افتادگی‌های دورانهای طولانی استبداد در این کشور و دخالت خارجی و نفوذ خارجی را جبران کند. بنده اطمینان راسخ دارم به اینکه جوان امروز کشور عزیز ما در سطح عالم، کم‌نظیر یا بی‌نظیر است. و این، نوید آینده‌ی کشور است. ان‌شاءالله شما جوانها آن روزی را خواهید دید که کشورتان از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی، از لحاظ نفوذ بین‌المللی، در سطحی باشد که شایسته‌ی ایران اسلامی و شایسته‌ی ملت بزرگ ایران است.

شهید چمران، الگوی استاد دانشمند بسیجی

شهید چمران، دانشمند برجسته و بسیار

خوش استعداد

ایمان عاشقانه شهید چمران

فهم سیاسی و بصیرت شهید چمران

حضور در عرصه‌های حساس از اول انقلاب

هنرمند، با صفا، خداجو و اهل معنا

انسانی منصف بود

حضور دائمی و بدون فوت وقت

روایت فتح سوسنگرد

سرباز سختکوش میدان جنگ در عین لطافت و رقت

دانشمند نمونه بسیجی

فرآورده‌های دانشگاه چمران‌ها باشند

داشتن همتهای بلند و دلخوش نشدن به فتوحات

ابتدای کار

و...

شهید چمران، الگوی استاد دانشمند بسیجی *

این پیشنهادی هم که درباره‌ی نامگذاری روز شهادت شهید چمران به نام روز «بسیج اساتید» و «اساتید بسیجی» ذکر شد، به نظرم پیشنهاد معنی‌دار و پرمغزی است. مرحوم شهید چمران حقاً یک نمونه و مظهري بود از آن چیزی که انسان دوست میدارد تربیت جوانان ما و دانشگاهیان ما به آن سمت حرکت بکند. بد نیست.

شهید چمران، دانشمند برجسته و بسیار خوش استعداد

و حق این شهید عزیز هم ایجاب میکند که چند کلمه‌ای درباره‌ی شهید چمران صحبت کنیم. اولاً این شهید یک دانشمند بود؛ یک فرد برجسته و بسیار خوش استعداد بود. خود ایشان برای من تعریف میکرد که در آن دانشگاهی که در کشور ایالات متحده‌ی آمریکا مشغول درسهای سطوح عالی بوده - آنطور که به ذهنم هست ایشان یکی از دو نفر برترین آن دانشگاه و آن بخش و آن رشته محسوب میشده - تعریف میکرد بر خورد اساتید را با خودش و پیشرفتش در کارهای علمی را. یک دانشمند تمام عیار بود.

ایمان عاشقانه شهید چمران

آن وقت سطح ایمان عاشقانه‌ی این دانشمند آنچنان بود که نام و نان و مقام و عنوان و آینده‌ی دنیائی به ظاهر عاقلانه را رها کرد و رفت در کنار جناب امام موسای صدر در لبنان و مشغول

فعالیت‌های جهادی شد؛ آن هم در برهه‌ای که لبنان یکی از تلخ‌ترین و خطرناک‌ترین دورانهای حیات خودش را میگذراند. ما اینجا در سال ۵۷ می‌شنیدیم خبرهای لبنان را. خیابانهای بیروت سنگربندی شده بود، تحریک صهیونیستها بود، یک عده هم از داخل لبنان کمک میکردند، یک وضعیت عجیب و گریه‌آوری در آنجا حاکم بود، و صحنه هم بسیار شلوغ و مخلوط بود.

🌸 فهم سیاسی و بصیرت شهید چمران

همان وقت یک نواری از مرحوم چمران در مشهد دست ما رسید که این اولین رابطه و واسطه‌ی آشنائی ما با مرحوم چمران بود. دو ساعت سخنرانی در این نوار بود که توضیح داده بود صحنه‌ی لبنان را که لبنان چه خبر است. برای ما خیلی جالب بود؛ با بینش روشن، نگاه سیاسی کاملاً شفاف و فهم عرصه - که توی آن صحنه‌ی شلوغ چه خبر است، کی با کی طرف است، کی‌ها انگیزه دارند که این کشتار درونی در بیروت ادامه داشته باشد - اینها را در ظرف دو ساعت در یک نواری ایشان پر کرده بود و فرستاده بود، که دست ما هم رسید. رفت آنجا و تفنگ دستش گرفت. بعد معلوم شد که نگاه سیاسی و فهم سیاسی و آن چراغ مه‌شکن دوران فتنه را هم دارد. فتنه مثل یک مه غلیظ، فضا را نامشخص میکند؛ چراغ مه‌شکن لازم است که همان بصیرت است. آنجا جنگید؛ بعد که انقلاب پیروز شد، خودش را رساند اینجا.

🌸 حضور در عرصه‌های حساس از اول انقلاب

از اول انقلاب هم در عرصه‌های حساس حضور داشت. رفت کردستان و در جنگهایی که در آنجا بود حضور فعال داشت؛ بعد آمد تهران و وزیر دفاع شد؛ بعد که جنگ شروع شد، وزارت و بقیه‌ی مناصب دولتی و مقامات را کنار گذاشت و آمد اهواز، جنگید و ایستاد تا در ۳۱ خرداد سال ۶۰ به شهادت رسید. یعنی برای او مقام ارزش نداشت، دنیا ارزش نداشت، جلوه‌های زندگی ارزش نداشت.

🌸 هنرمند، با صفا، خداجو و اهل معنا

اینجور هم نبود که یک آدم خشکی باشد که لذات زندگی را نفهمد؛ بعکس، بسیار لطیف بود، خوش ذوق بود، عکاس درجه‌ی یک بود - خودش به من میگفت من هزارها عکس گرفته‌ام، اما خودم توی این عکسها نیستم؛ چون همیشه من عکاس بوده‌ام - هنرمند بود. دل باصفائی داشت؛ عرفان نظری نخوانده بود؛ شاید در هیچ مسلک توحیدی و سلوک عملی هم پیش کسی آموزش ندیده بود، اما دل، دل خداجو بود؛ دل باصفا، خداجو، اهل مناجات، اهل معنا.

انسانی منصف بود

انسان باانصافی بود. لابد قضیه‌ی پاوه را شماها میدانید که در پاوه بر روی بلندی‌ها، بعد از چند روز جنگیدن، مرحوم چمران با چند نفر معدود همراهش، محاصره شده بودند؛ ضد انقلاب اینها را از اطراف محاصره کرده بود و نزدیک بود به اینها برسند که امام اینجا از قضیه مطلع شدند، و یک پیام رادیویی از امام پخش شد که همه بروند طرف پاوه؛ دوی بعد از ظهر این پیام پخش شد؛ ساعت چهار بعد از ظهر من توی این خیابانهای تهران شاهد بودم که همین طور کامیون و وانت و اینها بودند که از مردم عادی و نظامی و غیر نظامی از تهران و همین طور از همه‌ی شهرستانهای دیگر، راه افتادند بروند طرف پاوه. بعد از قضیه‌ی پاوه که مرحوم شهید چمران آمده بود تهران، توی جلسه‌ای که ما بودیم به نخست‌وزیر وقت گزارش میداد که بین اینها هم از قدیم یک رابطه‌ی عاطفی‌ای وجود داشت. مرحوم چمران توی آن جلسه اینجوری گفت: وقتی ساعت دو پیام امام پخش شد، به مجرد پخش پیام امام و قبل از آنی که هنوز هیچ خبری از حرکت مردم به آنجا برسد، ما احساس کردیم که کأنه محاصره باز شد. میگفت: حضور امام و تصمیم امام و پیام امام آنقدر مؤثر بود که به صورت برق آسا و به مجرد اینکه پیام امام رسید، کأنه برای ما همه‌ی آن فشارها به پایان رسید؛ ضد انقلاب روحیه‌ی خودش را از دست داد و ما نشاط پیدا کردیم و حمله کردیم و حلقه‌ی محاصره را شکستیم و توانستیم بیاییم بیرون. آنجا نخست‌وزیر وقت خشمگین شد و به مرحوم چمران توپید که ما این همه کار کردیم، این همه تلاش کردیم، تو چرا همه‌ی این را به امام مستند میکنی؟! یعنی هیچ ملاحظه نمی‌کرد؛ منصف بود. باینکه میدانست که این حرف گله‌مندی ایجاد خواهد کرد، اما گفت.

حضور دائمی و بدون فوت وقت

حضور برای او یک امر دائمی بود. ما از اینجا با هم رفتیم اهواز؛ اول رفتن ما به جبهه، به اتفاق رفتیم. توی تاریکی شب وارد اهواز شدیم. همه جا خاموش بود. دشمن در حدود یازده دوازده کیلومتری شهر اهواز مستقر بود. ایشان شصت هفتاد نفر هم همراه داشت که با خودش از تهران جمع کرده بود و آورده بود؛ اما من تنها بودم؛ همه با یک هواپیمای سی - ۱۳۰ رفته بودیم آنجا. به مجردی که رسیدیم و یک گزارش نظامی کوتاهی به ما دادند، ایشان گفت که همه آماده بشوید، لباس بپوشید تا برویم جبهه. ساعت شاید حدود نه و ده شب بود. همان جا بدون فوت وقت، برای کسانی که همراه ایشان بودند و لباس نظامی نداشتند، لباس سربازی آوردند و همان جا کت کردند؛ همه پوشیدند و رفتند. البته من به ایشان گفتم که من هم میشود بیایم؟ چون فکر نمی‌کردم بتوانم توی عرصه‌ی نبرد نظامی شرکت کنم. ایشان تشویق کرد و گفت بله، بله، شما هم میشود بیایید. که من هم همان جا لباسم را کندم و یک لباس نظامی پوشیدم و - البته

کلاشینکف داشتم که برداشتم - و با اینها رفتیم.

یعنی از همان ساعت اول شروع کرد؛ هیچ نمیگذاشت وقت فوت بشود. ببینید، حضور این است. یکی از خصوصیات خصلت بسیجی و جریان بسیجی، حضور است؛ غایب نبودن در آنجایی که باید در آنجا حاضر باشیم. این یکی از اولی‌ترین خصوصیات بسیجی است.

🕌 روایت فتح سوسنگرد

در روز فتح سوسنگرد - چون میدانید سوسنگرد اشغال شده بود؛ بار اول فتح شد، دوباره اشغال شد؛ باز دفعه‌ی دوم حرکت شد و فتح شد - تلاش زیادی شد برای اینکه نیروهای ما - نیروهای ارتش، که آن وقت در اختیار بعضی دیگر بودند - بیایند و این حمله را سازماندهی کنند و قبول کنند که وارد این حمله بشوند. شبی که قرار بود فردای آن، این حمله از اهواز به سمت سوسنگرد انجام بگیرد، ساعت حدود یک بعد از نصف شب بود که خبر آوردند یکی از یگانهای که قرار بوده توی این حمله سهیم باشد را خارج کرده‌اند. خب، این معنایش این بود که حمله یا انجام نگردد یا بکلی ناموفق بشود. بنده یک یادداشتی نوشتم به فرماندهی لشکری که در اهواز بود و مرحوم چمران هم زیرش نوشت - که اخیراً همان فرماندهی محترم آمده بودند و عین آن نوشته‌ی ما را قاب کرده بودند و دادند به من؛ یادگار قریب سی ساله؛ الان آن کاغذ در اختیار ماست - و تا ساعت یک و خرده‌ای بعد از نصف شب ما با هم بودیم و تلاش میشد که این حمله، فردا حتماً انجام بگیرد. بعد من رفتم خوابیدم و از هم جدا شدیم.

صبح زود ما پا شدیم. نیروهای نظامی - نیروهای ارتش - که حرکت کردند، ما هم با چند نفری که همراه من بودند، دنبال اینها حرکت کردیم. وقتی به منطقه رسیدیم، من پرسیدم چمران کجاست؟ گفتند: چمران صبح زود آمده و جلو است. یعنی قبل از آنی که نیروهای نظامی منظم و مدون - که برنامه ریخته شده بود که اینها در کجا قرار بگیرند و آرایش نظامی‌شان چگونه باشد - حرکت بکنند و راه بیفتند، چمران جلوتر حرکت کرده بود و با مجموعه‌ی خودش چندین کیلومتر جلو رفته بودند. بعد هم الحمدلله این کار بزرگ انجام گرفت، و چمران هم مجروح شد.

🕌 سرباز سختکوش میدان جنگ در عین لطافت و رقت

خدا این شهید عزیز را رحمت کند. اینجوری بود چمران. دنیا و مقام برایش مهم نبود؛ نان و نام برایش مهم نبود؛ به نام کی تمام بشود، برایش اهمیت نداشت. باانصاف بود، بی‌رودر بایستی بود، شجاع بود، سرسخت بود. در عین لطافت و رقت و نازک مزاجی شاعرانه و عارفانه، در مقام جنگ یک سرباز سختکوش بود.

من خودم میدیدم شلیک آر.پی. جی را که نیروهای ما بلند نبودند، به آنها تعلیم میداد؛ چون

آر.بی. جی جزو سلاحهای سازمانی ما نبود؛ نه داشتیم، نه بلد بودیم. او در لبنان یاد گرفته بود و به همان لهجه‌ی عربی آر.بی. جی هم میگفت؛ ماها میگفتیم آر.بی. جی، او میگفت آر.بی. جی. او از آنجا بلد بود؛ یک مقدار هم از یک راه‌هائی گیر آورده بود؛ تعلیم میداد که اینجوری آر.بی. جی را بایستی شلیک کنید. یعنی در میدان عملیات و در میدان عمل یک مرد عملی به طور کامل.

❏ دانشمند نمونه بسیجی

حالا ببینید دانشمند فیزیک پلاسمای در درجه‌ی عالی، در کنار شخصیت یک گروه‌بانِ تعلیم دهنده‌ی عملیات نظامی، آن هم با آن احساسات رقیق، آن هم با آن ایمان قوی و با آن سرسختی، چه ترکیبی میشود. دانشمند بسیجی این است؛ استاد بسیجی یک چنین نمونه‌ای است. این نمونه‌ی کاملش است که ما از نزدیک مشاهده کردیم. در وجود یک چنین آدمی، دیگر تضاد بین سنت و مدرنیته حرف مفت است؛ تضاد بین ایمان و علم خنده‌آور است. این تضادهای قلابی و تضادهای دروغین - که به عنوان نظریه مطرح میشود و عده‌ای برای اینکه امتداد عملی آن برایشان مهم است دنبال میکنند - اینها دیگر در وجود یک همچین آدمی بی‌معنا است. هم علم هست، هم ایمان؛ هم سنت هست، هم تجدد؛ هم نظر هست، هم عمل؛ هم عشق هست، هم عقل. اینک گفته‌اند:

با عقل آب عشق به یک جو نمی‌رود

بیچاره من که ساخته از آب و آتشم

نه، او آب و آتش را با هم داشت. آن عقل معنوی ایمانی، با عشق هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه خود پشتیبان آن عشق مقدس و پاکیزه است.

❏ فرآورده‌های دانشگاه چمران‌ها باشند

خب، حالا توقعی که ما داریم و این توقع، توقع زیادی هم نیست، یعنی آن زمینه‌ای که انسان مشاهده میکند - این روحیه‌های پر نشاط شما، این دلهای پاک و صاف، این ذهنهای روشن، این جوّال بودن فکرهای شما که انسان در عرصه‌های مختلف از نزدیک شاهد است - این امید را و این توقع را به انسان میبخشد، این است که فرآورده‌ی دانشگاه جمهوری اسلامی - نه به نحو استثنا بلکه به نحو قاعده - چمران‌ها باشند؛ نه اینکه چمران‌ها یک استثنا باشند. این امید، امید بی‌جائی نیست.

اگر در سال ۷۶ که شماها اول یک عده در مشهد، یک عده در اصفهان و یک عده در دانشگاه علم و صنعت، به نام اساتید بسیجی دور هم جمع شدید و جمع و جور کردید، میگفتند که ده سال بعد یا دوازده سال بعد چند هزار استاد بسیجی با همین انگیزه‌ها، با همین عشقها و با همین

جهتگیری‌ها در سطح کشور وجود خواهد داشت، هیچ‌کس باور نمی‌کرد؛ اما شد. نمی‌خواهم مبالغه کنم؛ نمی‌خواهم واقعیت را رنگین‌تر از آنچه که هست برای خودم و برای شما نمایش بدهم و دل خودمان را به توهّم خوش کنیم؛ نه، روشن است که همه‌ی ما در یک سطح نیستیم - بعضی‌مان بالاترند و بعضی‌مان پائین‌تریم: ایمان‌هایمان، عشق‌هایمان، همت‌هایمان، انگیزه‌هایمان - لکن این جریان، از صورت یک جریان باریک که بعضی امید نداشتند باقی بماند و بعضی همت گماشته بودند که آن را از بین ببرند، به یک جریانی تبدیل شده که دیگر حالا جلوی آن را نمیشود گرفت: جریان عظیم استادان انقلابی و مؤمن و بسیجی در سطح دانشگاه، در رشته‌های مختلف علمی و در رتبه‌های بالای علمی.

پس این توقع بی‌جا نیست؛ وقتی انسان این حرکت را می‌بیند، این رشد را می‌بیند، این توقع بی‌جا نیست که ما بخواهیم دانشگاه جمهوری اسلامی، در آینده عناصری مثل چمران را پرورش بدهد. آن وقت شما ببینید چه خواهد شد! چه خواهد شد! نظامی با مطالبات بین‌المللی در سطح اعلا: در زمینه‌ی انسان، در زمینه‌ی حکومت، در زمینه‌ی زن، در زمینه‌ی اخلاق و در زمینه‌ی علم. مطالبات امروز ما مطالبات بین‌المللی است.

داستن همت‌های بلند و دلخوش نشدن به فتوحات ابتدای کار

حالا بعضی‌ها - مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی - تا اسم بین‌المللی می‌آید لبخند تمسخر می‌زنند؛ اینها نمی‌فهمند؛ درک نمی‌کنند افق دید وسیع یعنی چه. تا شما نظر به قله نداشته باشید امکان ندارد تا دامنه هم بتوانید حرکت کنید، چه برسد به اینکه امید به قله رسیدن باشد؛ همت بلند. در روایات ما به مؤمن هم توصیه شده است که همت بلند داشته باشد. بزرگان به سالک هم می‌گویند: همتت عالی باشد. این قدم‌های اول و فتوحات ابتدای کار، کسی را دلخوش نکند؛ همت‌های بلند باید داشت. نگاه هم بایستی انسانی باشد. انسان یعنی آنچه که در همه‌ی جهان گسترده است؛ «إِذَا خَلَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ یا با شما دینش یکی است یا اگر دینش هم یکی نیست، در خلقت و آفرینش مثل شماست؛ انسانیت. نگاه بایستی متوجه یک چنین گستره‌ی وسیعی باشد.

ما داعیه‌ی محو نظام سلطه را داریم

آرزوهائی که امروز ما برای این گستره‌ی وسیع داریم، آرزوهائی است که هیچ ملت آگاهی، هیچ دانشمند فرزانه‌ای و هیچ سیاسی منصفی، اینها را رد نمی‌کند. ما داعیه‌ی محو نظام سلطه را داریم؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گری: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ حتی انسانی هم که در یک کشوری که دولتش صددرصد سلطه‌گر است زندگی میکند، این را رد نمی‌کند؛ یعنی در مناسبات جهانی، رابطه‌ی رابطه‌ی

سلطه گر و سلطه پذیر نباشد. همچنین عدالت و استفاده‌ی از علم برای آسایش بشر نه برای تهدید بشر. بخصوص در طول این دوره‌های اخیر بعد از جنبش علمی دنیا - رنسانس - به این طرف و بخصوص در این قرن اخیر، بسیاری از آنچه در زمینه‌ی علم انجام گرفته، به جای اینکه برای آسایش بشر باشد در تهدید بشر بوده؛ یا تهدید جان، یا تهدید اخلاق، یا تهدید خانواده؛ و تشویق به مصرف‌گرایی و پر کردن جیب چپاولگران بین‌المللی و صاحبان و پدیدآورندگان تراستها و کارتلها. ما می‌گوئیم علم، به جای اینها در خدمت انسان قرار بگیرد؛ در خدمت آسایش انسان، در خدمت آرامش انسان و در خدمت روح و روان انسان. اینها حرفهائی است که دنیا نمیتواند رد کند.

🏠 توقعی که داریم

میدانید وقتی نظامی با این آرمانها و ملتی با این خصوصیات - با به کارگیری همت ایمانی برای پیشرفت در این عرصه‌ها، با استفاده‌ی از وعده‌های قرآنی در زمینه‌ی نصرت مؤمنین، با نترسیدن از مرگ و مرگ را وصول به خدا و شهادت لله دانستن - به شخصیت‌های دانشمند و فرزانه از قبیل چمران مزین و مفتخر بشود، به کجا خواهد رسید؟! این آن توقعی است که ما داریم.

ضرورت حفظ عنصر اتقان در تبیین کار بزرگ شهدا

توانایی تبیین و تصویر ابعاد شهدا با نگاه و

زبان هنرمندانه

ضرورت حفظ عنصر اتقان در تبیین کار بزرگ شهدا*

بیانی که کردید برای فلسفه‌ی این کار بیان کاملاً درستی است؛ بنده هم به این معنا معتقدم. بدون تبیین و تبیین بلیغ، قطعاً هیچ فکری و هیچ اندیشه‌ی متقنی، توفیق رواج و اعتقاد عمومی را پیدا نخواهد کرد. و شهدا عملاً کار بزرگی را انجام دادند. این کار بزرگ را باید تبیین کرد. خیلی کارهای خوبی انجام گرفته، اما هنوز جاهای خالی برای این کار خیلی زیاد است. بنابراین من کاملاً این کار شما را تأیید میکنم و احساس میکنم شما دارید یک نیازی را برآورده میکنید و دعا میکنم که خداوند شما را موفق بدارد. ان شاء الله از ارواح طیبه‌ی شهدا هم مدد معنوی خواهید گرفت و قطعاً ان شاء الله به شما از سوی پروردگار و از غیب، کمک معنوی خواهد شد. این کار را دنبال کنید.

سعی کنید در تبیین، عنصر اتقان مطلقاً به دست فراموشی سپرده نشود؛ اتقان. اتقان خیلی مهم است. گاهی اوقات انسان خیال میکند برای شیرین کردن یک قضیه در چشم مخاطبین، باید آن را با پیرایه‌ها و اغراق‌هایی بیامیزد؛ بعد که از یک افق بالاتری نگاه میکند، می‌بیند نه، این پیرایه‌ها - چون مصنوع ما بود - نه فقط بر ارزش آن عنصر حقیقی نیفزود، بلکه گاهی از آن کاست. اتقان را در نظر بگیرید و روایت را روایت صحیح قرار بدهید؛ نگذارید روضه‌خوانی برای شهدا، به سرنوشت روضه‌خوانی برای سیدالشهداء (علیه الصلاة والسلام) - در دوره‌هایی - دچار بشود. همان چیزی که هست را بیان کنید؛ منتها بیان هنرمندانه. ما می‌خواهیم کمبودهای هنرمندی خودمان را در تبیین حوادث عاشورا، با اضافه کردن افزودنی‌های غیر لازم پر کنیم؛ در حالی که نه، اگر ما بلد باشیم و

ما هنرمند باشیم، هیچ افزودنی‌ای لازم نیست.

توانایی تبیین و تصویر ابعاد شهدا با نگاه و زبان هنرمندانه

مادر مشهد یک واعظی داشتیم، مرحوم حاجی رکن؛ به او میگفتیم آقای رکن و حدود شاید چهل سال، چهل و پنج سال قبل از این - یا بیشتر - ایشان از دنیا رفته. منبری پیرمرد محاسن سفیدی بود، واعظ خوبی بود و منبر بسیار شیرین و جذابی هم داشت. میرفت منبر و روضه میخواند؛ این روضه مجلس را منقلب میکرد؛ زیر و رو میکرد. در حالی که مطلقاً - تعبیر خودش این بود و بارها در منبر میگفت که خاک بر دهانم اگر اسمی از نیزه و شمشیر و خنجر بیاورم - از این چیزهائی که متعارف است که گفته بشود، هیچ نمیگفت؛ اصلاً و ابداً. حادثه را تصویر میکرد؛ تصویر هنرمندانه. یک هنرمند غریزی و بالذات بود. واقعاً یک هنرمند بود. اگر اینجور هنرمندها شناخته بشوند و تربیت بشوند، خیلی باارزشند. اینجوری است قضیه؛ ما اگر بتوانیم ابعاد و ابعاد حادثه را با نگاه هنرمندانه و با زبان هنرمندانه، ببینیم و تبیین و تصویر بکنیم، به افزودنی هیچ احتیاج ندارد؛ این افزودنی‌های مضر و رنگ‌آمیزی‌های غیرلازم هیچ لزومی ندارد.

در مورد شهدا هم همین کار را بکنید. خوشبختانه ما به عهد شهدا نزدیکیم، وصیتنامه‌های اینها را داریم، پدر و مادرهای اینها خیلی شان هستند و هم‌زمان اینها حضور دارند؛ آدم می‌بیند. کتابی از همین کتابهای شهدا را من نگاه میکردم که با هم‌زمهای او مصاحبه شده بود و جزئیات را ذکر میکردند؛ بعضی از آن هم‌زمها خودشان شهید شده بودند و بعضی‌ها زنده بودند؛ انسان در هنگام خواندن کتاب به گریه می‌افتاد! هیچ لازم نبود که کسی برای انسان نوحه‌سرایی کند. مسئله‌ی شهدا اینجوری است. مسئله‌ی شهدا خیلی مسئله‌ی بزرگی است، خیلی مسئله‌ی داغی است؛ ما کمتر پرداخته‌ایم، کمتر می‌پردازیم.

شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم،
«زن نه شرقی، نه غربی» است!

- نقش زنان شهید در تغییر مسیر تاریخ اسلام و کشور
- برکت خون زنان مجاهد در عصر جدید
- حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن
- معلم ثانی برای زنان جهان

شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است! *

نقش زنان شهید در تغییر مسیر تاریخ اسلام و کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز در این جا برای تعظیم به ارتش هزاران نفره‌ی زنان شهیدی گرد آمده‌اید که در تغییر مسیر تاریخ اسلام و کشور، نقشی شایسته ایفاء کردند و سربلند به محضر خدای متعال رفتند؛ لشکری از فرشتگان که از جان مقدس خویش در راه اسلام مایه گذاردند، تماشاچی نبودند و قدم در میدان عمل نهادند و در نقش معماران ایران جدید ظاهر شدند. اینان زنان بزرگی بودند که تعریف جدیدی از «زن» به شرق و غرب ارائه کردند. زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز سنگر‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند.

برکت خون زنان مجاهد در عصر جدید

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه‌ی سالم و خانواده‌ی متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر، و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن‌بست‌های بزرگ را در هم بشکنند.

اقتدار و جذبه‌ی تازه‌ای به برکت خون این زنان مجاهد در عصر جدید ظهور کرده است که زنان را ابتداء در جهان اسلام تحت تأثیر قرار داد و دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان دست خواهد برد.

حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن

تا آفتاب درخشان خدیجه‌ی کبری علیهاالسلام و فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام و زینب کبری علیهاالسلام می‌درخشد، طرح‌های کهنه و نو «ضد زن» به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی مانده‌تنها خطوط سیاه ستم‌های ظاهری را در هم شکسته‌اند، بلکه ستم‌های مدرن به زن را نیز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است. به خانواده‌ی این شهیدان و الامقام تبریک می‌گوییم و امیدوارم که به برکت خون این زنان شریف و مجاهد، رسانه‌ها و هنرمندان و فرزندان و سینماگرانی بتوانند جهاد بزرگ زن ایرانی مسلمان را به دنیا که سخت محتاج شناختن آن است، بنمایانند.

معلم ثانی برای زنان جهان

زن مجاهد مسلمان ایرانی، معلم ثانی برای زنان جهان خواهد بود؛ پس از معلم اول که زنان مجاهد صدر اسلام بودند.

سلام خدا بر بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه‌ی زهرا و بر همه‌ی زنان بزرگ صدر اسلام و بر بانوان فداکار و از جان گذشته‌ی ایران اسلامی.

نگذازید یاد دوران دفاع مقدس از یادها برود

- ❖ شرط سربلندی ملت در تاریخ و دوران خود
- ❖ دستهای پشت پرده در طولانی شدن جنگ
- ❖ علت دفاع نظام اسلامی در مقابل همه قدرتهای مادی جهان
- ❖ نمیتوانیم؛ اول شکست هر ملت
- ❖ کار پسندیده، درست و عاقلانه ملت
- ❖ نباید بگذارید یاد دفاع مقدس فراموش شود
- ❖ دشمن میخواهد قضیهی دفاع مقدس از یادمان برود
- ❖ اغتنام فرصت حرکت راهیان نور

نگذازید یاد دوران دفاع مقدس از یادها برود*

شرط سربلندی ملت در تاریخ و دوران خود

اگر از عوامل معنوی و آنچه خدای متعال وعده‌ی آن را به مؤمنان و مجاهدان راه حق داده است هم صرف‌نظر کنیم، بر حسب قوانین عادی زندگی جوامع بشری، هر جامعه‌ای عزتش، قدرتش، آبرو و حیثیتش، هویتش بستگی دارد به مجاهدت و به تلاش. با تنبلی و تن‌آسایی، هیچ ملتی نمیتواند مقام شایسته‌ای را در میان ملت‌های عالم یا در تاریخ پیدا کند. آنچه که ملت‌ها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملت‌های عالم سربلند میکند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البته شکل‌های گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه‌ی این تلاش‌ها، آمادگی برای جان‌فشانی است که یک ملت را در میان ملت‌ها سرفراز میکند. اگر در میان هر ملتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت خود، در راه رسیدن به آرمان‌ها صرف‌نظر کنند، آن ملت به جایی نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ آحاد ملت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمان‌های بلند، مجاهدت کنند و در مقابل دشمنان این آرمان‌ها بایستند؛ و ایستادند.

دسته‌های پشت پرده در طولانی شدن جنگ

دفاع مقدس ما، دوران جنگ هشت‌ساله‌ی پر ماجرای این کشور، داستان ایستادگی ملت ایران و ایستادگی جوانان ما در مقابل خبائتها و دشمنی‌های کفر و استکبار جهانی است. درست است، در مقابل ما به‌ظاهر

یک رژیم بعثی بود - صدام بود - و او هم عنصری بود به قدر کافی خبیث، به قدر کافی ضد بشریت و ضد انسانیت، اما فقط او نبود؛ آن چیزی که موجب شد این جنگ، هشت سال ادامه پیدا کند، عوامل پشت پرده‌ی استکبار جهانی بودند که او را تشویق میکردند، به او وعده میدادند، امکانات میدادند. آن وقتی که در این سرزمین‌های خوزستان - که شما حالا بخشی از آنها را مشاهده کردید - دشمنان ما مجبور به عقب‌نشینی شدند، یک دولت اروپایی به آنها وسیله‌ای داد که بتوانند در دریا، خباث و شیطنت و شرارت خودشان را ادامه بدهند؛ موشکی به آنها دادند. نمیگذاشتند عملیاتی که در منطقه انجام میگیرد، سرنوشت جنگ را به انتها برساند؛ تشویقش میکردند. یعنی دست استکبار جهانی، دست همین دولتهای اروپایی و دولت آمریکا، پشت رژیم خبیث معاند بعثی قرار داشت و او را به ادامه‌ی کار تشویق میکرد. نمیخواستند بگذارند جمهوری اسلامی از این حادثه‌ی بزرگ، پیروز و سربلند بیرون بیاید؛ میگفتند صریحاً.

بعد از آنکه در همین عملیاتی که در این منطقه اتفاق افتاد - منطقه‌ی دارخوین؛ اینجا منطقه‌ی درگیری بسیار تعیین‌کننده‌ی عملیات ثامن‌الائمه بود - که سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران با همکاری یکدیگر، برای دستور امام برنامه‌ریزی کردند، طراحی کردند، در همین منطقه توانستند دشمن را عقب بنشانند و آن روحیه‌ای را که دشمن به خاطر پشتیبانی‌های فرنگی‌ها و خارجی‌ها و اروپایی‌ها به دست آورد، در هم بکوبند و بشکنند و محاصره‌ی آبادان را از بین ببرند؛ بعد از این عملیات، عملیات طریق‌القدس؛ بعد از این عملیات، عملیات فتح‌المبین؛ بعد عملیات الی‌بیت‌المقدس؛ این عملیات‌های پشت سر هم که رزمندگان عزیز ما، جوانان فداکار ما در قالب ارتش، در قالب سپاه، در قالب بسیج و نیروهای مردمی، در قالب مجموعه‌های عشایری، حتی در قالب شهربانی و ژاندارمری و کمیته‌های آن روز، می‌آمدند در این میدان جنگ و این فداکاری‌ها را انجام میدادند؛ این عملیات میتوانست جنگ را به خاتمه برساند و پایان بدهد؛ اما جبهه‌ی دشمن نظام اسلامی - یعنی همین اروپایی‌ها و دولتهای اروپایی و دولت آمریکا - نمیگذاشتند؛ طرف مقابل را تشویق میکردند، امکانات جدیدی به او میدادند، او را به برنده شدن در این جنگ امیدوار میکردند؛ لذا جنگ هشت سال طول کشید.

🌟 علت دفاع نظام اسلامی در مقابل همه قدرتهای مادی جهان

هشت سال جنگ، شوخی نیست؛ جنگهای بزرگ و معروف دنیا در دورانهای نزدیک به ما، چهار سال و پنج سال و شش سال و این جورها طول کشیده؛ هشت سال جنگ، آن هم در این منطقه‌ی وسیع، از شمال تا جنوب - از منطقه‌ی شمال غربی کشور تا این انتهای جنوب - این درگیری‌ها وجود داشت. قصدشان این بود که کاری کنند که نظام اسلامی احساس کند که قادر بر مقابله‌ی با این دشمنان نیست؛ میخواستند کاری کنند که جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک مجموعه‌ی ضعیف و ناتوان معرفی کنند. خدای متعال دست قدرت خود را نشان داد و دهان دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان پرچم برافراشته‌ی اسلام را با مشت پولادین سنت الهی خرد کرد و بینی آنها را به خاک مالید و نشان داد که نظام اسلامی، چون متکی

به ایمانهای مردم و به عواطف مردم است، در مقابل همه‌ی قدرتهای مادی جهان، هم میتواند از خود دفاع کند، هم میتواند طرف مقابل را وادار به اعتراف به عجز کند. به عجز خودشان اعتراف کردند؛ قبول کردند که در مقابل مشیت قاطع گروندگان به اسلام و مؤمنان به وعده‌های الهی، نمیتوانند ایستادگی کنند؛ تبلیغاتشان خنثی شد. سعی میکردند به ما مردم ایران - ما مؤمنین به آیات کریمه‌ی الهی - بباوراندند که شما نمیتوانید در مقابل قدرتهای مادی دنیا بایستید؛ میخواستند این را به ما بباوراندند.

🔗 نمیتوانیم؛ اول شکست هر ملت

و به شما برداران عزیز و به همه‌ی ملت ایران عرض کنم: شکست یک ملت آن وقتی اتفاق می‌افتد که معتقد بشود که نمیتواند کاری انجام بدهد؛ این اول شکست هر ملتی است. آنها خواستند این احساس را در دوران جنگ تحمیلی در دل ایرانیان به وجود بیاورند، اما قضیه به عکس شد. جنگ تحمیلی - یعنی دفاع مقدس ملت ایران - نشان داد که یک ملت در سایه‌ی اتحاد، در سایه‌ی ایمان به خدا، در سایه‌ی حُسن ظن به خدای متعال و اعتقاد به صدق وعده‌ی الهی، میتواند از همه‌ی گذرگاه‌های دشوار عبور کند و میتواند در مقابل دشمنان بایستد و میتواند دشمن را وادار به هزیمت و عقب‌نشینی کند؛ جنگ تحمیلی این را به همه‌ی ما نشان داد.

🔗 کار پسندیده، درست و عاقلانه ملت

من به شما عرض میکنم، نگذارید یاد دوران دفاع مقدس از یادها برود. آمدن به این مناطق جنگی - چه در تعطیلات نوروزی و چه در دوره‌ی سال؛ که بحمدالله حالا در دوره‌ی سال هم کسانی از سرتاسر کشور به این مناطق مسافرت میکنند و این سرزمین‌ها را زیارت میکنند - بسیار کار پسندیده‌ای است، کار درستی است، کار عاقلانه‌ای است که ملت ایران میکند؛ خاطره‌ی این سرزمین‌ها را زنده نگه دارید. این سرزمین‌ها، این بیابانها، این رود کارون، این جاده‌ی اهواز - آبادان یا اهواز - خرمشهر، این مناطق گوناگون که با اسمهای مختلفی امروز خودشان را به شما معرفی میکنند، اینها شاهد برترین فداکاری‌ها و مجاهدتها و از خودگذشتگی‌ها بوده‌اند.

🔗 نباید بگذارید یاد دفاع مقدس فراموش شود

بنده فراموش نمیکم در آن ماه‌های اول جنگ - در آن ماه‌های محنت، نبودن نیرو، نبودن امکانات، نبودن آموزش، نبودن انسجام و سازمانده‌ی، در آن سختی همه‌جانبه‌ی مادی - جوانهای ما با روحیه‌های خوب، از همین اهواز می‌آمدند به مناطق مختلف؛ از جمله همین جا، منطقه‌ی دارخوین. یک مشت از جوانهای مؤمن و حزب‌اللهی که من اشخاصشان را هم بعضاً می‌شناسم، آمدند در همین روستای محمدیه که نزدیک است، سنگرهای انفرادی میکنند؛ در تاریکی شب از این سنگرهای انفرادی می‌آمدند بیرون و

صد متر دویست متر جلوتر میرفتند، باز آنجا سنگر می‌کنند؛ تمام روز را زیر این آفتاب داغ خوزستان در سنگرها میمانند، سختی‌ها را تحمل می‌کردند، خود را به دشمن نزدیک می‌کردند؛ تا وقتی که نوبت عملیات رسید که در مهر ماه سال بعد از حمله - در آخر شهریور ۵۹ حمله‌ی دشمن شروع شد، در مهر ۶۰ - در این منطقه‌ی دارخوین و همه‌ی این مناطق اطراف، با نیروهای رزمنده‌ی ارتش و سپاه و بسیج و غیره، توانستند پاداش آن مجاهدتها را بگیرند و به ملت ایران هدیه کنند؛ اینها یادهای ارزشمندی است، نباید بگذارید این یادها فراموش بشود.

❁ دشمن میخواهد قضیه‌ی دفاع مقدس از یادمان برود

در هر کدام از این مناطق، قضایایی اتفاق افتاده است که یکی از این قضایا در میان هر کشوری و هر ملتی اتفاق بیفتد، کافی است برای اینکه در تاریخ، آن ملت را سر بلند کند. همین مسائلی که در عملیات بیت‌المقدس اتفاق افتاد، یا آنچه در عملیات فتح‌المبین اتفاق افتاد، یا آنچه بعد از اینها در عملیات خیبر اتفاق افتاد، ذره ذره‌ی این عملیات و شخصیت‌هایی که این فداکاری‌ها از آنها سر زد و حوادث را ساختند، میتواند مجموعه‌ای از افتخارات بزرگ و ماندگار و فراموش نشدنی را برای ملت ایران رقم بزند. دشمنها میخواهند ما یادمان برود؛ میخواهند قضیه‌ی دفاع مقدس از یادمان برود، فداکاری‌ها از یادمان برود، شخصیت‌هایی را که در این فداکاری‌ها نقش آفریدند یا نشناسیم یا از یاد ببریم، این جور میخواهند. بعضی میخواهند آن دوران را تخطئه کنند، آن آدمها را تخطئه کنند، آن جهت‌گیری را و آن مسیر را که امام بزرگوار و حکیم و بنده‌ی بصیر الهی آن مسیر را معین کرده بود تخطئه کنند؛ برای اینکه میدانند که هر ذره‌ای و هر نقطه‌ای از این حوادث، برای ملت ایران فراموش نشدنی است و تأثیرات بزرگ سازنده‌ای دارد.

❁ اغتنام فرصت حرکت راهیان نور

بنده باز هم به ملت ایران عرض میکنم این حرکت راهیان نور را مغتنم بشمرید؛ از شما برادران و خواهران عزیزی که از راه‌های دور به این نقطه آمدید و بخشی از مجموعه‌ی عظیم حرکت راهیان نور را تشکیل دادید هم تقدیر و تشکر میکنم و امیدوارم ان شاءالله همه‌ی شما مأجور باشید و همه‌ی شما ان شاءالله با دست‌پُر و همراه با تجربه‌آموزی و بصیرت و همراه با انوار معنوی الهی ان شاءالله از این منطقه جدا بشوید. خداوند متعال همه‌ی شما را محفوظ بدارد.

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیرمطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹